

امام مہدی

نشانیہ های از مہدی

پاسخ امامان ^{علیہم السلام} بہ سوالات شیعیان

پیرامون امام زمان ^{علیہ السلام}

احمد سعیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



انتشارات مسجد مقدس جمکران

-
- | | |
|--------------|---|
| ■ نام کتاب: | □ نشانه‌هایی از مهدی <small>علیه السلام</small> |
| ■ گردآورنده: | □ احمد سعیدی |
| ■ صفحه آرا: | □ امیرسعید سعیدی |
| ■ ناشر: | □ انتشارات مسجد مقدس جمکران |
| ■ تاریخ نشر: | □ پاییز ۱۳۸۶ |
| ■ نوبت چاپ: | □ اول |
| ■ چاپ: | □ اسوه |
| ■ شمارگان: | □ ۳۰۰۰ جلد |
| ■ قیمت: | □ ۱۰۰۰ تومان |
| ■ شابک: | □ ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۱۱۷ - ۹ |
-

- | | |
|--------------------|--|
| ■ مرکز پخش: | □ انتشارات مسجد مقدس جمکران |
| ■ تلفن و نمابر: | □ فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران
□ ۰۲۵۱ - ۷۲۵۳۳۴۰ ، ۷۲۵۳۷۰۰ |
| ■ قم - صندوق پستی: | □ ۶۱۷ |

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

نشانی پیر از مہدی علیہ السلام

پاسخ امامان بہ سوالات شیعیان

پیرامون امام زمان علیہ السلام

مؤلف

احمد سعیدی

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
فصل اول: تفسیر آیات مهدوی	
۱۶	اشاره
۱۶	مراد از غیب در آیه کیست؟
۱۷	ناقور چیست؟
۱۸	روز ظهور دین ناب محمدی <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> چه موقع است؟
۱۹	مراد از نشان دادن آیات خدا چیست؟
۲۰	سرنوشت مشرکان در زمان ظهور چگونه است؟
۲۱	تفسیر لیل و نهار چیست؟
۲۲	ماء معین یعنی چه؟
۲۲	سؤال اول
۲۲	سؤال دوم
۲۳	مراد از غاشیه چیست؟
۲۴	هر کسی با امام خود محشور می شود
۲۵	مراد از نعمت باطنی کیست؟
۲۷	مَثَل امام در قرآن چیست؟
۲۷	دل مشغولی شیعه چیست؟
۲۹	زمان اطاعت همگانی؟

فصل دوم: سؤال مهدوی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

- ۳۲ هدیه و تحفه خدا به پیامبرش چه بود؟
- ۳۳ فرزند پیامبر کیست؟
- ۳۵ ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و آله برای چه بود؟
- ۳۶ پیامبر صلی الله علیه و آله برای چه موضوعی گریه کرد؟
- ۳۹ امام صالح کیست؟
- ۳۹ سؤال امیرالمؤمنین علیه السلام به نقل اهل سنت

فصل سوم: زمان و چگونگی ولادت پنهانی

- ۴۲ مقدمه
- ۴۲ امام صادق علیه السلام و زمان تولد حضرت قائم علیه السلام
- ۴۳ ماجرای ولادت از زبان عمه
- ۵۵ چرا تولد و زندگی مخفیانه!
- ۵۶ مشخصات ظاهری حضرت مهدی علیه السلام چیست؟
- ۵۷ چه کسانی امام زمان علیه السلام را زیارت کرده‌اند؟
- ۵۷ الف) دیدار یار!
- ۵۸ ب) دیدار ماه تابان
- ۶۰ آیا کودک هم می‌تواند امام شود؟
- ۶۱ فرزند خیره الاماء کیست؟

فصل چهارم: شناخت امام زمان علیه السلام

- ۶۴ شناخت دوازدهمین حجّت خدا
- ۶۵ دین الهی چگونه ظاهر می‌شود؟
- ۶۶ سؤال عمر بن خطاب چه بود؟
- ۶۷ امام حسین علیه السلام پیرامون صاحب الامر چه فرمود؟

- ۶۷ امام صادق علیه السلام و تصریح به مهدی موعود؟
- ۷۰ آیا امام کاظم علیه السلام قائم بوده است؟
- ۷۱ پنجمین از هفتمین یعنی چه؟
- ۷۲ خلف مأمول فرزند کیست؟
- ۷۲ شاه عبدالعظیم حسنی در مورد قائم چه پرسید؟
- ۷۴ سؤال دیگر شاه عبدالعظیم حسنی چه بود؟
- ۷۶ علی بن مهزیار از امام هادی علیه السلام چه پرسید؟
- ۷۶ خبر امام هادی علیه السلام در مورد مهدی علیه السلام
- ۷۷ اشاره امام حسن عسکری علیه السلام

فصل پنجم: اوصاف و شباهت‌ها

- ۸۰ شباهت امام زمان علیه السلام به پیامبران علیهم السلام
- ۸۱ وجود اوصاف پیامبران الهی در موعود الهی
- ۸۳ شباهت مهدی علیه السلام به یوسف علیه السلام چیست؟

فصل ششم: مفهوم قائم و قیام

- ۸۶ لقب «قائم» را چه کسی انتخاب کرد؟
- ۸۷ قائم و مهدی یعنی چه؟
- ۸۸ تفسیر قائم و منتظر چیست؟
- ۸۹ قائم آل محمد چه کسی است؟
- ۹۱ صاحب الامر کیست؟
- ۹۱ ستارگان آسمان ولایت و امامت
- ۹۲ چرا بعضی از امامان قیام نکردند؟
- ۹۳ علامت قائم چیست؟

فصل هفتم: غیبت طولانی

- ۹۶ علت غیبت چیست؟
- ۹۷ غیبت برای کدام یک از معصومین علیهم السلام رخ می‌دهد؟
- ۹۸ آیا غیبت مهدی علیه السلام حتمی است؟
- ۹۸ چرا مهدی علیه السلام غایب شده است؟
- ۹۹ حکمت غیبت امام علیه السلام چیست؟
- ۱۰۰ امام زمان علیه السلام چرا غایب شدند؟
- ۱۰۱ امام غایب چگونه ولایت و روشنی می‌بخشد؟
- ۱۰۲ امام غایب و خورشید پشت ابر!
- ۱۰۳ آیا دشمنی با امام نیز علت غیبت است؟
- ۱۰۵ آن ناشناس را چه بنامیم؟
- ۱۰۵ آن ناپیدا کیست؟
- ۱۰۶ چرا غیبت طولانی شده است؟
- ۱۰۶ آیا امتحان و آزمایش مردم هم از علل غیبت است؟
- ۱۰۷ آن تنهای غریب!
- ۱۰۷ مدت حیرت و غیبت چقدر است؟
- ۱۰۸ چگونه به مهدی علیه السلام سلام کنیم؟
- ۱۰۹ دعای زمان غیبت چیست؟
- ۱۱۱ ندبه امام صادق علیه السلام در فراق مهدی علیه السلام

فصل هشتم: فرج و انتظار

- ۱۲۰ فضیلت انتظار فرج چیست؟
- ۱۲۱ پاداش کسی که در حال انتظار بمیرد چیست؟
- ۱۲۱ رابطه فرج و انتظار چیست؟

- ۱۲۲ انتظار یعنی جهاد
- ۱۲۳ برادران پیامبر چه اوصافی دارند؟
- ۱۲۴ برترین عبادت کدام است؟
- ۱۲۸ باید منتظر باشید!
- ۱۳۰ فرج چه موقع است؟
- ۱۳۱ فرج سریع و نزدیک است

فصل نهم: علائم و نشانه‌های ظهور

- ۱۳۴ نشانه‌های پنجگانه ظهور چیست؟
- ۱۳۶ نشانه‌های قبل از ظهور چیست؟
- ۱۳۷ نشانه‌های حتمی ظهور
- ۱۳۸ نشانه‌های بی سابقه و بی نظیر
- ۱۳۹ نشانه‌هایی دیگر
- ۱۴۰ نشانه‌ها و پیش‌گویی‌های پیامبر ﷺ
- ۱۴۱ آیا پیش‌بینی‌ها واقع شده است؟
- ۱۴۲ پیش‌گویی و خبر امام حسین علیه السلام چه بود؟
- ۱۴۲ ظلم و فساد همه جا را فرامی‌گیرد
- ۱۴۴ برخی دیگر از نشانه‌ها
- ۱۴۴ سؤال اول
- ۱۴۴ سؤال دوم
- ۱۴۵ سؤال سوم
- ۱۴۶ سؤال چهارم
- ۱۴۷ سؤال پنجم
- ۱۴۷ سؤال ششم
- ۱۴۸ خلاصه برخی از نشانه‌ها

فصل دهم: زمان ظهور

- ۱۵۲ زمان ظهور چه موقع است؟
- ۱۵۲ جمعیت جهان در زمان ظهور؟
- ۱۵۳ زمان ظهور بعد از غربال شدن مردم است؟
- ۱۵۳ چرا وقت ظهور معلوم نیست؟

فصل یازدهم: بعد از ظهور

- ۱۵۸ یاران امام زمان علیه السلام چند نفرند؟
- ۱۵۹ منزل و مأوای مهدی علیه السلام بعد از ظهور کجاست؟
- ۱۶۰ اقدامات حضرت مهدی علیه السلام چه خواهد بود؟
- ۱۶۲ سیره و روش صاحب الزمان علیه السلام چگونه است؟
- ۱۶۲ سؤال اول
- ۱۶۳ سؤال دوم
- ۱۶۳ سؤال سوم
- ۱۶۴ روش قضاوت امام زمان علیه السلام چگونه است؟
- ۱۶۵ آیا زندگی بعد از ظهور همه‌اش آسایش و رفاه است؟
- ۱۶۶ سختی‌های بعد از ظهور چیست؟

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين
الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

آخرين پیامبر الهی در اولین جلسه ابلاغ رسالت در حضور اقوام و عشیره
خود که به دستور خداوند متعال برگزار گردید، در کنار اصل‌های اساسی دین
اسلام؛ یعنی توحید و نبوت، مسئله امامت و جانشینی خود را نیز مطرح فرمود.
بنابراین سه اصل اساسی توحید و نبوت و امامت، از همان روز اول ابلاغ رسالت
در کنار یکدیگر مطرح شد.

پیامبر خدا ﷺ در آن جلسه فرمود هر کدام از شما که زودتر به خدا و من
ایمان بیاورد او وصی و خلیفه و جانشین من خواهد بود. تنها کسی که در آن
جمع حدود چهل نفری اعلام آمادگی کرد، امیر المؤمنین علی علیه السلام بود. پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله سه بار سخن خود را تکرار کرد؛ ولی کسی جز امام علی علیه السلام درخواست
آن حضرت را اجابت نکرد؛ لذا فرمود: همه بدانید که این علی وصی و خلیفه من

بر شماسست. اتفاقاً برخی از حاضران با تمسخر به ابوطالب گفتند از این به بعد باید از پسرت اطاعت کنی.

به هر حال مسئله خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله از همان ابتدای بعثت و تبلیغ رسالت، در کنار توحید و نبوت و دوشادوش هم مطرح بود؛ اگر چه بعداً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، تعداد و اسامی و خصوصیات جانشینان و امامان را نیز بیان فرمودند که دوازده نفرند و به احادیث ۱۲ خلیفه در بین روایات شیعه و سنتی معروف است.

بیان این مطالب مسلمانان را به پرس و جو واداشت؛ چنان که در روایات فراوانی می‌بینیم؛ چه از شیعه و چه از اهل سنت، همواره از پیامبر و امامان علیهم السلام در این مورد سؤال کرده‌اند که نام او چیست؟ فرزند کیست؟ چه موقع متولد می‌شود؟ آیا غایب خواهد شد؟ چه موقع ظهور خواهد کرد؟ و از این قبیل سؤالات که حضرات معصومین علیهم السلام نیز با توجه به شرایط آن زمان جواب می‌دادند.

پیرامون امام زمان علیه السلام در موضوعات مختلف، سؤالات و شبهات فراوانی مطرح شده و جواب آن نیز داده شده و کتاب‌های متعددی نیز در این زمینه (خصوصاً توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران) چاپ شده است؛ لکن آنچه ما در این کتاب دنبال نموده‌ایم، فقط سؤالاتی است که اصحاب پیامبر و امامان علیهم السلام از آن حضرات پرسیده‌اند و ایشان نیز جواب داده‌اند، توفیق شد تا برخی از این سؤال و جواب‌ها را که به صورت حدیث و روایت در کتب روایی شیعه و سنتی ثبت شده را جمع‌آوری و جهت مشتاقان امام زمان علیه السلام که کمتر به

کتب مرجع روایی دسترسی دارند در اختیار آنان قرار دهیم. امید است مورد قبول حضرت ولی عصر علیه السلام و پسند منتظران آن حضرت قرار گیرد.

و اینک در ایام فاطمیه که در مسجد مقدس جمکران نشستهام، یاد حضرت امام خمینی علیه السلام و شهدای گران قدر انقلاب و جنگ؛ خصوصاً هم‌زمان شهیدم: عبدالله ذوالفقاری، شیخ ابوالقاسم صفاری، مهدی صفار، منصور مرادی، بشیر باقری، محسن متولی، مصیب رفعتی و جواد خدای راگرامی داشته، برای سرافرازی نظام اسلامی ایران و سلامتی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای «حفظ الله» دعا می‌کنیم.

در پایان از مدیریت محترم انتشارات مسجد مقدس جمکران، حجت الاسلام والمسلمین حسین احمدی قمی «دام عزه» که زمینه چاپ این اثر را فراهم نمودند و نیز از همکازی برادران واحد پژوهش؛ به خصوص برادر گرامی جناب آقای رضا دیلمی تشکر و قدردانی می‌شود.

تابستان ۱۳۸۶
شهر مقدس قم
احمد سعیدی

فصل اوّل:

تفسیر آیات مہدوی

اشاره

آیات متعددی در قرآن کریم است که به وجود مقدس امام زمان علیه السلام و غیبت و قیام ایشان اشاره نموده که با تبیین پیامبر و امامان علیهم السلام و سؤالات متعدد اصحاب و شیعیان از ایشان برای ما روشن می شود. در این قسمت چند مورد از آن آیات را که شیعیان سؤال کرده اند، با جواب امامان علیهم السلام می آوریم.

مراد از غیب در آیه کیست؟

یحیی بن ابوالقاسم می گوید: در مورد تفسیر آیات شریفه **«الْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...»**^۱ از امام صادق علیه السلام سؤال کردم، آن حضرت فرمود:

«الْمُتَّقُونَ شِيعَةٌ عَلَيَّ علیه السلام وَأَمَّا الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ وَشَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَيَقُولُونَ لَوْ لَأُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ

۱. سوره بقره، آیه ۱ و ۲. «الم، آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است. (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می آورند».

فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»^۱

«مراد از متقون، شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند و منظور از غیب همان امام غایب است و شاهد این ادعا سخن خداست که می فرماید: بگو: غیب (و معجزات) تنها برای خدا (و به فرمان او) است! شما در انتظار باشید، من هم با شما در انتظارم! (شما در انتظار معجزات بهانه جویانه باشید، و من هم در انتظار مجازات شما!)»

ناقور چیست؟

سؤال بعدی در مورد آیه شریفه «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ»^۲ است که این سؤال طبق نقل مفضل، از امام صادق علیه السلام پرسیده شده است که منظور از این آیه چیست؟ و ناقور یعنی چه که در آن دمیده می شود؟ آن حضرت فرمودند:

«إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُّسْتَتِرًا فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۳

«همانا از ماست امامی که مخفی خواهد بود، پس هرگاه خداوند برای ظهورش اراده بفرماید در دلش خواهد انداخت، پس ظهور خواهد کرد و به امر خداوند متعال قیام می نماید.»

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۲ به نقل از کمال الدین.

۲. سوره مدثر، آیه ۸ هنگامی که در «صور» دمیده شود.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۴۳ / غیبت طوسی، ص ۱۶۴ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۸ / غیبت نعمانی، ص ۱۸۷ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۹.

روز ظهور دین ناب محمدی صلی الله علیه و آله چه موقع است؟

ابوبصیر که از اصحاب خاص امام باقر و امام صادق علیهما السلام می‌باشد، می‌گوید: از

امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ

الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱ به چه معناست؟

فرمود: به خدا قسم که هنوز تأویل این آیه نیامده است.

گفتم: پس چه موقع خواهد بود؟ آن حضرت جواب دادند:

«حَتَّىٰ يَقُومَ الْقَائِمُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ وَلَا مُشْرِكٌ

إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ، حَتَّىٰ لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ

الصَّخْرَةُ: يَا مُؤْمِنُ! فِي بَطْنِي كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فَاقْتُلْهُ. قَالَ: فَيُنْحِيهِ اللَّهُ،

فَيَقْتُلُهُ»^۲

«آن‌گاه که قائم قیام کند، ان شاء الله، پس هرگاه قائم ظهور کند هیچ کافر

و مشرکی نخواهد بود جز این‌که از ظهور آن حضرت ناراحت است؛ لذا اگر

یک شخص کافر یا مشرکی حتی در زیر صخره سنگی هم باشد، آن صخره

ندا می‌کند: ای مؤمن! در زیر من مشرک و کافر است، بیا و او را بکش.

پس خداوند او را بیرون می‌آورد و به قتل می‌رساند».

۱. سوره توبه، آیه ۳۳: او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه

آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰ / جامع الفوائد.

مراد از نشان دادن آیات خدا چیست؟

سؤالی دیگر از ابوبصیر که از امام صادق علیه السلام پرسیده است و آن هم در مورد آیه شریفه «سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...»^۱ که امام صادق علیه السلام جواب فرمودند:

«يُرِيهِمْ فِي أَنْفُسِهِمُ الْمَسْخَ وَيُرِيهِمْ فِي الْأَفَاقِ انْتِقَاضَ الْأَفَاقِ عَلَيْهِمْ فَيَرَوْنَ قُدْرَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي الْأَفَاقِ. قُلْتُ لَهُ: حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ؟»

قَالَ: خُرُوجُ الْقَائِمِ هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَرَاهُ الْخَلْقُ لَا بُدَّ مِنْهُ»^۲

«خداوند مسخ شدن را در دل آنان می‌نمایاند و در آفاق نیز تغییر قانون طبیعت را خواهند دید. پس قدرت خدا را می‌بینند، هم در دل خودشان و هم در آفاق.»

عرض کردم: معنای «حتیٰ یتبین لهم انه الحق» چیست؟

فرمود: ظهور و قیام قائم حق از جانب خداست و این برای مردم روشن خواهد شد و آن را خواهند دید.»

۱. سوره فصلت، آیه ۵۳: به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۶۹ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۲ / کافی، ج ۸، ص ۳۸۹.

سرنوشت مشرکان در زمان ظهور چگونه است؟

همه جهان و جهانیان مخلوق خدایند، پس باید به دین خدا که دین اسلام است داخل شوند؛^۱ اما آنان که زیر بار حق نمی‌روند و به شرک و کفر خود ادامه می‌دهند، نباید بر روی زمین زندگی کنند، لذا قرآن می‌فرماید باید با همه آنان بجنگید؛ اما این جنگ چه موقع خواهد بود و چه موقع باید همه مشرکان را کشت؟ این را از امام پرسیده‌اند. جریان آن را امام صادق علیه السلام نقل می‌فرماید که شخصی از پدرم امام باقر علیه السلام در مورد آیه **«وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً...»**^۲ سؤال نمود، پدرم فرمود:

«لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سَيْرِي مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَيَبْلُغَنَّ دَيْنُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ»^۳

«هنوز زمان تأویل و مصداق این آیه فرانرسیده است؛ آن‌گاه که قائم ما قیام کند، هر کسی که او را درک کند، حتماً تأویل این آیه را خواهد دید و دین پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به همه جا گسترش پیدا خواهد کرد و روی زمین کسی نخواهد ماند که مشرک به خدا باشد چنان‌که خداوند فرمود.»

۱. (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ....) سوره آل عمران: آیه ۱۹.

۲. سوره توبه، آیه ۳۶. با مشرکان، دسته جمعی بیکار کنید، همان‌گونه که آن‌ها دسته جمعی با شما بیکار می‌کنند....

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۵ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳ و ج ۲، ص ۵۶.

تفسیر لیل و نهار چیست؟

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه «وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَىٰ *

وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّىٰ»^۱ پرسید، آن حضرت فرمود:

«اللَّيْلُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الثَّانِي غَشَّىٰ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي دَوْلَتِهِ الَّتِي

جَرَتْ لَهُ عَلَيْهِ وَأَمْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنْ يَصْبِرَ فِي دَوْلَتِهِمْ حَتَّىٰ تَنْقُضِيَ.

قَالَ: وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّىٰ؟

قَالَ: النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ عليه السلام إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَةَ الْبَاطِلِ

وَالْقُرْآنُ ضَرَبَ فِيهِ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَخَاطَبَ نَبِيَّهُ عليه السلام بِهِ وَنَحْنُ [نَعْلَمُهُ]

فَلَيْسَ يَعْلَمُهُ غَيْرُنَا»^۲

«منظور از لیل در این مورد دوم امیرالمؤمنین علیه السلام است که در دولت

ظالمان بر او گذشت که نور او خاموش گشت و آن حضرت مأمور شد که

صبر کند تا زمانش بگذرد.

سؤال کرد: والنهار اذا تجلّى یعنی چه؟

فرمود: نهار همان قائم از ما اهل بیت است، آن گاه که قیام کند، بر دولت

باطل غالب می شود.

خداوند در قرآن برای مردم ضرب المثل آورد و پیامبرش را و ما را به

آن خطاب فرموده و غیر از ما کسی آن را نمی داند.»

۱. سوره لیل، آیه ۱ و ۲.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۹ / تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۰ که در این کتاب به جای الثانی، فلان، آمده است.

بماء معین یعنی چه؟

سؤال اول

فضالة بن ایوب می‌گوید: از امام رضا علیه السلام سؤال شد: منظور از این آیه شریفه

چیست؟

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»^۱

«بگو: به من خبر دهید اگر آب‌های (سرزمین) شما در زمین فرو رود،

چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!»

حضرت فرمود:

«مَاؤُكُمْ أَبْوَابُكُمْ (أَيُّ) الْأَيْمَّةُ وَالْأَيْمَّةُ أَبْوَابُ اللَّهِ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ

يَعْنِي يَأْتِيكُمْ بِعِلْمِ الْإِمَامِ»^۲

«منظور از آب شما، ابواب شمایند؛ یعنی امامان شما که ایشان همانا

ابواب خدا هستند و غیر از آنان کسی نمی‌تواند علم ایشان را برای شما

بیاورد».

سؤال دوم

همین مطلب را علی بن جعفر برادر امام موسی کاظم علیه السلام نیز از آن حضرت

پرسیده که آن جناب فرمودند:

«إِذَا فَقَدْتُمْ إِمَامَكُمْ فَلَمْ تَرَوْهُ فَمَاذَا تَصْنَعُونَ»^۳

۱. سوره ملک، آیه ۳۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۰ و ج ۲۴، ص ۱۰۰ / تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۹.

۳. غیبت طوسی، ص ۱۶۰ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۰.

«آن‌گاه که امام خود را از دست دادید و او را ندیدید، پس چه خواهید کرد؟»

مراد از غاشیه چیست؟

محمد بن سلیمان می‌گوید: پدرم در مورد آیه شریفه «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ»^۱ از امام صادق علیه السلام پرسید، آن حضرت جواب دادند:

«يَغْشَاهُمُ الْقَائِمُ بِالسَّيْفِ.»

قَالَ: قُلْتُ: وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ؟

قَالَ: يَقُولُ: خَاضِعَةٌ لَا تُطِيقُ الْإِمْتِنَاعَ.

قَالَ: قُلْتُ: غَامِلَةٌ؟

قَالَ: عَمِلَتْ بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

قُلْتُ: نَاصِبَةٌ؟

قَالَ: نَصَبٌ غَيْرِ وُلاةِ الْأَمْرِ.

قَالَ قُلْتُ: تَصَلِي نَاراً حَامِيَةً؟

قَالَ: تَصَلِي نَارَ الْحَرْبِ فِي الدُّنْيَا عَلَى عَهْدِ الْقَائِمِ وَفِي الْأَخِرَةِ نَارَ

جَهَنَّمَ»^۲؛

«مراد قائم است که با شمشیر خواهد آمد و ظالمان را احاطه خواهد کرد.»

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۰ / ثواب الاعمال.

۱. سوره غاشیه، آیه ۱.

گفتم: وجوه یومئذ خاشعة یعنی چه؟

فرمود: همه برای قائم خاضع می‌شوند؛ به گونه‌ای که کسی قدرت نافرمانی ندارد.

عرض کردم: عاملة یعنی چه؟

فرمود: به غیر از آنچه که خداوند نازل کرده عمل می‌کنند.

گفتم: ناصبة یعنی چه؟

فرمود: کسانی منصوب شدند که لایق نبودند.

گفتم: تصلی ناراً حامیه چیست؟

فرمود: آتش دنیا، مراد سوزش شمشیر قائم است و در آخرت، آتش جهنم است.»

هر کسی با امام خود محشور می‌شود

این عبارت مضمون آیه قرآن است که فضیل بن یسار نقل می‌کند که از امام

صادق علیه السلام پرسیدم: منظور از آیه شریفه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»^۱

چیست؟

آن جناب فرمودند:

«يَا فَضَيْلُ! إِعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا

الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ

۱. سوره اسراء، آیه ۷۱. «(به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم!»

كَانَ بِمَنْزِلَةٍ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلْ بِمَنْزِلَةٍ مَنْ كَانَ قَاعِدًا تَحْتَ لُؤَائِهِ.

قَالَ: وَرَوَاهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا بِمَنْزِلَةٍ مَنِ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛^۱
«ای فضیل! تو امام خود را بشناس، چون اگر امام خویش را شناختی،
برایت ضرری نخواهد بود که این امر زودتر شود یا تأخیر افتد و هر که امام
خود را بشناسد آن گاه بمیرد قبل از آن که صاحب الامر ظهور کند، به منزله
کسی خواهد بود که در لشکر آن حضرت حاضر شده باشد؛ خیر، بلکه به
منزله کسی است که زیر پرچم خاص آن حضرت باشد.»
می گوید: برخی روایت کرده اند: بلکه به مانند کسی است که به همراه
رسول خدا ﷺ شهید شده است.

مراد از نعمت باطنی کیست؟

محمد بن زیاد از دی می گوید: از آقایم امام کاظم علیه السلام پرسیدم: منظور این
آیه چیست «... وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَهُ وَبَاطِنَهُ...»؟^۲
آن حضرت فرمود:

«النُّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ.

فَقُلْتُ لَهُ: وَيَكُونُ فِي الْأُئِمَّةِ مَنْ يَغِيبُ؟

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۱ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۱ / غیبت نعمانی، ص ۳۲۹.
۲. سوره لقمان، آیه ۲۰. «و نعمت های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته
است.»

«مراد از نعمت ظاهره، امام ظاهر است و نعمت باطنی، امام غایب است.

گفتم: مگر بین امامان کسی غایب هم خواهد شد؟

قَالَ: نَعَمْ يَغِيبُ عَنِ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَلَا يَغِيبُ عَنِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنْهَا يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَيُذَلِّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَيُظْهِرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَيُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ وَيُبَيِّرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَيُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ذَاكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ الَّذِي يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَّتُهُ حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْمًا»^۱

فرمود: آری، شخص او از دیدگان مردم غایب می‌شود؛ اما یاد او از دل‌های مؤمنان فراموش نمی‌گردد، او دوازدهمین امام از ماست، خداوند متعال هر مشکلی را برایش آسان خواهد کرد، هر سرسختی و (جباری) را در مقابل او رام گرداند، گنج‌های زمین را برایش ظاهر سازد، هر دوری را برایش نزدیک کند و تمام جباران و معاندان را به وسیله او هلاک کند، و به وسیله او هر شیطان متمردی را نابود سازد. او فرزند بهترین کنیزان است که ولادتش از مردم مخفی بماند و نام بردنش نیز حلال نباشد. تا آن‌گاه که خداوند وی را ظاهر کند و زمین را توسط وی پر از عدل و داد نماید چنان‌که از ظلم و ستم پر شده باشد».

۱. کفایه الاثر، ص ۲۷۰ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸.

مَثَلِ امام در قرآن چیست؟

علی بن خطاب از مؤذن مسجد احمر نقل کرده که می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پیرامون قائم علیه السلام پرسیدم که آیا در قرآن کریم، شاهد و مثل و مانندی برای ایشان وجود دارد؟ آن حضرت فرمود:

نَعَمْ، آيَةُ صَاحِبِ الْحِمَارِ أَمَاتَهُ اللهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ؛^۱

آری، صاحب الحمار (پیامبری به نام عَزْزیر) است که خداوند متعال او را برای صد سال میراند و سپس وی را برانگیخت.^۲

دل مشغولی شیعه چیست؟

آم هانی ثقفیه می‌گوید: صبح یک روزی به محضر مولایم امام باقر علیه السلام

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۵.

۲. بقره / ۲۵۹؛ ﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى جَمْرِكَ وَاجْعَلْكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقف‌ها فرو ریخته بود، (واجساد و استخوان‌های اهل آن، در هر سو پراکنده بود؛ او با خود) گفت: «چگونه خدا این‌ها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟!» (در این هنگام)، خدا او را یک صد سال میراند؛ سپس زنده کرد؛ و به او گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز؛ یا بخشی از یک روز.» فرمود: «نه، بلکه یک صد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سال‌ها) هیچ‌گونه تغییر نیافته است! (خدایی که یک چنین مواد فاسد شدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای این‌که تو را نشانه‌ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوان‌ها(ی مرکب سواری خود نگاه کن که چگونه آن‌ها را برداشته، به هم پیوند می‌دهیم، و گوشت بر آن می‌پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می‌دانم خدا بر هر کاری توانا است.»

رسیدم و عرض کردم: ای آقای من! آیه‌ای از قرآن کریم است که دل مرا مشغول کرده و شب مرا بیدار نگه داشته است.

آن جناب فرمود: بپرس ای ام‌هانی!

گفتم: در مورد این سخن خدا که: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ * الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾^۱ بفرمایید.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«نِعْمَ الْمَسْأَلَةُ سَأَلْتَنِي يَا أُمَّ هَانِي! هَذَا مَوْلُودٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، هُوَ الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْعِثْرَةِ، تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَغَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَهْتَدِي فِيهَا أَقْوَامٌ، فَيَا طُوبَى لَكَ إِنْ أَدْرَكْتَهُ وَيَا طُوبَى مَنْ أَدْرَكَهُ!»^۱

«خوب مسأله‌ای را پرسیدی ای ام‌هانی! این مولودی است که در آخرالزمان خواهد آمد، او مهدی است و از عترت آل محمد علیهم السلام می‌باشد. برای او حیرت و غیبتی خواهد بود که برخی از اقوام گمراه می‌شوند و برخی نیز هدایت می‌گردند. پس خوشا به حال تو اگر او را درک کردی، و خوشا به حال هر کسی که او را درک کند.»

«يَا أُمَّ هَانِي إِمَامٌ يَخْنِسُ نَفْسَهُ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنِ النَّاسِ عِلْمُهُ سَنَةً سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الْوَاقِدِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ فَإِنْ أَدْرَكَتِ ذَلِكَ الزَّمَانَ قَرَّتْ عَيْنَاكَ»^۲

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۷ / کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۳۰.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۴۹ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۸.

«مراد امامی است که غایب می شود و علم او در سال ۲۶۰ ه.ق. از مردم منقطع می گردد، اما سپس همانند شهاب سوزان و درخشان در شب بسیار تاریک ظاهر خواهد شد. و تو اگر آن زمان را درک کردی چشمانت روشن باد».

زمان اطاعت همگانی؟

ابن بکیر می گوید از امام کاظم علیه السلام در مورد این آیه پرسیدم: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا؟»

آن حضرت فرمود:

أُنزِلَتْ فِي الْقَائِمِ عليه السلام إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ وَالزَّنَادِقَةَ وَأَهْلِ الرَّدَّةِ وَالْكَفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعًا أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَمَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَيَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَمَنْ لَمْ يُسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ.

این آیه در مورد قائم علیه السلام نازل شده است؛ آن گاه که ظهور نماید و بر یهود و نصارا و صابئین و زنادقه و اهل رده و کافران در شرق و غرب عالم قیام نماید، آنان را به اسلام دعوت می کند، هر کسی که داوطلبانه اسلام بیاورد او را به نماز و زکات و هر آنچه که بر مسلمان لازم و واجب است امر می کند، و هر کسی که مسلمان نشود گردنش را خواهد زد تا در سراسر جهان

کسی باقی نماند جز این که توحید خدا را بپذیرد.

عرض کردم: فدایتان شوم، خلائق بیش از این هستند.

ایشان فرمود:

إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَمْرًا قَلَّ الْكَثِيرَ وَكَثُرَ الْقَلِيلَ^۱

خداوند متعال هرگاه اراده امری را بفرماید می‌تواند زیاد را کم نماید

و کم را زیاد بفرماید.

فصل دوم:

سؤال مهدوی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

هدیه و تحفه خدا به پیامبرش چه بود؟

قضیه مهدی موعود که در آخرالزمان ظهور می‌کند، یک قانون الهی است که همه انبیای الهی آن را بشارت داده‌اند و پیروان تمام مکاتب و مذاهب نیز منتظر او هستند؛ لکن این یک هدیه خدایی به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است. جریان این ماجرا را از زبان امام صادق علیه السلام و از کتاب شریف (اصول کافی و بحار الانوار) می‌خوانیم:

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با شادی و سرور از منزل بیرون آمدند، مردم عرض کردند: خدا شادی شما را افزون فرماید، جریان چیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ يَوْمٍ وَلَا لَيْلَةٍ إِلَّا وَلِيَّ فِيهِمَا تُحْفَةٌ مِنَ اللَّهِ أَلَا وَإِنَّ رَبِّي أَتُحَفَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِتُحْفَةٍ لَمْ يُتْحَفَنِي بِمِثْلِهَا فِيمَا مَضَى، إِنَّ جَبْرَائِيلَ عليه السلام أَتَانِي فَأَقْرَأَنِي مِنْ رَبِّي السَّلَامَ وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ اخْتَارَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ سَبْعَةً لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهُمْ فِيمَنْ مَضَى وَلَا يَخْلُقُ مِثْلَهُمْ فِيمَنْ بَقِيَ، أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَصِيكَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سِبْطَاكَ سَيِّدَا الْأَسْبَاطِ وَحَمْزَةُ عَمَّكَ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ

وَجَعَفَرُ ابْنُ عَمِّكَ الطَّيَّارُ فِي الْجَنَّةِ يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَيْثُ يَشَاءُ وَمِنْكُمْ الْقَائِمُ يُصَلِّي عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ إِذَا أَهْبَطَهُ اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ ذُرِّيَّةِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَمِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؛^۱

«هیچ شب و روزی نیست، مگر این که از جانب خداوند متعال برای من تحفه‌ای فرستاده می‌شود. اما آگاه باشید که امروز پروردگارم تحفه‌ای به من داده که تا قبل از این، چنین تحفه‌ای نداده بود. همانا جبرئیل نزد من آمد و سلام پروردگارم را ابلاغ کرد و گفت: ای محمد! پروردگار عظیم الشأن از میان بنی‌هاشم هفت نفر را برگزید که مانند آنان را نه قبل از این خلق کرده، و نه بعد از این خلق خواهد کرد، [آن هفت نفر عبارتند از]:

ای رسول خدا! تو سید و آقای پیامبران هستی. علی بن ابی طالب وصی تو و سید اوصیاست. حسن و حسین که دو سبط تو هستند سرور همه اسباط هستند. عمویت حمزه، سالار شهیدان است و پسر عموی تو جعفر طیار، در بهشت به همراه فرشتگان پرواز می‌کند.

و از شماست قائم، همان که عیسی بن مریم عليه السلام پشت سرش به نماز می‌ایستد، که خدای تعالی او را به زمین فرود می‌آورد. آن قائم از نسل علی و فاطمه و از فرزندان حسین عليه السلام است.»

فرزند پیامبر کیست؟

مهدی موعود از نسل و فرزند چه کسی می‌باشد؟ این سؤال نیز از پیامبر

اکرم علیه السلام پرسیده شده است؛ ابن عباس تعریف می‌کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
جانشینان من و حجت‌های خدا بر خلق بعد از من ۱۲ نفرند که اول آنان برادرم
و آخر ایشان فرزندم می‌باشد.

سؤال شد: ای رسول خدا! برادرت کیست؟

فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام.

گفته شد: پس فرزندت کیست؟

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

«الْمَهْدِيُّ يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي
بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَأَطَالَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى
يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ
وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»؛^۱

«فرزندم مهدی است که زمین را از قسط و عدل پر می‌کند؛ همان طور
که از ظلم و ستم پر شده باشد. قسم به آن که مرا به پیامبری برانگیخت! اگر از
عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن یک روز را آن قدر
طولانی کند که فرزندم مهدی ظهور نماید. پس حضرت مسیح از آسمان
نازل شود و پشت سر ایشان نمازگزارد و زمین به نور وجود او روشن شود
و حکومتش از شرق تا غرب عالم را فرا گیرد».

ناراحتی پیامبر ﷺ برای چه بود؟

موضوع قائم آل محمد و مهدی موعود علیه السلام موضوعی است که تمام فرقه‌های اسلامی از اهل تشیع و تسنن آن را قبول دارند و معتقدند که او هم از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد؛ اگرچه معدودی از اهل سنت می‌گویند آن حضرت هنوز به دنیا نیامده و در موقع مقتضی متولد خواهد شد، به هر حال راویان و محدثان اهل سنت روایات متعدد و کتاب‌های فراوانی در این زمینه نوشته‌اند.

چنان که در حدیثی از اصحاب نقل شده است که می‌گویند: زمانی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که عده‌ای از جوانان بنی هاشم آمدند، تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنان را دید، چشمانش پر از اشک شد و چهره‌اش تغییر کرد، اصحاب گفتند: چه شده است ای رسول خدا؟ در چهره شما چیزی می‌بینیم که خوش آیند نیست؟ ایشان فرمودند:

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَتَشْرِيداً وَتَطْرِيداً حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَمَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَيُقَاتِلُونَ وَيُنْصَرُونَ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطاً كَمَا مَلَأُهَا جَوْراً فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبِوْا عَلَى الثَّلْجِ.

«ما اهل بيتي هستيم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا برگزیده است.

لذا اهل بيت من به زودی به مشکلات و امتحان‌هایی مبتلا می‌شوند و از اهل و وطن خود تبعید و رانده می‌شوند. تا زمانی که از سمت شرق عده‌ای با

پرچم‌های سیاه می‌آیند، ایشان به دنبال حق و حقیقت هستند ولی به آنان نمی‌دهند. پس به ناچار جنگ می‌کنند و پیروز می‌شوند، در این هنگام آنچه تقاضا کرده بودند (از حق و خلافت) را به ایشان تقدیم می‌کنند ولی آنان نمی‌پذیرند تا این که آن را به مردی از اهل بیت من تقدیم می‌نمایند، پس او نیز زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ همان طور که دیگران از ظلم و جور پر کرده باشند. هر یک از شما که آن زمان را درک کرد باید به طرف آنان برود؛ هرچند این رفتن با دست بر روی برف و یخ باشد».

پیامبر صلی الله علیه و آله برای چه موضوعی گریه کرد؟

واقعیت این است که حق معمولاً مظلوم است و باطل نیز به سر و صدا مشغول است؛ اما بالاخره حق بر همه باطل‌ها و ظلم‌ها پیروز می‌شود و دولت حق استقرار می‌یابد. نمونه‌ای از این واقعیت را همگان در مورد امیر المؤمنین علیه السلام مشاهده کردند.

یکی از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که روز فتح خیبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرچم را به امیر المؤمنین علیه السلام سپرد و خدا نیز فتح و پیروزی را نصیب لشکر اسلام فرمود. این صحابی جریان نصب امیر المؤمنین علیه السلام را در روز غدیر و نیز برخی فضایل آن حضرت را ذکر کرده، سپس می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شروع کرد به گریه کردن، در این میان کسی پرسید:

گریه شما برای چیست، ای رسول خدا؟

پیامبر اعظم ﷺ فرمود:

«أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ ﷺ أَنَّهُمْ يَظْلِمُونَ وَيَمْنَعُونَ حَقَّهُ وَيَقَاتِلُونَهُ وَيَقْتُلُونَ
وُلْدَهُ وَيَظْلِمُونَهُمْ بَعْدَهُ وَأَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ ﷺ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ ذَلِكَ
يَزُولُ إِذَا قَامَ قَائِمُهُمْ وَعَلَتْ كَلِمَتُهُمْ وَأَجْمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ وَكَانَ
الشَّانِي لَّهُمْ قَلِيلاً وَالْكَارَةُ لَهُمْ ذَلِيلاً وَكَثُرَ الْمَادِحُ لَهُمْ وَذَلِكَ حِينَ تُغَيَّرُ
الْبِلَادُ وَتُضَعَّفُ الْعِبَادُ وَالْإِيَّاسُ مِنَ الْفَرَجِ وَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْقَائِمُ فِيهِمْ.
قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: اسْمُهُ كَاسِمِي وَاسْمُ أَبِيهِ كَاسِمِ ابْنِي وَهُوَ مِنْ وُلْدِ ابْنَتِي
يُظْهَرُ اللَّهُ الْحَقُّ بِهِمْ وَيَحْمَدُ [يُحْمَدُ] الْبَاطِلَ بِأَسْيَافِهِمْ وَيَتَّبَعُهُمُ النَّاسُ بَيْنَ
رَاغِبٍ إِلَيْهِمْ وَخَائِفٍ لَهُمْ.»

«جبرئیل به من خبر داد که به علی ظلم می‌کنند و حق او را از او منع
می‌کنند، با او می‌جنگند و فرزندانش را می‌کشند و به آنان ظلم می‌کنند، نیز
جبرئیل خبر داد از خداوند متعال که این ادامه دارد ولی هنگامی که قائم
ایشان قیام کند این ظلم و ستم پایان می‌یابد، آن‌گاه که پرچم و حکومت
ایشان بر پا گردد و همه امت بر محبت آنان مجتمع شوند. دیگر دشمنانشان
کم می‌شوند، کسی هم که آنان را ناخوش داند ذلیل می‌شود و محبان
و ثناگویان ایشان زیاد می‌گردند. این در هنگامی است که شهرها تغییر یابند،
بندگان خدا ضعیف شوند و همه از فرج ناامید شوند. در این موقع است که
قائم ظهور خواهد کرد. نام او نام من است و اسم پدرش اسم فرزند من است،
او از نسل دختر من است. خداوند به وسیله ایشان حق را ظاهر کند، حکومت

ظلم و باطل را با قدرت آنان نابود سازد و مردم نیز گروهی با میل و رغبت و گروهی نیز از ترس تابع می‌شوند.

قَالَ: وَسَكَنَ الْبُكَاءُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: مَعَاشِرَ الْمُؤْمِنِينَ أَبْشِرُوا بِالْفَرَجِ فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلَفُ وَقَضَاؤُهُ لَا يُرَدُّ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ فَإِنَّ فَتْحَ اللَّهِ قَرِيبٌ، اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ أَهْلِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، اللَّهُمَّ اكْلَأْهُمْ وَاحْفَظْهُمْ وَارْزُقْهُمْ وَكُنْ لَهُمْ وَاَنْصُرْهُمْ وَأَعِزَّهُمْ وَأَعِزَّهُمْ وَلَا تُذِلَّهُمْ وَاخْلُقْ فِيهِمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛^۱

صدای گریه پیامبر صلی الله علیه و آله پایین آمد، سپس فرمود:

ای مؤمنان! مژده باد شما را به فرج، همانا وعده خداوند تخلف ندارد و قضا و قدر الهی نیز بر نمی‌گردد، چون او آگاه و حکیم است، پس فتح و پیروزی از جانب خداوند نزدیک است.

خدایا! اینان اهل بیت من هستند، پس هرگونه ناپاکی و آلودگی را از ایشان دور کن و آنان را پاک و پاکیزه فرما.

خدایا! آنان را در حفظ و حمایت و رعایت خود بگیر و یار و یاورشان باش، آنان را عزیز گردان و جانشین من کن، چرا که تو بر هر کاری قادر و توانایی.»

۱. کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۹۸ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۷ / امالی طوسی، ص ۳۵۱.

امام صالح کیست؟

در روایات اهل سنت وارد شده است که روزی پیامبر خدا ﷺ مشغول خطبه بودند که ذکر دجال به میان آمد، پس فرمودند:

فَتَنِّي الْمَدِينَةُ الْخَبَثُ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ وَيُدْعَى ذَلِكَ الْيَوْمُ
يَوْمَ الْخَلَاصِ.

فَقَالَتْ أُمُّ شَرِيكِ: فَأَيْنَ الْعَرَبُ يَوْمَئِذٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: هُمْ قَلِيلٌ يَوْمَئِذٍ وَجُلُّهُمْ بَيْتِ الْمَقْدِسِ إِمَامُهُمُ الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ
صَالِحٌ.^۱

مدینه از خباثت و آلودگی پاک خواهد شد؛ همان طور که کوره آتش زواید آهن را پاک می‌نماید، در آن حال صدا می‌کنند که امروز روز خلاصی و راحتی است.

ام شریک گفت: پس عرب کجا هستند، ای رسول خدا؟

حضرت فرمودند: آنان اندک خواهند بود و بیشترشان هم در بیت المقدس هستند. امام آنان مهدی است که مردی صالح می‌باشد.

سؤال امیرالمؤمنین علیه السلام به نقل اهل سنت

این جریان را نیز برادران اهل سنت از قول امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده‌اند که آن جناب فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم:

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱

«يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمِنَّا آلَ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟»

«ای رسول خدا! آیا «مهدی» از ما آل محمد است یا از غیر ماست؟»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَا، بَلْ مِنَّا، يَخْتِمُ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ كَمَا فَتَحَ بِنَا وَبِنَا يُنْقِذُونَ مِنَ الْفِتَنِ كَمَا
أُنْقِذُوا مِنَ الشُّرْكِ وَبِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَةِ إِخْوَانًا كَمَا
أَلَّفَ بَيْنَهُمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشُّرْكِ إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ.»

«خیر، بلکه از ماست، که خداوند دین را به وسیله او ختم می‌کند؛

همچنان که به وسیله ما آغاز شد. مردم به برکت ما از فتنه‌ها نجات پیدا

می‌کنند همان طور که از شرک رهایی یافتند، به وجود ما خداوند قلب‌های

مردم را به هم نزدیک و برادر می‌کند بعد از آن که به جهت فتنه‌ها دشمن

یکدیگر شوند؛ چنان که در صدر اسلام نیز بعد از دشمنی به خاطر شرک،

آنان را برادر دینی یکدیگر کرد.»

فصل سوم:

زمان و چگونگی ولادت پنهانی

مقدمه

چگونگی و زمان تولد امام زمان علیه السلام از نظر برخی ها جزء مسائل و موضوعات مهم می باشد. طبق اعتقاد شیعه، آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق. متولد گردیده و در سال ۲۶۰ نیز غیبت صغرای ایشان آغاز گشته است؛ اگر چه در همان پنج سال هم فقط برخی از خواص و شیعیان مخلص می توانستند ایشان را زیارت کنند. اما از آنجا که همیشه در مقابل هر حقی یک باطل و در کنار هر اصلی یک فرع و بدلی هم هست، قضیه مهدی موعود هم از این قانون مستثنا نیست؛ لذا غیر از این عقیده، برخی از فرقه ها که بعضی از آنان هم منقرض شده اند، نظرات دیگری داشتند؛ مثلاً می گفتند محمد حنفیه امام زمان علیه السلام است و یا اشخاص دیگر، لذا بحث ولادت آن حضرت چون مخفیانه بوده، همیشه مورد پرس و جوی اصحاب و شیعیان بوده است و سؤالات متعددی مطرح شده که در اینجا برای رسیدن به واقع و حقیقت مطلب، جریان تولد آن جناب را مرور می کنیم:

امام صادق علیه السلام و زمان تولد حضرت قائم علیه السلام

خلاد بن قصار می گوید: در زمان امام صادق علیه السلام از آن حضرت پرسیدند: آیا

قائم متولد شده است یا نه؟ فرمود:

«لَا وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»؛^۱

«خیر، ولی اگر او را درک کنم، هر آینه تمام مدت عمرم خدمت او را خواهم کرد».

پس معلوم می‌شود تا زمان امام صادق علیه السلام هنوز مهدی موعود به دنیا نیامده‌اند؛ یعنی نه محمد حنفیه امام بوده و نه فرزند امام صادق علیه السلام که برخی می‌گفتند.

ماجرای ولادت از زبان عمه

در مورد زمان و چگونگی ولادت حضرت مهدی علیه السلام محمد بن عبدالله مطهری نقل می‌کند: بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام قصد کردم خدمت حکیمه دختر امام جواد علیه السلام که عمه امام زمان علیه السلام است برسم و در مورد حجت خدا و آنچه که مردم به اختلاف افتاده‌اند از ایشان سؤال کنم، وقتی رفتم، گفتم: بنشین. نشستیم و آن‌گاه فرمود:

«يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يُخَلِّي الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ نَاطِقَةٍ أَوْ صَامِتَةٍ وَلَمْ يَجْعَلْهَا فِي أَخْوَيْنِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ تَفْضِيلاً لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهما السلام وَتَمِيْزاً لَهُمَا أَنْ يَكُونَ فِي الْأَرْضِ عَدِيْلُهُمَا إِلَّا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَصَّ وُلْدَ الْحُسَيْنِ بِالْفَضْلِ عَلَى وُلْدِ الْحَسَنِ كَمَا خَصَّ وُلْدَ هَارُونَ

عَلَىٰ وَوُلْدِ مُوسَىٰ وَإِنْ كَانَ مُوسَىٰ حُجَّةً عَلَىٰ هَارُونَ وَالْفَضْلُ لَوُلْدِهِ إِلَىٰ
يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا بُدَّ لِلْأُمَّةِ مِنْ حَيْرَةٍ يَرْتَابُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَيَخْلُصُ فِيهَا
الْمُحِقُّونَ لَيْتَ لَا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرَّسُولِ وَإِنَّ الْحَيْرَةَ لَا بُدَّ
وَأَقِعةً بَعْدَ مُضِيِّ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ علیه السلام.

«ای محمد! خداوند متعال زمین را از حجت خالی نمی‌گذارد؛ چه آن
حجت ناطق و ظاهر باشد و چه خاموش و غایب باشد و این جریان امامت را
خداوند هیچ‌گاه در دو برادر قرار نداده است مگر در مورد امام حسن و امام
حسین علیه السلام آن هم به جهت برتری آن دو بزرگوار بر دیگران و این که آن دو
مثل هم هستند ولی با دیگران فرق دارند؛ آری خداوند متعال فرزندان امام
حسین علیه السلام را بر فرزندان امام حسن علیه السلام برتری داد؛ چنان‌که فرزندان هارون را
بر فرزندان موسی برتری داد، اگرچه خود موسی علیه السلام بر هارون حجت و امام
و پیامبر بود، با این حال فضیلت و برتری مخصوص فرزندان هارون شد.

بدان که حتماً برای امت حیرت و سرگردانی خواهد بود که در آن
باطل‌گرایان به شک می‌افتند؛ اما حق جویان نجات می‌یابند، به این جهت که
برای مردم در روز قیامت حجت و دلیلی بر خداوند نباشد. این حیرت
و سرگردانی نیز بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام واقع می‌شود.

قُلْتُ: يَا مَوْلَاتِي هَلْ كَانَ لِلْحَسَنِ علیه السلام وَوَلْدِهِ
فَتَبَسَّمَتْ، ثُمَّ قَالَتْ: إِذَا لَمْ يَكُنْ لِلْحَسَنِ علیه السلام عَقِبٌ فَمَنْ الْحِجَّةُ مِنْ بَعْدِهِ
وَقَدْ أَخْبَرْتُكَ أَنَّ الْإِمَامَةَ لَا تَكُونُ لِأَخْوَيْنِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ علیه السلام.

گفتم: ای خانم! آیا امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی داشت؟

حکیمه تبسمی کرد و گفت: اگر ایشان فرزندی نداشته باشد، پس چه کسی بعد از او امام است؟ و من هم که گفتم بعد از امام حسن و امام حسین علیهما السلام امامت در دو برادر برقرار نمی شود.

فَقُلْتُ: يَا سَيِّدَتِي حَدِّثِي بِيَوْلَادَةِ مَوْلَايَ وَغَيْبَتِهِ عليه السلام.

قال: قَالَتْ: نَعَمْ، كَانَتْ لِي جَارِيَةٌ يُقَالُ لَهَا «نَرْجِسُ» فَزَارَنِي ابْنُ أَخِي عليه السلام وَأَقْبَلَ يُحَدِّثُ النَّظَرَ إِلَيْهَا. فَقُلْتُ لَهُ: يَا سَيِّدِي! لَعَلَّكَ هَوَيْتَهَا فَأَرْسِلْهَا إِلَيْكَ؟

فَقَالَ: لَا يَا عَمَّةُ لَكِنِّي أَتَعَجَّبُ مِنْهَا.

فَقُلْتُ: وَمَا أَعْجَبَكَ؟

فَقَالَ عليه السلام: سَيَخْرُجُ مِنْهَا وَلَدٌ كَرِيمٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ

الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا

فَقُلْتُ: فَأَرْسِلْهَا إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي.

فَقَالَ: اسْتَأْذِنِي فِي ذَلِكَ أَبِي.

گفتم: ای خانم! پس جریان ولادت مولایم امام زمان علیه السلام و غیبت آن

حضرت را تعریف بفرما.

حکیمه گفت: آری، من جاریه و کنیزی داشتم به نام نرجس، روزی برادر

زادهام «امام عسکری علیه السلام» به دیدن من آمد، حضرت وقتی آن کنیز را دید،

خیلی دقیق شد. به ایشان عرض کردم: ای مولای من! گویا به ایشان محبت

داری، اگر بخواهی برایت بفرستم.

امام فرمود: خیر، ای عمه! ولی از او در تعجب هستم.

گفتم: چه چیزی تو را به تعجب انداخته است؟

امام فرمود: به زودی از وی فرزندی به دنیا می‌آید که نزد خداوند

متعال، کریم است و زمین را به وسیله او از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان که از

ظلم و جور پر شده باشد.

گفتم: پس حتماً او را برایت می‌فرستم، ای آقای من!

امام فرمود: در این مورد از پدرم اجازه بگیر.

قَالَتْ: فَلَبِستُ ثِيَابِي وَأَتَيْتُ مَنْزِلَ أَبِي الْحَسَنِ فَسَلَّمْتُ وَجَلَسْتُ

فَبَدَأَنِي عليه السلام وَقَالَ: يَا حَكِيمَةُ! ابْعَثِي نَرْجِسَ إِلَى ابْنِي أَبِي مُحَمَّدٍ. قَالَتْ:

فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي! عَلَى هَذَا قَصْدُكَ أَنْ أَسْتَأْذِنَكَ فِي ذَلِكَ.

فَقَالَ: يَا مُبَارَكَةُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَبُّ أَنْ يَشْرَكَكَ فِي الْأَجْرِ

وَيَجْعَلَ لَكَ فِي الْخَيْرِ نَصِيباً

قَالَتْ حَكِيمَةُ: فَلَمْ أَلْبَثْ أَنْ رَجَعْتُ إِلَى مَنْزِلِي وَزَيَّنْتُهَا وَوَهَبْتُهَا لِأَبِي

مُحَمَّدٍ وَجَمَعْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا فِي مَنْزِلِي فَأَقَامَ عِنْدِي أَيَّاماً ثُمَّ مَضَى إِلَى

وَالِدِهِ وَوَجَّهْتُ بِهَا مَعَهُ.

حکیمه می‌گوید: لباس پوشیدم و به منزل امام هادی علیه السلام آمدم، سلام

کردم و نشستم. خود امام هادی علیه السلام شروع به سخن کرد و فرمود: ای حکیمه!

نرجس را برای فرزندم ابی محمد بفرست.

گفتم: ای آقای من! من هم به همین جهت خدمت شما آمدم که اجازه بگیرم.

فرمود: ای مبارکه! خداوند متعال دوست داشت که تو را هم در ثواب این کار شریک کند و نصیبی از این کار خیر برایت قرار دهد.

حکیمه گوید: من هم معطل نکردم و سریع برگشتم منزل و مراسم ازدواج آنان نیز در منزل خودم انجام گرفت. چند روزی در منزل ما بودند که امام عسکری علیه السلام به منزل پدرش رفتند و نرجس خانم را هم به آنجا بردم.

قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَمَضَى أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام وَجَلَسَ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام مَكَانَ وَالِدِهِ وَكُنْتُ أَزُورُهُ كَمَا كُنْتُ أَزُورُ وَالِدَهُ فَجَاءَتْنِي نَرْجِسُ يَوْمًا تَخْلَعُ خُفِّي وَقَالَتْ: يَا مَوْلَاتِي نَاوِلِي خُفَّكَ. فَقُلْتُ: بَلْ أَنْتِ سَيِّدَتِي وَمَوْلَاتِي وَاللَّهِ لَا دَفَعْتُ إِلَيْكَ خُفِّي لِتَخْلَعِيهِ وَلَا خَدَمْتِنِي بَلْ أَخَذُمُكَ عَلَى بَصْرِي.

فَسَمِعَ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام ذَلِكَ، فَقَالَ: جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا يَا عَمَّةُ.

حکیمه گوید: امام هادی علیه السلام به شهادت رسید و امام عسکری علیه السلام جانشین ایشان شد، من هم به زیارت ایشان می رفتم؛ همچنان که به زیارت امام هادی علیه السلام می رفتم. روزی به خدمت ایشان رفتم، نرجس خانم آمد که کفش های مرا جفت کند و گفت: ای خانم من! بگذار کفش هایت را جفت کنم. گفتم: بلکه تو خانم و مولای من هستی! به خدا قسم که نمی گذارم دست به کفش هایم بزنی و آنان را جفت کنی. تو نباید خدمت من بکنی بلکه این وظیفه من است که در خدمت تو باشم.

امام عسکری علیه السلام این سخنان را شنید و فرمود: خدا تو را جزای خیر

دهد، ای عمه!

فَجَلَسْتُ عِنْدَهُ إِلَى وَقْتِ غُرُوبِ الشَّمْسِ، فَصَحْتُ بِالْجَارِيَةِ وَقُلْتُ:
 نَاوِلِينِي ثِيَابِي لِأَنْصَرِفَ. فَقَالَ علیه السلام: يَا عَمَّتَاهُ بَيْتِي اللَّيْلَةَ عِنْدَنَا فَإِنَّهُ سَيُولَدُ
 اللَّيْلَةَ الْمَوْلُودُ الْكَرِيمُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِي يُحْيِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ
 الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا.

قُلْتُ: مِمَّنْ يَا سَيِّدِي وَلَسْتُ أَرَى بِنَرْجِسٍ شَيْئاً مِنْ أَثَرِ الْحَمْلِ؟

فَقَالَ: مِنْ نَرْجِسٍ، لَا مِنْ غَيْرِهَا.

قَالَتْ: فَوَثَبْتُ إِلَى نَرْجِسٍ، فَقَلَبْتُهَا ظَهراً لِبَطْنٍ فَلَمْ أَرَ بِهَا أَثَراً مِنْ حَبْلِ
 فَعُدْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا فَعَلْتُ. فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قَالَ لِي: إِذَا كَانَ وَقْتُ الْفَجْرِ يَظْهَرُ
 لَكَ بِهَا الْحَبْلُ لِأَنَّ مَثَلَهَا مَثَلُ أُمِّ مُوسَى لَمْ يَظْهَرْ بِهَا الْحَبْلُ وَلَمْ يَعْلَمْ بِهَا
 أَحَدٌ إِلَى وَقْتِ وِلَادَتِهَا لِأَنَّ فِرْعَوْنَ كَانَ يَشُقُّ بُطُونَ الْحَبَالِي فِي طَلَبِ
 مُوسَى وَهَذَا نَظِيرُ مُوسَى علیه السلام.

تا هنگام غروب آفتاب خدمت امام بودم، سپس به کنیز گفتم: وسایل مرا

بده تا بروم. امام عسکری علیه السلام فرمود: ای عمه! امشب را نزد ما بمان چون آن

مولود کریم، امشب به دنیا خواهد آمد، کسی که خداوند متعال به وسیله او

زمین مرده را زنده خواهد کرد.

گفتم: از چه کسی به دنیا می آید، من در نرجس که اثر حاملگی نمی بینم!

فرمود: فقط از نرجس است نه از کسی دیگر.

حکیمه گوید: نزد نرجس رفتم؛ ولی اثری از حاملگی ندیدم، خدمت امام آمدم و گزارش دادم؛ اما امام علیه السلام تبسمی کرد و فرمود: هرگاه طلوع فجر شود اثر حاملگی ظاهر خواهد شد، چون جریان او هم مثل مادر موسی است که حاملگی او ظاهر نبود و کسی هم از آن خبر نداشت، تا موقع ولادت موسی، چون فرعون شکم زنان حامله را به جهت یافتن موسی می‌درید، این هم مثل آن است.

قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَلَمْ أَزَلْ أَرْقُبُهَا إِلَى وَفْتِ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَهِيَ نَائِمَةٌ بَيْنَ يَدَيَّ لَا تَقْلِبُ جَنْبًا إِلَى جَنْبٍ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَفَتْ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَثَبْتُ فَرِيعَةً فَضَمَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي وَسَمَّيْتُ عَلَيْهَا. فَصَاحَ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام وَقَالَ: اقْرَبِي عَلَيْهَا إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأُ عَلَيْهَا وَقُلْتُ لَهَا: مَا حَالُكَ؟ قَالَتْ: ظَهَرَ الْأَمْرُ الَّذِي أَخْبَرَكَ بِهِ مَوْلَايَ. فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأُ عَلَيْهَا كَمَا أَمَرَنِي فَأَجَابَنِي الْجَنِينُ مِنْ بَطْنِهَا يَقْرَأُ كَمَا أَقْرَأُ وَسَلَّمْ عَلَيَّ. قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَفَرَعْتُ لِمَا سَمِعْتُ، فَصَاحَ بِي أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام: لَا تَعْجَبِي مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُنْطِقُنَا بِالْحِكْمَةِ صِغَارًا وَيَجْعَلُنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ كِبَارًا.

فَلَمْ يَسْتَمِ الْكَلَامَ حَتَّى غِيبَتْ عَنِّي نَرْجِسُ فَلَمْ أَرَهَا كَأَنَّهُ ضُرِبَ بَيْنِي وَبَيْنَهَا حِجَابٌ فَعَدَوْتُ نَحْوَ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام وَأَنَا صَارِخَةٌ، فَقَالَ لِي: ارْجِعِي يَا عَمَّةُ فَإِنَّكَ سَتَجِدِيهَا فِي مَكَانِهَا. قَالَتْ: فَرَجَعْتُ فَلَمْ أَلْبَثُ أَنْ كُشِفَ الْحِجَابُ بَيْنِي وَبَيْنَهَا وَإِذَا أَنَا بِهَا وَعَلَيْهَا مِنْ أَثَرِ النُّورِ مَا غَشِيَ بَصْرِي

وَإِذَا أَنَا بِالصَّبِيِّ عليه السلام سَاجِدًا عَلَى وَجْهِهِ، جَائِيًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ، رَافِعًا سَبَابَتَيْهِ نَحْوَ السَّمَاءِ وَهُوَ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَأَنَّ أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، ثُمَّ عَدَّ إِمَامًا إِمَامًا إِلَيَّ أَنْ بَلَغَ إِلَيَّ نَفْسِهِ فَقَالَ عليه السلام: اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَثِمِ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطْأَتِي وَامْلَأِ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا.

حکیمه گوید: آن شب تا طلوع فجر مراقب نرجس بودم، او هم مقابل من خوابیده بود. تا این که آخر شب، با نگرانی بیدار شد، او را به سینه خود چسبانیدم، امام عسکری علیه السلام صدا زد: سوره قدر را بر او قرائت کن. من هم شروع کردم به خواندن قرآن، گفتم: حالت چطوره؟ گفت: آنچه که مولایم به تو خبر داده بود ظاهر شده است. مشغول قرائت بودم که دیدم فرزند داخل رحم نیز مشغول خواندن همان چیزی است که من می‌خوانم. حتی به من سلام هم کرد.

حکیمه گوید: از این حالت ترسیدم و نگران شدم که امام عسکری علیه السلام فرمود: از کار خدا تعجب نکن، خداوند متعال ما را در کودکی به زبان می‌آورد و حجت بر روی زمین قرار می‌دهد.

هنوز سخن امام تمام نشده بود که نرجس از نظرم ناپدید شد و دیگر او را نمی‌دیدم، گویا بین من و او پرده‌ای زده باشند، با فریاد به طرف امام عسکری علیه السلام دویدم، حضرت فرمود: ای عمّه! برگرد که او را در جای خود خواهی دید. برگشتم، گویا پرده برداشته شد، او را در حاله‌ای از نور دیدم

که چشمانم را خیره کرد. ناگهان فرزندی را دیدم که بر زانوانش سجده کرده، انگشت خود را به سمت آسمان نشانه گرفته و می گوید: شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست، یکتاست و شریکی ندارد، و شهادت می دهم که جدم رسول خداست و پدرم امیر مؤمنان است.

آن گاه یک یک امامان را شمرد تا به خودش رسید و گفت: خدایا وعده ای که به من دادی وفا کن و کار من را به پایان برسان و مرا ثابت قدم بدار و زمین را به وسیله من از عدل و داد پر کن.

فَصَاحَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ عليه السلام فَقَالَ: يَا عَمَّةُ! تَنَاوَلِيهِ فَهَاتِيهِ. فَتَنَاوَلْتُهُ وَأَتَيْتُ بِهِ نَحْوَهُ، فَلَمَّا مَثَلْتُ بَيْنَ يَدَيْ أَبِيهِ وَهُوَ عَلَى يَدَيَّ سَلَّمَ عَلَيَّ أَبِيهِ، فَتَنَاوَلَهُ الْحَسَنُ عليه السلام وَالطَّيْرُ تُرْفِرُ عَلَى رَأْسِهِ فَصَاحَ بِطَيْرٍ مِنْهَا فَقَالَ لَهُ: اَحْمِلْهُ وَاحْفَظْهُ وَرُدَّهُ إِلَيْنَا فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. فَتَنَاوَلَهُ الطَّائِرُ وَطَارَ بِهِ فِي جَوْ السَّمَاءِ وَأَتْبَعَهُ سَائِرُ الطَّيْرِ فَسَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ يَقُولُ: اسْتَوْدَعَكَ الَّذِي اسْتَوْدَعْتَهُ أُمُّ مُوسَى. فَبَكَتْ نَرْجِسُ، فَقَالَ لَهَا: اسْكُتِي فَإِنَّ الرِّضَاعَ مُحَرَّمٌ عَلَيْهِ إِلَّا مِنْ ثَدْيِكِ وَسَيَعَادُ إِلَيْكَ كَمَا رُدَّ مُوسَى إِلَى أُمِّهِ وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ.

امام عسکری عليه السلام فرمود: ای عمه! فرزندم را بیاور. من هم فرزند را گرفتم و به سمت حضرت رفتم و مقابل ایشان ایستادم، هنوز مولود در دست من بود که به پدر بزرگوارش سلام کرد. امام عسکری عليه السلام ایشان را گرفت. از طرفی هم دیدم پرنده گانی بالای سر آن حضرت در پروازند، یکی از آنان را

صدا زد و فرمود: این طفل را بردار و از او حفاظت کن و تا چهل روز، هر روز او را نزد ما بیاور. پرنده او را گرفت و رفت و سایر پرندگان نیز به دنبال او رفتند. از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می‌گوید: به تو امانت دادم آن چیزی را که مادر موسی به تو امانت سپرده بود. نرجس خانم به گریه افتاد، امام فرمود: آرام باش که شیر خوردن بر او حرام است مگر از پستان تو. به زودی او را برمی‌گردانند؛ چنان که موسی را به مادرش برگرداندند. این سخن خداست که فرمود: ما او را به مادرش برگردانیم تا چشم مادرش روشن شود و غمگین نباشد.

قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَقُلْتُ: مَا هَذَا الطَّائِرُ؟ قَالَ: هَذَا رُوحُ الْقُدْسِ الْمُوَكَّلُ
بِالْأُمَّةِ عليه السلام يُوفِّقُهُمْ وَيُسَدِّدُهُمْ وَيُرِييهِمْ بِالْعِلْمِ.

قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَلَمَّا أَنْ كَانَ بَعْدَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا رُدَّ الْغُلَامُ وَوَجَّهَ إِلَيَّ ابْنُ
أَخِي عليه السلام فَدَعَانِي فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فَإِذَا أَنَا بِصَبِيٍّ مُتَحَرِّكٍ يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ،
فَقُلْتُ: سَيِّدِي! هَذَا ابْنُ سَنَتَيْنِ؟ فَتَبَسَّمَ عليه السلام ثُمَّ قَالَ: إِنَّ أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ
وَالْأَوْصِيَاءِ إِذَا كَانُوا أُمَّةً يَنْشُؤْنَ بِخِلَافِ مَا يَنْشَأُ غَيْرُهُمْ وَإِنَّ الصَّبِيَّ مِنَّا
إِذَا أَتَى عَلَيْهِ شَهْرٌ كَانَ كَمَنْ يَأْتِي عَلَيْهِ سَنَةٌ وَإِنَّ الصَّبِيَّ مِنَّا لَيَتَكَلَّمُ فِي بَطْنِ
أُمِّهِ وَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْبُدُ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَعِنْدَ الرِّضَاعِ تُطِيعُهُ الْمَلَائِكَةُ
وَتَنْزِلُ عَلَيْهِ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ.

حکیمه گوید: عرض کردم: این پرنده که بود؟ امام فرمود: این روح
القدس بود که موکل بر ائمه است تا آنان را تربیت نماید. و توفیق علم دهد.

حکیمه گوید: چهل روز که گذشت امام عسکری علیه السلام مرا طلب کرد. پس به محضر ایشان رفتم، طفلی دیدم که مقابل ایشان راه می‌رود، گفتم: ای آقای من! این بچه دو ساله است؟ امام تبسم کرده و فرمودند: فرزندان پیامبران و جانشینان ایشان که قرار است امام شوند، بر خلاف سایر اطفال رشد و نمو دارند، لذا طفل یک ماهه ما مثل طفل یک ساله دیگران است. فرزندان ما این گونه هستند که در شکم مادر سخن می‌گویند، قرآن تلاوت می‌نمایند و عبادت خدا می‌کنند. آن‌گاه هم که شیر می‌خورند فرشتگان هر صبح و شام برایشان نازل می‌شوند و در اطاعت آنان هستند.

قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَلَمْ أَزَلْ أَرَى ذَلِكَ الصَّبِيِّ كُلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَى أَنْ رَأَيْتُهُ رَجُلًا قَبْلَ مُضِيِّ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام بِأَيَّامِ قَلَائِلَ فَلَمْ أَعْرِفْهُ، فَقُلْتُ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام: مَنْ هَذَا الَّذِي تَأْمُرُنِي أَنْ أَجْلِسَ بَيْنَ يَدَيْهِ؟ فَقَالَ: ابْنُ نَرْجِسَ وَهُوَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي وَعَنْ قَلِيلٍ تَفْقِدُونِي فَاسْمَعِي لَهُ وَأَطِيعِي. قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَمَضَى أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام بِأَيَّامِ قَلَائِلَ وَافْتَرَقَ النَّاسُ كَمَا تَرَى وَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَرَاهُ صَبَاحًا وَمَسَاءً وَإِنَّهُ لَيُنَبِّئُنِي عَمَّا تَسْأَلُونِي عَنْهُ فَأُخْبِرُكُمْ وَوَاللَّهِ إِنِّي لَأُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الشَّيْءِ فَيَبْدَأُنِي بِهِ وَإِنَّهُ لَيَرُدُّ عَلَيَّ الْأَمْرَ فَيَخْرُجُ إِلَيَّ مِنْهُ جَوَابُهُ مِنْ سَاعَتِهِ مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَتِي وَقَدْ أَخْبَرَنِي الْبَارِحَةَ بِمَجِيئِكَ إِلَيَّ وَأَمْرَنِي أَنْ أُخْبِرَكَ بِالْحَقِّ.

حکیمه گوید: من در هر چهل روز یک بار آن طفل گرامی را می‌دیدم، تا این که مدتی قبل از شهادت امام عسکری علیه السلام، مانند مردی شده بود که

حتی من هم او را شناختم، به امام عرض کردم: این آقا کیست که می‌فرماید پیش او بنشینم؟ امام فرمود: این همان فرزند نرجس و جانشین من است. به زودی مرا از دست خواهید داد، پس حرف او را گوش کنید و اطاعتش نمایید.

حکیمه گوید: چند روز بعد امام عسکری علیه السلام به شهادت رسید و همان‌طور که می‌بینی مردم پراکنده شدند؛ به خدا قسم که من هر روز امام زمان علیه السلام را می‌بینم و ایشان به من خبر می‌دهد هرچه را که شما می‌پرسید و من جواب می‌دهم. به خدا قسم هرگاه می‌خواهم سؤال از ایشان بپرسم، خودشان جواب را زودتر به من می‌دهند؛ بدون این که من بپرسم، حتی آمدن تو را هم دیشب به من خبر دادند و امر فرمودند که حق مطلب را به تو بگویم.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: فَوَ اللَّهِ لَقَدْ أَخْبَرْتَنِي حَكِيمَةً بِأَشْيَاءَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهَا أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَعَلِمْتُ أَنَّ ذَلِكَ صِدْقٌ وَعَدْلٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَطَّلَعَهُ عَلَى مَا لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ؛^۱

محمد بن عبدالله می‌گوید: به خدا قسم که حکیمه از چیزهایی به من خبر داد که احدی جز خدا از آن خبر ندارد. لذا دانستم که این‌ها راست و حق است و خداوند متعال ایشان را به چیزهایی مطلع کرده که دیگران را بر آن مطلع نفرموده است.»

۱. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۵۸ / کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۶ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱.

چرا تولد و زندگی مخفیانه!

یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام به نام ایوب بن نوح می گوید: به آن حضرت عرض کردم: ما دوست داریم که شما صاحب این امر باشید و این که خداوند همه امور را بدون جنگ به شما واگذارد، چون همه با شما بیعت کردند و سکه ها نیز به نام شما زده شده است.

امام رضا علیه السلام فرمود:

«مَا مِنَّا أَحَدٌ اخْتَلَفَ إِلَيْهِ وَأُشِيرَ إِلَيْهِ بِالأَصَابِعِ وَسُئِلَ عَنِ الْمَسَائِلِ وَ حُمِلَتْ إِلَيْهِ الأَمْوَالُ إِلَّا اغْتِيلَ أَوْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللهُ لِهَذَا الأَمْرِ غُلاماً مِنَّا خَفِيَ المَوْلِدِ وَالمُنْشَأُ غَيْرُ خَفِيٍّ فِي نَفْسِهِ»^۱

«کسی از ما اهل بیت نیست که محل رفت و آمد مردم باشد، نامه ها به سوی ایشان بیاید، مردم او را با انگشت نشان دهند، مسائل را از وی پرسند و اموال به سوی ایشان حمل شود، مگر این که یا کشته می شود یا در رختخواب خود از دنیا می رود. تا آن گاه که خداوند متعال برای این کار جوانی را برانگیزد که تولدش مخفیانه است و محل زندگی اش نیز پنهانی است.»

پیرامون چرایی مسئله غیبت امام زمان علیه السلام لازم است به کتب معتبر و مشروحه‌ای که در این زمینه موجود است، مراجعه شود.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۷ / غیبت نعمانی.

مشخصات ظاهری حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

در کتاب غیبت شیخ طوسی نقل شده که جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که روزی عمر بن خطاب به همراه امیر المؤمنین علی علیه السلام بود که از ایشان پرسید: در مورد مهدی به من خبر بده که اسمش چیست؟

امام علی علیه السلام فرمود:

«أَمَّا اسْمُهُ؛ فَإِنَّ حَبِيبِي عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُحَدِّثَ بِاسْمِهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ»؛

«اما در مورد اسم آن حضرت، حبیب من رسول خدا صلی الله علیه و آله با من عهد کرده

که اسم او را بیان نکنم، تا آن‌گاه که خداوند او را برانگیزد».

عمر گفت: پس در مورد برخی از اوصاف او بفرما.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ، حَسَنُ الْوَجْهِ، حَسَنُ الشَّعْرِ، يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكَبَيْهِ

وَ نُورٌ وَجْهِهِ يَغْلُو سَوَادَ لِحْيَتِهِ وَرَأْسِهِ، بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةِ الْأِمَاءِ»؛^۱

«او جوانی است خوش اندام، خوش رو و خوش مو، موهایش بر

شانه‌هایش ریخته و روشنایی چهره‌اش بر سیاهی موی سر و رویش غلبه

دارد. پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان!»

۱. غیبت طوسی، ص ۴۷۰ / اعلام الوری، ص ۴۶۵ / کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵ / بحار الانوار،

چه کسانی امام زمان علیه السلام را زیارت کرده‌اند؟

الف) دیدار یار!

عده‌ای از شیعیان از جمله علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب بن نوح در یک خبر طولانی که مشهور هم هست می‌گویند: با هم به محضر مولایمان امام حسن عسکری علیه السلام رفتیم تا در مورد حجت بعد از ایشان سؤال کنیم. در آن مجلس حدود ۴۰ نفر حاضر بودند که عثمان بن سعید بن عمرو العمری بلند شد و عرض کرد:

ای فرزند رسول خدا! می‌خواهم سؤالی بپرسم که شما از همه داناتر هستید. امام فرمود: بنشین ای عثمان، آن‌گاه با ناراحتی بلند شد که برود و فرمود: کسی خارج نشود. هیچ‌کسی از ما حرکت نکردیم، پس از لحظاتی عثمان را صدا زد، عثمان جلوی پای حضرت ایستاد. آن جناب فرمود: بگویم برای چه آمده‌اید؟ همه گفتند: بفرمایید، ای فرزند رسول خدا!

امام فرمود: امید از حجت بعد از من بپرسید. گفتند: آری.

ناگهان جوانی ظاهر شد که گویا پاره‌ای از ماه است و شبیه‌ترین فرد به امام عسکری علیه السلام بود.

حضرت فرمود:

«هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ أَطِيعُوهُ وَلَا تَتَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِي فَتَهْلِكُوا فِي أَدْيَانِكُمْ؛ أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ مِنْ بَعْدِ يَوْمِكُمْ هَذَا حَتَّى يَتِمَّ لَهُ عُمُرٌ، فَاقْبَلُوا مِنْ عُمَانَ مَا يَقُولُهُ وَانْتَهُوا إِلَى أَمْرِهِ وَاقْبَلُوا قَوْلَهُ فَهُوَ خَلِيفَةُ

إِمَامِكُمْ وَالْأَمْرُ إِلَيْهِ»^۱

«این امام شما بعد از من و جانشین من بر شماست، از او اطاعت کنید و بعد از من متفرق نشوید که در دین خود هلاک خواهید شد، آگاه باشید! که شما بعد از این دیگر او را نخواهید دید تا زمانی که عمر او کامل گردد. پس حرف عثمان را گوش کنید و به او روی آورید و سخن او را قبول کنید، چون او نماینده امام شماست و کارها به دست اوست».

ب) دیدار ماه تابان

احمد بن اسحاق می‌گوید: به محضر امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم تا از آن حضرت در مورد جانشین بعد از ایشان بپرسم. وقتی شرفیاب شدم، قبل از این که حرفی بزنم، خود آن حضرت فرمود:

«يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُخْلِ الْأَرْضَ مُنْذُ خَلَقَ آدَمَ وَلَا تَخْلُو إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ حُجَّةٍ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ بِهِ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَبِهِ يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَبِهِ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ».

«ای احمد پسر اسحاق! خداوند متعال از روزی که حضرت آدم علیه السلام را خلق فرمود تا کنون هیچ روزی زمین را خالی از حجت خود قرار نداده است و تا روز قیامت نیز چنین است که به وسیله این حجت الهی، بلاها را از اهل زمین دفع می‌کند و به برکت وجود او باران نازل می‌کند و به خاطر او برکات زمین را بیرون می‌آورد».

۱. غیبت طوسی، ص ۳۵۷ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶.

قَالَ: فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَمَنْ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ؟
 فَهَضَّ عليه السلام فَدَخَلَ الْبَيْتَ ثُمَّ خَرَجَ وَعَلَى عَاتِقِهِ غُلامٌ كَأَنَّ وَجْهَهُ الْقَمَرُ
 لَيْلَةَ الْبَدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ ثَلَاثِ سِنِينَ، فَقَالَ: يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ لَوْ لَا كَرَامَتُكَ
 عَلَى اللَّهِ وَعَلَى حُجَجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا، إِنَّهُ سَمِي رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله
 وَكَنِيَّةُ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا.
 يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخَضِرِ عليه السلام وَمَثَلُهُ كَمَثَلِ ذِي
 الْقَرْنَيْنِ وَاللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ التَّهْلُكَةِ إِلَّا مَنْ يُثْبِتُهُ اللَّهُ عَلَى
 الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.

گفتم: ای پسر رسول خدا! پس امام و جانشین بعد از شما کیست؟
 امام عليه السلام بلند شد و داخل اطاق رفت و برگشت؛ در حالی که بر دوش او
 کودکی بود. گویا چهره اش مانند ماه شب چهارده می درخشید، آن کودک
 حدوداً سه ساله بود. بعد فرمود:

ای احمد! اگر بزرگواری و منزلت تو نزد خدا و ما نبود، این فرزند را به
 تو نشان نمی دادم، او همانم رسول خدا صلى الله عليه وآله و هم کنیه اوست، کسی که زمین
 را از عدل و داد پر می کند؛ چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد.

ای احمد! مثل او در این امت، مثل خضر عليه السلام و مثل ذی القرنین است، به
 خدا قسم که حتماً غیبتی خواهد داشت که در این مدت غیبت هیچ کسی از
 هلاکت نجات نمی یابد؛ مگر کسانی که خداوند آنان را بر امامت وی پایدار
 بدارد و او را بر دعا برای تعجیل فرجش موفق گرداند.

قَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا مَوْلَايَ! هَلْ مِنْ عَلَامَةٍ يَطْمِئِنُّ إِلَيْهَا قَلْبِي؟

فَنَطَقَ الْغُلَامُ عليه السلام بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ فَصِيحٍ فَقَالَ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ
وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبُ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! ^۱

احمد بن اسحاق گوید: عرض کردم: ای آقا و مولای من! آیا علامت
و نشانه‌ای می‌فرماید که قلب من مطمئن گردد؟

در همین حال آن کودک به زبان عربی فصیح فرمود: من باقیمانده
و ذخیره خدا در زمین هستم و از دشمنانش انتقام خواهم گرفت. پس از این
دنبال چیزی نباش، ای احمد بن اسحاق! ^۱

آیا کودک هم می‌تواند امام شود؟

در زندگی روزمره و متعارف مردم عادی، عادت و قانون طبیعت بر این است
که شخصی تا به سن پانزده سالگی نرسیده، بالغ نشده و به کمال هم نرسیده
است؛ یعنی باید دیگران او را کمک کنند و تکلیف هم ندارد. لکن آنجا که
مصلحت الهی اقتضا کند، این عادت طبیعت در هم می‌ریزد و طفل در گهواره به
سخن می‌آید که من پیامبر هستم و کتاب آسمانی هم دارم. ^۲

امامان ما نیز این گونه‌اند، یعنی همان علم و عصمت و توانی که قرار است

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۶ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴.
۲. (فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا) قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي
نَبِيًّا) سورة مريم: آیه ۲۹ و ۳۰.

خداوند متعال در بزرگسالی به ایشان بدهد، می تواند قبل از بلوغ هم به آنان بدهد؛ چنان که در مورد امام جواد و امام زمان علیهما السلام اتفاق افتاده است. با این حال شخصی مثل ابوبصیر می گوید: از امام (باقر یا صادق علیهما السلام) پرسیدم:

«أَيُّ كُونٍ أَنْ يُفْضَى هَذَا الْأَمْرُ إِلَيَّ مَنْ لَمْ يَبْلُغْ؟»

قَالَ: سَيَكُونُ ذَلِكَ؟

قُلْتُ: فَمَا يَصْنَعُ؟

قَالَ: يُورِثُهُ عِلْمًا وَكُتُبًا وَلَا يَكِلُهُ إِلَيَّ نَفْسِيهِ؛^۱

«آیا این امر به کسی که هنوز بالغ نشده نیز خواهد رسید؟»

فرمود: به زودی چنین خواهد شد.

عرض کردم: پس در این حال چه می کند؟

فرمود: خداوند علم و کتاب را به او ارث می دهد و او را به خودش

واگذار نمی کند.»

فرزند خیره الاماء کیست؟

چند تن از صحابه از جمله ابوجحیفه و حارث بن عبدالله همدانی و حارث

بن شرب می گویند: روزی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودیم که امام حسن علیه السلام

وارد شد، امام علی علیه السلام فرمود:

«مَرَّحَبًا بِابْنِ رَسُولِ اللَّهِ؛ آفرین به فرزند رسول خدا!!»

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۳ به نقل از غیبت نعمانی.

اما آن‌گاه که امام حسین علیه السلام وارد شد، فرمود:

«بِأَبِي أَنْتَ يَا أَبَا ابْنِ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ»؛

«به فدای تو که پدر فرزند بهترین کنیزان و خانم‌ها هستی».

سؤال شد: ای امیرالمؤمنین! چطور شد که به حسن چنان گفتی و به حسین

چنین؟ فرزند بهترین کنیزان کیست؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«ذَاكَ الْفَقِيدُ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ

عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ هَذَا وَوَضَعَ يَدَهُ

عَلَى رَأْسِ الْحُسَيْنِ علیه السلام»؛^۱

«همان ناپیدای تنهای رانده شده، محمد پسر حسن پسر علی پسر محمد

پسر موسی پسر جعفر پسر محمد پسر علی پسر این حسین.

و دست بر سر امام حسین علیه السلام گذاشت».

فصل چهارم:

شناخت امام زمان علیه السلام

شناخت دوازدهمین حجّت خدا

محمد بن عثمان عمری که از نواب خاص امام زمان علیه السلام بوده، از پدرش نقل می‌کند که پدرم گفت: در خدمت امام حسن عسکری علیه السلام بودم که از آن حضرت در مورد خبری سؤال شد که از امامان علیهم السلام روایت شده که تا روز قیامت زمین از حجّت خدا بر خلق خالی نمی‌ماند و این که هر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: آری، این حق است؛ همان طور که روز حق است.

گفته شد: ای فرزند رسول خدا! پس حجّت و امام پس از شما کیست؟

امام فرمود:

«ابنِ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي، مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً

جَاهِلِيَّةً؛

أَمَّا إِنْ لَهُ غَيْبَةٌ يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ؛ ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ

بِنَجْفِ الْكُوفَةِ»^۱

«پسرم محمد، امام و حجت خدا پس از من است، هر که بمیرد و او را شناسد به مرگ جاهلیت مرده است. آگاه باشید که برای او غیبتی خواهد بود که جاهلان سرگردان می شوند، اهل باطل هلاک می گردند و آنان که تعیین وقت می کنند دروغ می گویند. آنگاه ظهور خواهد کرد. گویا پرچم های سفید را می بینم که در نجف کوفه و بالای سر آن جناب حرکت می کند».

دین الهی چگونه ظاهر می شود؟

امام رضا علیه السلام نقل می فرماید که امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسین علیه السلام فرمود: ای حسین! نهمین فرزند تو همان قائم به حق است که دین عدل را ظاهر می کند. امام حسین علیه السلام سؤال کرد: ای امیرالمؤمنین! آیا این خواهد شد؟ امام فرمود:

«إِي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ وَاصْطَفَاهُ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَلَكِنْ بَعْدَ غَيْبَةٍ وَحَيْرَةٍ لَا تَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُمْ بَوْلَايَتِنَا وَكَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ»^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰ / کمال الدین.

۲. کشف الغم، ج ۲، ص ۵۲۱ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۰ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۰۴.

«آری قسم به خدایی که محمد را به نبوت برانگیخت و او را از بین همه خلایق برگزید، ولی بعد از مدتی غیبت و حیرت، این قیام صورت می‌گیرد، البته در این مدت کسانی در دین خود ثابت خواهند ماند که مخلص باشند و دارای مرتبه یقین باشند، آنان که خداوند پیمان ولایت ما را از ایشان اخذ کرده و ایمان را در دل‌های آنان نهاده و به روح الهی خود تأییدشان فرموده است.»

سؤال عمر بن خطاب چه بود؟

این‌که می‌گوییم قضیه مهدویت مخصوص شیعه نبوده، بلکه همه فرقه‌های اسلامی از آن اطلاع دارند، شاهدش این سؤال عمر بن خطاب است؛ چون از صدر اسلام همه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه چیزهایی شنیده بودند. به همین جهت است که عمر نیز خدمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده و از ایشان در این مورد پرسش می‌کند.

جابر بن عبدالله از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

«سَأَلَ عُمَرُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَنِ الْمَهْدِيِّ، قَالَ: يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ

أَخْبِرْنِي عَنِ الْمَهْدِيِّ، مَا اسْمُهُ؟

قَالَ: أَمَّا اسْمُهُ، فَلَا، إِنَّ حَبِيبِي وَخَلِيلِي عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُحَدِّثَ بِاسْمِهِ

حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ مِمَّا اسْتَوَدَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَسُولَهُ فِي عِلْمِهِ؛^۱

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۳ / کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۸ / غیبت طوسی، ص ۴۷۰.

«عمر بن خطاب از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد مهدی پرسید و گفت: ای فرزند ابی طالب! برایم از مهدی خبر بده که نامش چیست؟
امام فرمود: اما اسم آن حضرت را نمی توانم بگویم، چون دوست و حبیب من (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله) با من عهد کرده که نام او را بیان نکنم تا زمانی که خداوند متعال او را برانگیزد، چون آن از چیزهایی است که خدا علمش را به رسولش به ودیعه گذاشته است.»

امام حسین علیه السلام پیرامون صاحب الامر چه فرمود؟

شخصی به نام عیسی خشاب می گوید که از امام حسین علیه السلام پرسیدم:
آیا شما صاحب الامر هستید؟

آن جناب فرمود:

«لَا وَلَكِنْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمَوْتُورُ بِأَبِيهِ الْمُكْتَنِي بِعَمِّهِ يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ»؛^۱

«خیر، اما صاحب این امر کسی است که از وطن خود دور مانده و هنوز انتقام خون به ناحق ریخته شده پدر خود را نگرفته است، او که کنیه عمویش را دارد و شمشیرش را هشت ماه بر گردن حمایل می کند.»

امام صادق علیه السلام و تصریح به مهدی موعود؟

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام ابراهیم کرخی می گوید: روزی به محضر

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴ / کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸.

آن جناب رسیدم و در خدمت ایشان نشسته بودم که امام کاظم علیه السلام نیز وارد شد. در آن هنگام ایشان جوان بودند. من بلند شدم و ایشان را بوسیدم و نشستم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَا اِبْرَاهِيمُ اَمَّا اِنَّهُ صَاحِبُكَ مِنْ بَعْدِي، اَمَّا اِنَّهُ لَيَهْلِكَنَّ فِيهِ قَوْمٌ وَيَسْعَدُ آخَرُونَ فَلَعَنَ اللهُ قَاتِلَهُ وَضَاعَفَ عَلَي رُوحِهِ الْعَذَابَ، اَمَّا لَيُخْرِجَنَّ اللهُ مِنْ صُلْبِهِ خَيْرَ اَهْلِ الْاَرْضِ فِي زَمَانِهِ سَمِيَّ جَدِّهِ وَوَارِثَ عِلْمِهِ وَاحْكَامِهِ وَفَضَائِلِهِ، مَعْدِنَ الْاِمَامَةِ وَرَاسَ الْحِكْمَةِ، يَقْتُلُهُ جَبَّارُ بَنِي فُلَانٍ بَعْدَ عَجَائِبِ طَرِيفَةٍ حَسَدًا لَهُ وَلَكِنَّ اللهَ بَالِغُ اَمْرِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، يُخْرِجُ اللهُ مِنْ صُلْبِهِ تَمَامَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا اخْتَصَّهُمُ اللهُ بِكَرَامَتِهِ وَأَحَلَّهُمْ دَارَ قُدْسِهِ، الْمُقَرَّرُ بِالثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ كَالشَّاهِرِ سَيْفِهِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَذُبُّ عَنْهُ.

«ای ابراهیم! بدان و آگاه باش که این صاحب توست بعد از من.

بدان و آگاه باش که به جهت او برخی هلاک و برخی دیگر سعادت‌مند خواهند شد. پس خدا لعنت کند قاتل او را و عذاب وی را دو چندان نماید. بدان و آگاه باش که خداوند از نسل او بهترین فرد روی زمین در زمان خودش را ظاهر خواهد کرد که همنام جدش می‌باشد و وارث علم و احکام و فضایل او خواهد بود. معدن امامت و رأس حکمت است، جباران و ظالمان از طایفه فلان او را خواهند کشت، بعد از آن‌که امور عجیبه از او می‌بینند و این به جهت دشمنی و حسدی است که بر او دارند؛ لکن خداوند امر او را تمام خواهد کرد؛ هرچند مشرکان خوش نداشته باشند. خداوند از

نسل او تا دوازده امام را به دنیا خواهد آورد که همه مهدی هستند و به کرامت خود مخصوص گردانیده و در جایگاه دارالقدس قرار داده است. هر کسی به دوازدهمین ایشان اقرار کند و ایمان بیاورد مانند کسی است که با شمشیر خود از رسول خدا ﷺ دفاع می‌کند.

قَالَ: فَدَخَلَ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِي بَنِي أُمَيَّةَ فَانْقَطَعَ الْكَلَامُ، فَعُدْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِخْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً أُرِيدُ مِنْهُ أَنْ يَسْتَمَّ الْكَلَامَ فَمَا قَدَرْتُ عَلَى ذَلِكَ، فَلَمَّا كَانَ قَابِلُ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَهُوَ جَالِسٌ، فَقَالَ: يَا إِبْرَاهِيمُ! الْمَفْرَجُ لِلْكَرْبِ عَنْ شِيعَتِهِ بَعْدَ ضَنْكِ شَدِيدٍ وَبَلَاءٍ طَوِيلٍ وَجَزَعٍ وَخَوْفٍ فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ حَسْبُكَ يَا إِبْرَاهِيمُ!
فَمَا رَجَعْتُ بِشَيْءٍ أَسْرَّ مِنْ هَذَا لِقَلْبِي وَلَا أَقْرَّ لِعَيْنِي»؛^۱

راوی گوید: در این هنگام یکی از دوستان بنی امیه داخل شد؛ لذا امام سخن خود را قطع فرمود. من حدود یازده مرتبه از ایشان خواستم که فرمایش خود را تمام نماید؛ اما ایشان چنین نکردند.

تا این که سال آینده مجدداً خدمت آن حضرت شرفیاب شدم و در حالی که نشسته بودند، فرمودند: ای ابراهیم! آن که گرفتاری‌ها و مشکلات شیعیان را برطرف می‌کند پس از تنگی شدید و بلای طولانی و جزع و فزع، خواهد آمد.

پس خوشا به حال آن که آن زمان را درک کند. دیگر تو را کافی است، ای ابراهیم!

۱. غیبت نعمانی، ص ۹۰ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۴ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۴.

راوی گوید: از محضر ایشان مرخص شدم، در حالی که تا کنون چنین امر خوشحال کننده‌ای بر قلب من داخل نشده بود و چیزی که چشم مرا این مقدار روشن کرده باشد».

آیا امام کاظم علیه السلام قائم بوده است؟

یونس بن عبدالرحمن از اصحاب امام کاظم علیه السلام است که از آن جناب پرسیده است: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستید؟
و آن حضرت در جواب فرمودند:

«أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَيَمْلؤها عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي لَهُ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمَدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَثْبُتُ فِيهَا آخَرُونَ.

ثُمَّ قَالَ علیه السلام: طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوَالَاتِنَا وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَرَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَطُوبَى لَهُمْ هُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱

«من هم قائم به حق هستیم؛ اما آن قائمی که زمین را از لوث وجود دشمنان خدا پاک می‌کند و آن را از عدل پر می‌نماید چنان‌که از جور و ستم پر شده باشد، پنجمین از نسل من است، او دارای غیبتی طولانی است که به

۱. منتخب الانوار، ص ۸۰ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱ / کفایة الاثر، ص ۲۶۹.

جهت خوف، غیبت می‌کند، در آن زمان برخی مرتد می‌شوند و بعضی نیز ثابت قدم می‌مانند.

سپس فرمود: خوشا به حال شیعیان ما، همانان که در زمان غیبت قائم ما به محبت ما متمسک می‌شوند، بر ولایت و دوستی ما پا برجایند و از دشمنان ما بیزارند. آنان از ما آیند و ما نیز از ایشانیم، آنان به امامت ما راضی‌اند و ما هم به شیعه بودن ایشان خشنودیم، خوشا به حال آنان! به خدا قسم روز قیامت هم درجه با ما آیند».

پنجمین از هفتمین یعنی چه؟

امامان علیهم‌السلام نور واحد هستند و از هم جدایی ناپذیرند، اگر کسی یکی از ایشان را بپذیرد و دیگری را قبول نکند پذیرفتنی نیست، چنان‌که اگر ۱۱ نفر آنان را قبول کند؛ اما یکی را رد کند گویا هیچ کدام را قبول نکرده؛ چنان‌که صفوان بن مهران از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که فرمود:

هر که به تمام امامان اقرار کند؛ اما مهدی را انکار نماید؛ مانند کسی است که همه پیامبران را تصدیق کند، ولی نبوت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را انکار نماید.

سؤال شد: مهدی از کیست، ای فرزند رسول خدا؟ آیا فرزند شماست؟

فرمود: «الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ

تَسْمِيَّتُهُ»؛^۱

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۱ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۳.

«او پنجمین از فرزندان هفتمین خواهد بود، همان که شخص او از شما غایب می‌شود و نام بردنش نیز بر شما حلال نیست».

امام کاظم علیه السلام امام هفتم است و پنجمین فرزند ایشان نیز امام مهدی علیه السلام است.

خلف مأمول فرزند کیست؟

مفضل بن عمر می‌گوید: به محضر مولایم امام جعفر صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: ای آقای من! دوست دارم در مورد جانشین بعد از خودتان بفرمایید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَا مُفَضَّلُ! الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي ابْنِي مُوسَى وَالْخَلْفُ الْمَأْمُولُ الْمُتَنْظَرُ
محمّد بنُ الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى»؛^۱
«ای مفضل! امام پس از من، فرزندم موسی است؛ ولی آن جانشینی که همه آرزویش را دارند و به انتظار او نشسته‌اند، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی می‌باشد».

شاه عبدالعظیم حسنی در مورد قائم چه پرسید؟

و اینک حدیث و سؤالی از حضرت عبدالعظیم حسنی که به شاه عبدالعظیم و سید الکریم نیز معروف هستند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۵ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۴ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳.

این مطلب در کتاب شریف کمال الدین از مرحوم شیخ صدوق نقل شده است که حضرت عبدالعظیم می‌گوید: خدمت مولایم امام جواد علیه السلام رسیدم و قصد داشتم از «قائم» سؤال کنم که آیا او مهدی است یا غیر اوست، اما بدون این که من حرفی بزنم، خود امام جواد علیه السلام فرمود:

«يَا أَبَا الْقَاسِمِ! إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَهُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ وَخَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُصْلِحُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى عليه السلام لِيَقْتَسِمَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ وَهُوَ رَسُولُ نَبِيِّ.

ثُمَّ قَالَ عليه السلام: أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا أَنْتِظَارُ الْقَرَجِ»^۱

«ای ابوالقاسم! حتماً قائم ما همان مهدی است، همان که در زمان غیبتش واجب است که منتظر او باشند، و در زمان ظهور، مطیع وی گردند؛ او سومین فرزند من است. قسم به خدایی که محمد را به پیامبری برگزید و ما را به امامت اختصاص داد! اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خدا آن یک روز را آن قدر طولانی فرماید تا او ظهور نماید و زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد و به درستی که

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

خداوند متعال امر فرج او را در یک شب اصلاح خواهد کرد؛ چنان‌که امر پیامبر کلیم خود موسی علیه السلام را در یک شب اصلاح فرمود، به گونه‌ای که وی رفته بود تا برای اهل و خانواده‌اش آتشی بیاورد، اما برگشت در حالی که پیامبر و رسول خدا شده بود.

امام جواد علیه السلام آن‌گاه فرمود: برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.»

سؤال دیگر شاه عبدالعظیم حسنی چه بود؟

چنان‌که در کفایة الاثر نقل شده است، حضرت عبدالعظیم حسنی می‌گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: من امید داشتم که شما همان قائم اهل بیت باشید، همان که زمین را از عدل و داد پر می‌کند چنان‌که از ظلم و ستم پر شده باشد.

امام جواد علیه السلام فرمودند:

«يَا أَبَا الْقَاسِمِ مَا مِنَّا إِلَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَهَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَلَسْتُ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَيَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا، هُوَ الَّذِي يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَيَحْرُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَّتُهُ وَهُوَ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَكَنِيَّتُهُ وَهُوَ الَّذِي يُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَيَذِلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ، يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عَدَدُ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ

أَهْلِ الْأَرْضِ أَظْهَرَ أَمْرَهُ، فَإِذَا أُكْمِلَ لَهُ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ فَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.

قَالَ عَبْدُ الْعَظِيمِ: قُلْتُ لَهُ: يَا سَيِّدِي وَكَيْفَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ رَضِيَ؟
قَالَ: يُلْقِي فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ؛^۱

«ای ابوالقاسم! هیچکدام از ما امامان نیست مگر این که قائم به امر خداست و هادی مردم به سوی دین خدا می باشد، اما آن قائمی که خداوند به وسیله او زمین را از کفر و الحاد پاک می کند و آن را از عدل و داد پر می نماید، من نیستم. او کسی است که ولادتش از مردم مخفی است، شخص او ناپیدا و نام بردنش نیز حرام است. او همانم و هم کنیه رسول خداست، او کسی است که خداوند طی الارض را به وی عنایت می کند، و هر مشکلی برایش آسان می گردد.»

اصحاب او که تعدادشان ۳۱۳ نفر و به عدد مجاهدان بدر است از دورترین نقاط زمین دور او جمع می شوند، و چنین است سخن خداوند متعال: هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر می کند؛ زیرا او بر هر کاری تواناست. هرگاه این عده از یاران او از سراسر جهان برای وی فراهم شد و پیمان ده هزار مرد برای او کامل گردید، به اذن خداوند ظهور می نماید و آن قدر

از دشمنان خدا را می‌کشد تا خداوند راضی شود.

حضرت عبدالعظیم می‌گوید گفتم: ای آقای من! چگونه می‌فهمد که خدا

راضی شده است؟

فرمود: رحمت را به قلبش القا می‌کند».

علی بن مهزیار از امام هادی علیه السلام چه پرسید؟

علی بن مهزیار که جریان ملاقات وی با امام زمان علیه السلام معروف است، می‌گوید:

نامه‌ای نوشتم و از امام هادی علیه السلام در مورد فرج پرسیدم.

حضرت در جواب مرقوم فرمودند:

«إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارِ الظَّالِمِينَ فَتَوَقَّعُوا الفَرَجَ»؛^۱

«هرگاه صاحب شما از حکومت ظالمان غایب گردید، پس منتظر فرج

باشید».

خبر امام هادی علیه السلام در مورد مهدی علیه السلام

علی بن عبدالغفار می‌گوید آن‌گاه که امام محمد تقی علیه السلام به شهادت رسید،

شیعیان برای فرزندش امام هادی علیه السلام نامه نوشتند و در مورد جریان امامت از

ایشان پرسیدند.

آن حضرت جواب فرمودند:

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۹ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۰.

«الْأَمْرُ لِي مَا دُمْتُ حَيًّا، فَإِذَا نَزَلْتُ بِي مَقَادِيرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَتَاكُمْ
الْخَلْفُ مِنِّي وَأَنْتُمْ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ»؛^۱

«امر امامت با من است تا زمانی که زنده هستم، هرگاه تقدیر الهی برای
من مقدر شد (و از دنیا رفتم) جانشین من برای شما خواهد آمد؛ اما چگونه
خواهد بود حال شما در زمان خلف بعد از آن جانشین!»

اشاره امام حسن عسکری علیه السلام

احمد بن اسحاق نیز از امام حسن عسکری علیه السلام در مورد صاحب هذا الامر
پرسیده است که آن حضرت با دست اشاره فرمودند؛ یعنی:

«إِنَّهُ حَيٌّ غَلِيظُ الرَّقَبَةِ»؛^۲

«او زنده است و تحت مراقبت شدید می باشد.»

۱. اعلام الوری، ص ۴۳۸ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱ / غیبت طوسی، ص ۲۵۱.

فصل پنجم:

اوصاف و شباهت‌ها

شبهات امام زمان علیه السلام به پیامبران علیهم السلام

امام زمان علیه السلام به هر کدام از پیامبران الهی شباهتی دارد و از هر کدام نیز معجزه‌ای، برخی از این شباهت‌ها را امام باقر علیه السلام چنین فرموده‌اند:

«فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ شَبَهُ مِنْ أَرْبَعَةِ أَنْبِيَاءَ شَبَهُ مِنْ مُوسَى وَشَبَهُ مِنْ عِيسَى وَشَبَهُ مِنْ يُوسُفَ وَشَبَهُ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»؛

«در مورد صاحب الزمان علیه السلام شباهت‌هایی به چهار پیامبر هست، شباهتی به موسی، شباهتی به عیسی و شباهتی به یوسف و شباهتی به محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ».

ابوبصیر می‌گوید عرض کردم: چه شباهتی به موسی دارد؟

فرمود: «خَائِفٌ يَتَرَقَّبُ»؛

خائف و نگران (مردم) و منتظر است».

گفتم: شباهتش به عیسی چیست؟

فرمود: «قِيلَ فِيهِ مَا قِيلَ فِي عِيسَى».

«در مورد ایشان همان خواهند گفت که در مورد حضرت عیسی گفتند».

قُلْتُ: فَمَا شَبَهُ يُوسُفَ؟ گفتم: شباهتشان به یوسف چیست؟

قَالَ: السَّجْنُ وَالْغَيْبَةُ. فرمود: زندان و غیبت.

قُلْتُ: وَمَا شَبَهُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ عرض کردم: چه شباهتی به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارند؟

قَالَ: إِذَا قَامَ سَارَ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَّا أَنَّهُ يُبَيِّنُ آثَارَ مُحَمَّدٍ وَيَضَعُ السَّيْفَ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرْجاً هَرْجاً حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ.

فرمود: آن‌گاه که قیام کند به سیره و روش ایشان رفتار خواهد کرد، با این فرق که همان احکام و آثار و سنت پیامبر را تبیین خواهد فرمود؛ شمشیرش را هشت ماه بر می‌دارد و دشمنان خدا را می‌کشد تا این که خدا راضی شود.

قُلْتُ: فَكَيْفَ يَعْلَمُ رِضَا اللَّهِ؟

گفتم: از کجا می‌فهمد که خدا راضی شده است؟

قَالَ: يُلْقِي اللَّهُ فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ؛^۱

فرمود: خداوند در قلبش رحمت القا می‌کند.

وجود اوصاف پیامبران الهی در موعود الهی

محمد بن مسلم از اصحاب خاص امام باقر و امام صادق علیهما السلام می‌گوید: خدمت امام باقر علیه السلام رفتم تا در مورد قائم آل محمد علیه السلام از آن حضرت سؤال کنم، اما خود آن جناب بدون مقدمه فرمودند:

«يَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ! إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ شَبَهاً مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الرُّسُلِ: يُونُسَ بْنَ مَتَّى وَيُوسُفَ بْنَ يَعْقُوبَ وَمُوسَى وَعِيسَى وَمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ.

«ای محمد بن مسلم! همانا برای قائم آل محمد شباهت‌هایی از پنج پیامبر

وجود دارد: حضرات یونس و یوسف و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله.

فَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ يُونُسَ: فَرَجُوعُهُ مِنْ غَيْبَتِهِ وَهُوَ شَابٌّ بَعْدَ كِبَرِ السِّنِّ؛

اما شباهت به یونس علیه السلام: برگشت او بود از غیبتش در حالی که جوان بود

بعد از گذشت سال‌ها و پیری او.

وَ أَمَّا شَبَهُهُ مِنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ: فَالْغَيْبَةُ مِنْ خَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ

وَ اخْتِفَاؤُهُ مِنْ إِخْوَتِهِ وَإِشْكَالُ أَمْرِهِ عَلَى أَبِيهِ يَعْقُوبَ علیه السلام مَعَ قُرْبِ الْمَسَافَةِ

بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَبِيهِ وَأَهْلِهِ وَشِيعَتِهِ؛

شباهت به یوسف علیه السلام: او نیز از همه غایب شده بود از بستگان و غیره.

و مخفی شدن وی از برادرانش و سخت شدن این کار بر پدرش یعقوب علیه السلام با

این که فاصله بین او و پدر و اهل و پیروانش نزدیک بود.

وَ أَمَّا شَبَهُهُ مِنْ مُوسَى: فَدَوَامُ خَوْفِهِ وَطُولُ غَيْبَتِهِ وَخَفَاءُ وِلَادَتِهِ وَتَعَبُ

شِيعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ بِمَا لَقُوا مِنَ الْأَذَى وَالْهَوَانِ إِلَى أَنْ أَذِنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي

ظُهُورِهِ وَ نَصْرَهُ وَأَيَّدَهُ عَلَى عَدُوِّهِ؛

شباهت حضرت قائم به موسی علیه السلام: ادامه دوره نگرانی و اضطراب او

و طول مدت غیبت و نیز پنهانی بودن ولادت وی و سختی پیروانش بعد از

او به سبب آزار و اذیتی که به آنان رسید، تا زمانی که خداوند در ظهور

و یاری او اجازه فرمود و ایشان را بر دشمنانش پیروز نمود.

وَ أَمَّا شَبَهُهُ مِنْ عِيسَى: فَاخْتِلَافُ مَنْ اخْتَلَفَ فِيهِ حَتَّى قَالَتْ طَائِفَةٌ

مِنْهُمْ مَا وُلِدَ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مَاتَ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ قُتِلَ وَصَلِبَ؛

شباهت به حضرت عیسی علیه السلام: به جهت اختلاف مردم پیرامون وی است،

به گونه‌ای که برخی گفتند اصلاً او متولد نشده، بعضی گفتند مرده، عده‌ای گفتند کشته شده و او را به صلیب کشیده‌اند.

وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى ﷺ: فَخُرُوجُهُ بِالسَّيْفِ وَقَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَأَعْدَاءَ رَسُولِهِ ﷺ وَالْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاعِيَةَ وَأَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَالرُّعْبِ وَأَنَّهُ لَا تُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ وَأَنَّ مِنْ عِلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَخُرُوجَ الْيَمَانِيِّ وَصَيْحَةَ مِنَ السَّمَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَمُنَادٍ يُنَادِي بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ؛^۱

اما شباهت امام زمان علیه السلام به جد بزرگوارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این است که با قدرت شمشیر ظهور می‌کند، دشمنان خدا و رسولش را که ظالمان و طاغوتیان هستند به قتل می‌رساند. خداوند متعال با قدرت شمشیر و ترسی که بر دل دشمنانش می‌اندازد، امام را پیروز می‌کند و هرگز پرچم و لشکر او عقب‌نشینی ندارد.

برخی از علائم و نشانه‌های ظهور ایشان چنین است: خروج سفیانی از شام، خروج یمانی، ندایی از آسمان در ماه رمضان که منادی، اسم او و اسم پدرش صدا را می‌کند.»

شباهت مهدی علیه السلام به یوسف علیه السلام چیست؟

ابوبصیر روایت کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

«فِي الْقَائِمِ شَبَهُ مِنْ يُوسُفَ»

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸ / کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷.

«در قائم علیه السلام شباهتی به یوسف پیامبر علیه السلام است.»

عرض کردم: چه شباهتی؟

فرمود: «الْحَيْرَةُ وَالْغَيْبَةُ»^۱

«سرگردانی و غیبت».

فصل ششم:

مفهوم قائم و قیام

لقب «قائم» را چه کسی انتخاب کرد؟

«قائم» در لغت اسم فاعل و به معنای قیام کننده است؛ اما این که در اصطلاح یعنی چه و چرا مختص به امام زمان علیه السلام شده، از سؤالاتی است که شیعیان آن را از امامان علیهم السلام پرسیده‌اند.

از ابو حمزه ثمالی نقل شده که وی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد: ای فرزند رسول خدا! مگر همه شما امامان، قائم به حق نیستید؟
امام باقر علیه السلام فرمود: آری.

عرض کردم: پس چرا فقط به امام دوازدهم قائم گفته می‌شود؟ فرمود:
«لَمَّا قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ وَقَالُوا: إِلَهِنَا وَسَيِّدَنَا أَتَغْفُلُ عَمَّنْ قَتَلَ صَفْوَتَكَ وَابْنَ صَفْوَتِكَ وَخَيْرَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ: قَرُّوا مَلَائِكَتِي فَوْعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَنْتَقِمَنَّ مِنْهُمْ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ، ثُمَّ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیهم السلام لِلْمَلَائِكَةِ فَسَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ بِذَلِكَ فَإِذَا أَحَدُهُمْ قَائِمٌ يُصَلِّي، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ»؛^۱

«آن‌گاه که جدم حسین علیه السلام به شهادت رسید، فرشتگان الهی با گریه و ناله به درگاه الهی ضجه نموده، عرض کردند: ای خدا و مولای ما! آیا از کسانی

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۰ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۸ / بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۱.

که برگزیده و فرزند برگزیده تو را به شهادت رساندند می‌گذری، او که بهترین خلق توست؟

خداوند به آنان وحی فرمود: فرشتگان من! آرام باشید، به عزت و جلالم سوگند که حتماً از آنان انتقام خواهم گرفت؛ هر چند مدتی بگذرد.
سپس خداوند امامان از فرزندان امام حسین علیه السلام را برایشان نمایان ساخت و فرشتگان خوشحال شدند. اما دیدند یک نفر از ایشان ایستاده و نماز می‌خواند، خداوند فرمود: به وسیله آن که ایستاده، از آنان انتقام خواهم گرفت».

قائم و مهدی یعنی چه؟

مرحوم شیخ طوسی در سلسله سند خود نقل می‌کند که ابوسعید خراسانی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا مهدی و قائم یک نفر است؟
فرمود: آری. گفتم: چرا ایشان را مهدی نامیده‌اند؟
امام صادق علیه السلام فرمود:

«لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى كُلِّ أَمْرٍ خَفِيٍّ وَسُمِّيَ الْقَائِمَ لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَا يَمُوتُ
إِنَّهُ يَقُومُ بِأَمْرِ عَظِيمٍ»؛

«چون به هر امر و کار مخفی هدایت و رهنمون می‌شود. و به این جهت قائم نامیده شده، چون بعد از آن که نامی از وی نیست قیام می‌کند، او به امر عظیمی قیام خواهد کرد».

تفسیر قائم و منتظر چیست؟

مرحوم شیخ صدوق نقل می‌کند: یکی از اصحاب امامان علیهم السلام به نام صقر بن دلف می‌گوید: از امام جواد علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: امام بعد از من پسر علی است و سپس فرزندش حسن امام است. آن‌گاه سکوت کردند. عرض کردم: سپس چه کسی امام است؟ امام جواد علیه السلام گریه شدیدی کردند و فرمودند:

«إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ الْمُتَنْظِرَ. فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لِمَ سُمِّيَ الْقَائِمَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ.

فَقُلْتُ لَهُ: وَ لِمَ سُمِّيَ الْمُتَنْظِرَ؟ قَالَ: لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً تَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَيَطُولُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَيُنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ وَيَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِدُونَ وَ يَكْثُرُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَيَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ»^۱

«پس از حسن، پسرش که قائم به حق و منتظر است، امام خواهد بود.

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! چرا قائم نامیده شده است؟

فرمود: چون بعد از آن‌که ذکر و یادش از بین رفته، قیام می‌کند، پس از

آن‌که بسیاری از مردم از امامت او بر می‌گردند.

گفتم: چرا منتظر نامیده شده است؟

فرمود: چون غیبتی خواهد داشت که روزهایش زیاد و مدت‌ش طولانی

خواهد شد، لذا افراد مخلص منتظر ظهور او آیند؛ اما تردید کنندگان آن را

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰ و ۱۵۷.

انکار کرده و منکران نیز استهزاء می‌کنند. بسیاری از افراد برای آن وقت‌گذاری می‌کنند و کسانی هم که عجله کنند هلاک خواهند شد؛ اما مسلمانان واقعی نجات خواهند یافت».

قائم آل محمد چه کسی است؟

در کتاب شریف کافی نقل شده که حکم بن ابونعیم می‌گوید: در مدینه خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و به آن حضرت عرض کردم: بین رکن و مقام نذر کردم که هرگاه به مدینه آمدم و شما را ملاقات کردم، از شهر خارج نشوم تا این که بدانم آیا شما قائم آل محمد هستید یا نه؟

آن حضرت جوابی به من ندادند، تا این که ۳۰ روز در مدینه ماندم. روزی در بین راه ایشان را زیارت کردم، فرمود: تو هنوز اینجا هستی؟ عرض کردم: من که گفتم چه نذری کردم، شما هم نه امری فرمودید نه نهی کردید و نه جوابی دادید.

فرمود: فردا صبح زود بیا منزل.

من نیز چنین کردم، امام باقر علیه السلام فرمود: پیرس هر حاجتی که داری. عرض کردم: من برای خدا نذر کردم به روزه و صدقه در بین رکن و مقام که هرگاه شما را ملاقات کردم از مدینه خارج نشوم تا این که بدانم شما قائم آل محمد هستید یا نه؟ اگر شما همان باشید در خدمت شما باشم و اگر شما نیستید بروم و دنبال کار خود باشم.

امام باقر علیه السلام فرمود:

« يَا حَكَمٌ كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ؛ «ای حکم! همه ما قائم به امر خداوند

هستیم.

قُلْتُ: فَأَنْتَ الْمَهْدِيُّ؟»؛ «گفتم: پس شما مهدی هستید؟»

قَالَ: كُنَّا يُهْدَىٰ إِلَى اللَّهِ؛ «فرمود: همه ما مردم را به سوی خدا هدایت

می‌کنیم.

قُلْتُ: فَأَنْتَ صَاحِبُ السَّيْفِ؟؛ گفتم: پس شما صاحب شمشیر هستید؟

قَالَ: كُنَّا صَاحِبُ السَّيْفِ وَوَارِثُ السَّيْفِ؛ فرمود: همه ما صاحب

شمشیر و وارث آن هستیم.

قُلْتُ: فَأَنْتَ الَّذِي تَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَيَعِزُّ بِكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَيَظْهَرُ بِكَ دِينُ

اللَّهِ؟ «عرض کردم: پس شما همان هستید که دشمنان خدا را می‌کشید،

دوستان خدا به سبب شما عزیز می‌شوند و دین الهی ظاهر و حاکم

می‌گردد؟»

فَقَالَ: يَا حَكَمٌ كَيْفَ أَكُونُ أَنَا وَبَلَغْتُ خَمْسًا وَأَرْبَعِينَ وَإِنَّ صَاحِبَ هَذَا

أَقْرَبُ عَهْدًا بِاللَّبَنِ مِنِّي وَأَخَفٌ عَلَى ظَهْرِ الدَّابَّةِ»؛^۱

«فرمود: ای حکم! چگونه او من باشم در حالی که سن من به ۴۵ سال

رسیده است؛ اما صاحب این امر جوان‌تر از من است و سبک‌بارتر بر اسب

سوار می‌شود.»

صاحب الامر کیست؟

این سؤالی است که شعیب بن ابو حمزه از امام صادق علیه السلام پرسیده است که آیا شما صاحب این امر هستید؟ آن جناب فرمودند: خیر.
سؤال می کند: پس فرزند شماست؟ می فرماید: خیر.
عرض می کند: پس چه کسی است؟
امام صادق علیه السلام می فرماید:

«الَّذِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا لَعَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الْأَيْمَةِ يَأْتِي كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بُعِثَ عَلَى فِتْرَةٍ»؛^۱

«آن کسی که زمین را از عدل پر می کند؛ همان طور که از جور و ستم پر شده باشد، او هنگامی خواهد آمد که کسی از امامان معصوم علیهم السلام نیست، همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پس از مدت ها که پیامبری نبود، مبعوث شد.»

ستارگان آسمان ولایت و امامت

مرحوم شیخ صدوق در کتاب شریف کمال الدین نقل می کند که معروف بن خربوذ گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم: در مورد خودتان بفرمایید؟
آن جناب فرمود:

«نَحْنُ بِمَنْزِلَةِ النُّجُومِ إِذَا خَفِيَ نَجْمٌ بَدَا نَجْمٌ مَأْمَنٌ وَأَمَانٌ وَسِلْمٌ وَإِسْلَامٌ
وَفَاتِحٌ وَمِفْتَاحٌ حَتَّى إِذَا اسْتَوَى بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَلَمْ يُدْرَ أَيُّ مِنْ أَيِّ أَظْهَرَ

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۴۱ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۹ / غیبت نعمانی، ص ۱۸۶.

اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ صَاحِبِكُمْ فَأَحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ يُخَيِّرُ الصَّعْبَ عَلَى
الذَّلُولِ.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَأَيُّهُمَا يَخْتَارُ؟

قَالَ: يَخْتَارُ الصَّعْبَ عَلَى الذَّلُولِ؛^۱

«ما همانند ستارگان آسمانیم، هرگاه ستاره‌ای از ما غایب شد ستاره‌ای دیگر ظاهر خواهد شد که موجب امان و امنیت و سلامت و اسلام و فاتح و مفتاح خواهد بود. تا هنگامی که بنو عبدالمطلب حاکم هستند کسی نمی‌داند امام ایشان کیست، اما آن‌گاه که خداوند صاحب شما را ظاهر گرداند حمد خدای عزوجل را به جای آورید، خداوند او را بین دو امر آسان و مشکل مخیر می‌سازد.

عرض کردم: فدایتان شوم! آن حضرت کدام یک را انتخاب

می‌فرماید؟

فرمود: امر مشکل را بر امر آسان ترجیح می‌دهد.»

چرا بعضی از امامان قیام نکردند؟

در کتاب غیبت نعمانی چنین آمده که عبدالله بن عطاء می‌گوید: خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم: شیعیان شما در عراق فراوان هستند، در اهل بیت شما هم کسی مانند شما نیست، پس چرا قیام نمی‌کنید؟

امام باقر علیه السلام فرمود:

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۹ / بعارض الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۶.

«يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَدْ أَخَذْتَ تَفْرُشَ أُذُنَيْكَ لِلنُّوَكِيِّ، لَا وَاللَّهِ مَا أَنَا بِصَاحِبِكُمْ.»

قُلْتُ: فَمَنْ صَاحِبُنَا؟

فَقَالَ: أَنْظَرُوا مَنْ غُيِّبَ عَنِ النَّاسِ وَلَادَتْهُ، فَذَلِكَ صَاحِبِكُمْ، إِنَّهُ لَيْسَ مِنَّا أَحَدٌ يُشَارُ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ وَيُمَضَّعُ بِاللِّسَانِ إِلَّا مَاتَ غَيْظًا أَوْ حَتَفَ أَنْفِهِ؛

«ای عبد الله فرزند عطاء! گویا گوش خود را در اختیار افراد نادان و احمق قرار دادی، خیر، به خدا قسم که من صاحب شما نیستم.»

گفتم: پس صاحب ما کیست؟

فرمود: نگاه کنید همان که تولدش از مردم مخفی می ماند، او صاحب شماست چرا که هیچ کسی از ما اهل بیت نیست که به او اشاره شود یا نامش بر سر زبان ها افتاده؛ مگر این که یا به جهت غیظ دیگران مرده یا آنان را کشتند.»

علامت قائم چیست؟

این سؤالی است که مفضل بن عمر یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از آن جناب پرسیده و در غیبت نعمانی نقل شده است، مفضل می گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: علامت و نشانه قائم چیست؟

آن حضرت فرمود:

«إِذَا اسْتَدَارَ الْفَلَكَ فَقِيلَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ فِي أَيِّ وَادٍ سَلَكَ.»

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! ثُمَّ يَكُونُ مَا ذَا؟

قَالَ: لَا يَظْهَرُ إِلَّا بِالسَّيْفِ!١

«آن‌گاه که اوضاع زمان متغیر شود، پس گفته می‌شود: معلوم نیست

مرده، از بین رفته، یا در کدام وادی و بیابان رفته است؟

گفتم: فدایتان شوم! سپس چه می‌شود؟

فرمود: او ظهور نمی‌کند مگر با شمشیر».

فصل هفتم:

غیت طولانی

علت غیبت چیست؟

خداوند مصلحت امت اسلامی و جامعه جهانی را در این دیده است که مهدی موعود مدتی در پس پرده غیبت باشد؛ لذا ابن عباس می‌گوید: روزی پیامبر خدا ﷺ می‌فرمود که علی بن ابی طالب علیه السلام امام امت من و خلیفه من بر آنان است، و قائم منتظر از فرزندان اوست؛ همان که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد.

به خدا قسم آنان که بر قول او ثابت بمانند، در زمان غیبتش، هر آینه از کبریت احمر نیز نایاب‌ترند.

جابر بن عبدالله انصاری در محضر پیامبر خدا ﷺ ایستاد و عرض کرد:

ای رسول خدا! آیا فرزندان قائم غیبت هم دارد؟

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«إِي وَرَبِّي وَلِيْمَحْصَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمَحَقَ الْكَافِرِينَ، يَا جَابِرُ! إِنَّ هَذَا لِأَمْرٍ مِنْ أَمْرِ اللهِ وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللهِ مَطْوِيٌّ عَنْ عِبَادِهِ فَإِيَّاكَ وَالشَّكَّ فِي أَمْرِ اللهِ فَهُوَ كُفْرٌ»^۱

«آری به خدا قسم یاد می‌کنم؛ و تا خداوند، افراد باایمان را خالص

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳ / کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷ / کشف الغمّة، ج ۲، ص ۵۲۱.

گرداند (و ورزیده شوند)؛ و کافران را به تدریج نابود سازد. ای جابر! این امری از امور خدا و سرّی از اسرار اوست که از بندگانش پوشانده است، پس پرهیز از شک در امر الهی که آن کفر است».

غیبت برای کدام یک از معصومین علیهم السلام رخ می دهد؟

مرحوم شیخ صدوق در کتاب کمال الدین می فرماید: سید بن محمد حمیری در قسمتی از یک حدیث طولانی نقل می کند به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

ای فرزند رسول خدا! اخبار و روایات صحیحی از پدران بزرگوار شما در مورد غیبت رسیده است، بفرمایید در مورد چه کسی این غیبت رخ خواهد داد؟
امام صادق علیه السلام فرمود:

«سَتَقَعُ بِالسَّادِسِ مِنْ وُلْدِي وَالثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَيِّمَةِ الْهُدَاةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ صَاحِبُ الزَّمَانِ وَخَلِيفَةُ الرَّحْمَنِ وَاللَّهُ لَوْ بَقِيَ فِي غَيْبَتِهِ مَا بَقِيَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَظْهَرَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛^۱

«برای ششمین امام از فرزندان من خواهد بود، او که امام دوازدهم هدایت بعد از رسول خداست که اول ایشان امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و آخرین آنان قائم به حق خواهد بود، او که بقیة الله در زمین و صاحب

زمان و جانشین خداوند است. به خدا قسم که اگر در غیبت خود باقی بماند به مقداری که نوح در قومش مانده بود، از دنیا نخواهد رفت تا این که ظهور نماید و زمین را از قسط و عدل پر کند؛ چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد».

آیا غیبت مهدی علیه السلام حتمی است؟

اگر مصلحت الهی بر این قرار گرفته است که جهان به وسیله امام زمان علیه السلام اصلاح گردد، باید ایشان تا آن هنگام سالم بمانند، پس باید از دسترس دشمنان در امان باشند؛ لذا امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«لَا بُدَّ لِلْغَلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ»؛

«ضروری است که آن «غلام» غایب شود».

سؤال شد: برای چه ای رسول خدا؟

حضرت فرمود:

«يَخَافُ الْقَتْلَ»؛^۱

«چون از کشته شدن می‌ترسد».

چرا مهدی علیه السلام غایب شده است؟

سدیر می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا امام زمان علیه السلام غایب خواهد شد؟ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَبِي إِلَّا أَنْ يُجْرِيَ فِيهِ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام فِي غَيْبَاتِهِمْ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰ / علل الشرایع.

وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ يَا سَدِيرٌ مِنْ اسْتِيفَاءِ مَدَدِ غَيْبَاتِهِمْ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»^۱؛ أَي سَنَّا عَلَى سَنَنِ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ»^۲؛

«خداوند متعال می خواهد سنت های پیامبران گذشته از جهت غیبت ایشان را در مورد امام زمان علیه السلام نیز جاری کند. لذا حتمی است که به مدت غیبت های آنان امام زمان علیه السلام نیز به جهت مصالح الهی غایب شود. ای سدیر! چنان که خداوند فرموده: همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید (تا به کمال برسید). تمام سنت های پیامبران گذشته برای شما هم خواهد بود».

حکمت غیبت امام علیه السلام چیست؟

عبدالله بن فضل هاشمی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ»؛ «حتماً برای صاحب این امر، غیبتی خواهد بود که هیچ چاره ای از آن نیست. در این مدت، اهل باطل به شک و تردید می افتند».

عرض کردم: فدایتان شوم، برای چه غایب می شود؟

فرمود: «لِأَمْرِ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ»؛

«برای علتی است؛ اما اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم».

عرض کردم: پس وجه و حکمت غیبت چیست؟

۱. سوره انشقاق: آیه ۱۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰ / کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۰.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَا يَنْكَشِفُ وَجْهُ الْحِكْمَةِ لَمَّا أَتَاهُ الْخَضِرُ علیه السلام مِنْ خَرَقِ السَّفِينَةِ وَقَتْلِ الْغُلَامِ وَإِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى علیه السلام إِلَّا وَقْتَ افْتِرَاقِهِمَا، يَا ابْنَ الْفَضْلِ! إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسِرٌّ مِنْ اللَّهِ وَغَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَمَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهًا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ لَنَا»^۱

«وجه حکمت غیبت امام زمان علیه السلام همان حکمت غایب شدن پیامبران و حجت‌های گذشته است، علت و حکمت این غیبت‌ها هم کشف نخواهد شد مگر بعد ظهور آن حضرت، چنان‌که حکمت کارهای خضر علیه السلام نیز در مورد سوراخ کردن کشتی و کشتن آن جوان و تعمیر نمودن دیوار، در ابتدا برای موسی علیه السلام معلوم نبود، مگر آن‌گاه که قرار شد از یک‌دیگر جدا شوند. ای فرزند فضل! این امر، یکی از امور خدا و سری از اسرار او و یکی از امور مخفی خداوند است. وقتی ما اعتقاد داریم که خداوند حکیم است؛ حتماً تصدیق می‌کنیم که تمام کارهایش از روی حکمت است؛ هر چند سبب و وجه حکمت آن برای ما معلوم نباشد».

امام زمان علیه السلام چرا غایب شدند؟

حسن بن فضال از پدرش نقل می‌کند که امام رضا علیه السلام فرمود:

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱ به نقل از کمال الدین.

«كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ عِنْدَ فَقْدَانِهِمُ الثَّالِثَ مِنْ وُلْدِي يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ»؛

«گویا شیعیان را می بینم، آن گاه که سومین فرزند من (امام عسکری علیه السلام) را از دست بدهند، به دنبال محل استراحتی می گردند ولی نمی یابند».

می گوید عرض کردم: برای چه ای فرزند رسول خدا؟

فرمود: «لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ»؛

«چون امام آنان غایب می شود».

گفتم: برای چه غایب می شود؟

امام رضا علیه السلام فرمود:

«لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ»؛^۱

«برای این که آن گاه که ظهور می نماید بیعت هیچ احدی (هیچ حاکم

طاغوت) به گردن او نباشد».

امام غایب چگونه ولایت و روشنی می بخشد؟

اگر مردم نیاز به امام دارند و او هم زنده است، پس چرا غایب شده است؟

مردم از این امام غایب چگونه استفاده کنند و امام غایب چه فایده ای برای مردم دارد؟

برای یافتن جواب این مطلب، جابر جعفی می گوید: جابر بن عبدالله انصاری

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کرد: آیا شیعیان در زمان غیبت امام قائم علیه السلام از آن

حضرت استفاده ای می برند؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ لَيَسْتَفْعُونَ بِهِ وَيَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّلَهَا السَّحَابُ»؛^۱

«آری، قسم به خدایی که مرا به نبوت برگزید! هر آینه آنان از وی منتفع خواهند شد و به هنگام غیبت، از نور ولایت او روشنایی خواهند گرفت؛ همانند استفاده مردم از خورشید آنگاه که ابرها خورشید را پوشانده باشند».

اگر خورشید نباشد جهان تاریک و ظلمانی خواهد شد؛ اما با آمدن خورشید، همه جا روز و روشن می‌شود؛ هر چند ابرهای متراکم جلوی تابش مستقیم نور آن را بگیرند؛ ولی روز همچنان روز است و روشن.

امام غایب و خورشید پشت ابر!

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام اعمش گوید: آن حضرت فرمود:

«لَمْ تَخْلُو [تَخْلُ] الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ وَلَا تَخْلُو إِلَيَّ أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ».

قَالَ سُلَيْمَانُ: فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ علیه السلام: فَكَيْفَ يَسْتَفْعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ

الْمَسْتُورِ؟

قَالَ: كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ»؛^۱

«زمین از روزی که آدم آفریده شده خالی از حجت نبوده؛ چه امام ظاهر و شناخته شده و یا امام غایب و پنهان و تا روز قیامت نیز چنین خواهد بود. اگر غیر از این بود خدا عبادت نمی شد.

سلیمان عرض کرد: مردم چگونه از امام غایب استفاده می کنند؟

فرمود: همان طور که از خورشید استفاده می کنند؛ آن گاه که ابرها آن را

پوشانده باشند».^۲

آیا دشمنی با امام نیز علت غیبت است؟

شیعیان و اصحاب امامان از همان ابتدا به دنبال مهدی موعود و قائم آل محمد علیه السلام بودند؛ لذا در کتاب غیبت نعمانی با سلسله سند نقل شده که ابو خالد کابلی می گوید:

پس از شهادت امام سجاد علیه السلام خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم:

«جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَدْ عَرَفْتُ انْقِطَاعِي إِلَى أَبِيكَ وَأُنْسِي بِهِ وَوَحْشَتِي مِنَ

النَّاسِ.

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۱۸۶ / کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۷ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲ و ج ۲۳، ص ۵.

۲. در این مورد در یکی از توقیعات امام زمان علیه السلام نیز آمده است:

«وَأَمَّا وَجْهُ الْانْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالِانْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَشِيَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»؛ «و اما نحوه استفاده مردم از من آن گاه که غایب باشم، همانند استفاده از خورشید است آن گاه که ابرها آن را از چشم مردم پوشانده باشند». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲ / احتجاج.

قَالَ: صَدَقْتَ يَا بَا خَالِدٍ تُرِيدُ مَاذَا؟
قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَدْ وَصَفَ لِي أَبُوكَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ بِصِفَةٍ لَوْ
رَأَيْتُهُ فِي بَعْضِ الطُّرُقِ لَأَخَذْتُ بِيَدِهِ.

قَالَ: فَتُرِيدُ مَاذَا يَا بَا خَالِدٍ؟
قَالَ: أُرِيدُ أَنْ تُسَمِّيَهُ لِي حَتَّى أَعْرِفَهُ بِاسْمِهِ.
فَقَالَ: سَأَلْتَنِي وَاللَّهِ يَا بَا خَالِدٍ عَنْ سُؤَالٍ مُجْهِدٍ وَلَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ أَمْرٍ مَا
لَوْ كُنْتُ مُحَدِّثًا بِهِ أَحَدًا لَحَدَّثْتُكَ وَلَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ أَمْرٍ لَوْ أَنَّ بَنِي فَاطِمَةَ
عَرَفُوهُ حَرَصُوا عَلَيَّ أَنْ يَقَطَعُوهُ بَضْعَةً بَضْعَةً»^۱

«فدایتان شوم! دوری مرا از مردم و انس و علاقه‌ام به پدرت را
می‌دانید.»

امام فرمود: آری، درست می‌گویی ای اباخالد، چه می‌خواهی؟
گفتم: فدایتان شوم! صاحب این امر را برایم به گونه‌ای توصیف بفرمایید
که اگر ایشان را در راهی دیدم، دست به دامنش شوم.

فرمود: حالا چه می‌خواهی؟
عرض کردم: می‌خواهم اسم آن حضرت را بفرمایی تا او را با نام
بشناسم.

امام فرمود: ای اباخالد! به خدا قسم که از مسأله مهمی سؤال کردی، از
چیزی پرسیدی که اگر آن را به کسی گفته بودم، به تو هم می‌گفتم. ولی از
امری پرسیدی که حتی اگر بنی فاطمه هم از آن مطلع شوند و او را بشناسند،
حریص گشته و او را قطعه قطعه خواهند کرد».

آن ناشناس را چه بنامیم؟

در کتاب غیبت نعمانی که از اولین کتاب‌هایی است که پیرامون غیبت امام زمان علیه السلام نوشته شده، آمده است که ابوهاشم جعفری می‌گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم می‌فرمود: جانشین پس از من، پسر من حسن است، پس چگونه خواهید بود نسبت به جانشین پس از او؟

عرض کردم: فدایتان شوم! چطور است مگر؟

فرمود: «لِأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ.

قُلْتُ: فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ؟

فَقَالَ: قُولُوا الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»؛^۱

«چون شخص او را نخواهید دید و بیان نام او هم حلال نخواهد بود.

گفتم: پس چگونه آن حضرت را یاد کنیم؟

فرمود: بگویید حجت آل محمد علیهم السلام».

آن ناپیدا کیست؟

ریان بن صلت می‌گوید: از امام رضا علیه السلام در مورد قائم پرسیدم، فرمود:

«لَا يُرَى جِسْمُهُ وَلَا يُسَمَّى بِاسْمِهِ»؛^۲

«جسم او دیده نمی‌شود و نامش نیز برده نمی‌شود».

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲۸ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱ / کشف الغممه، ج ۲، ص ۴۹۹ / غیبت

طوسی، ص ۲۰۲ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۳۳ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۳ / کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۸ / وسائل

الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۳۹.

چرا غیبت طولانی شده است؟

در کتاب غیبت نعمانی آمده که داوود رقی به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند:
فدایتان شوم! این مسأله خیلی طولانی شده، به گونه‌ای که قلب‌های ما تنگ شده و از غم و غصه مردیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ آيَسٌ مَا يَكُونُ وَأَشَدُّ غَمًّا، يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ.

فَقُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا اسْمُهُ؟

قَالَ: اسْمُهُ اسْمُ نَبِيِّ وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ وَصِيِّ»؛^۱

«غم و اندوه و ناامیدی این امر بیشتر از این‌هاست، (هر گاه وقت آن

برسد) منادی از آسمان به نام قائم و نام پدرش ندا خواهد داد.

عرض کردم: فدایتان شوم! نامش چیست؟

فرمود: نامش همان نام پیامبر است و نام پدرش نیز نام وصی پیامبر

است.»

آیا امتحان و آزمایش مردم هم از علل غیبت است؟

ابن ابی یعفور می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایتان شوم! چه

تعداد از عرب به همراه قائم هستند؟

فرمود: «شَيْءٌ يَسِيرٌ»؛ «تعداد کمی هستند.»

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۸ به نقل از غیبت نعمانی.

گفتم: اما خیلی از آنان در این مورد حرف می‌زنند؟

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَيُمَيَّزُوا وَيُغْرَبَلُوا وَيَخْرُجُ فِي الْغُرَبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ»^۱

«چاره‌ای جز امتحان مردم نیست، همه باید امتحان شوند، تا خوب و بد جدا گردند، همه باید غربال شوند و بسیاری از مردم ناخالص از آن خارج می‌شوند.»

آن تنهای غریب!

داوود بن کثیر یکی دیگر از اصحاب است که از امام کاظم علیه السلام در مورد «صاحب هذا الامر» پرسیده است که آن جناب فرموده‌اند:

«هُوَ الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنِ أَهْلِهِ الْمَوْتُورُ بِأَبِيهِ»^۲

«او کسی است که از همه جا دور مانده و تنها و غریب است، حتی از اهل خود نیز غایب است و هنوز انتقام خون پدر به ناحق کشته‌اش را نگرفته است.»

مدت حیرت و غیبت چقدر است؟

در حدیثی طولانی اصبع بن نباته از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می‌کند که به آن

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۰ / بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۴ / غیبت نعمانی، ص ۲۰۴.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱ / کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۶۱.

حضرت گفتم: ای امیرمؤمنان! این حیرت و غیبت چقدر طول می‌کشد؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شش روز یا شش ماه یا شش سال!

عرض کردم: آیا چنین خواهد شد؟

فرمود:

«نَعَمْ كَمَا أَنَّهُ مَخْلُوقٌ وَأَنْتَى لَكَ بِالْعِلْمِ بِهَذَا الْأَمْرِ يَا أَصْبَغُ أَوْلِيكَ خِيَارُ
هَذِهِ الْأُمَّةِ مَعَ أَبْرَارِ هَذِهِ الْعِثْرَةِ.
قُلْتُ: وَمَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ؟

قَالَ: ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ، فَإِنَّ لَهُ إِرَادَاتٍ وَغَايَاتٍ وَنِهَائَاتٍ»؛^۱

«آری، چنان‌که او مخلوق است و تو کجا و درک این امر کجا، ای اصبغ!

آنان بهترینان این امت هستند، به همراه نیکان این عترت و خانواده.

گفتم: سپس چه خواهد شد؟

فرمود: هرچه خدا بخواهد همان خواهد شد. چرا که برای خداوند

اراده‌ها و بدها و غایت‌ها و نهایت‌هاست».

بنابراین دلالت دارد که این مسأله نیز قابل بداء هست و بیان تردید ایشان

بین شش روز و شش ماه و شش سال هم قرینه آن است.

چگونه به مهدی علیه السلام سلام کنیم؟

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا به حضرت مهدی با عنوان

۱. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۸۸ / غیبت طوسی، ص ۱۶۴ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵ / کافی، ج ۱، ص ۳۲۸.

امیرالمؤمنین سلام کنیم؟

امام فرمود:

«لَا، ذَلِكَ اسْمُ سَمَاءِ اللَّهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُسَمَّى بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ»^۱

«خیر، این اسمی است که خداوند فقط برای امیر المؤمنین علیه السلام انتخاب کرده که نه قبل از ایشان و نه بعد از ایشان کسی به این اسم نامگذاری نشده است مگر کافر باشد.»

گفت: پس چگونه به آن حضرت سلام کنیم؟

امام صادق علیه السلام فرمود: بگو «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ».

و سپس این آیه را قرائت فرمودند: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۲.

دعای زمان غیبت چیست؟

زراره که از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام است می گوید: از امام صادق علیه السلام

شنیدم که می فرمود: برای امام قائم قبل از قیامش غیبتی خواهد بود.

سپس توضیحاتی فرمودند و این که در آن زمان شیعه امتحان خواهد شد

و دیگران نیز به شک و تردید می افتند.

زراره گوید عرض کردم: فدایتان شوم! اگر من آن زمان رادرک کردم چه

عملی انجام دهم؟

۱. تفسیر فرات، ص ۱۹۳ / بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳.

۲. سوره هود، آیه ۸۶ آنچه خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَا زُرَّارَةُ إِنَّ أَدْرَكَتَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَالْزَمِ هَذَا الدُّعَاءَ:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ

عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ

عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

ثُمَّ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ لَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ بِالْمَدِينَةِ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَلَيْسَ يَقْتُلُهُ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ؟

قَالَ: لَا وَلَكِنْ يَقْتُلُهُ جَيْشُ بَنِي فُلَانٍ، يَخْرُجُ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَدِينَةَ فَلَا

يَذْرِي النَّاسُ فِي أَيِّ شَيْءٍ دَخَلَ فَيَأْخُذُ الْغُلَامَ فَيَقْتُلُهُ فَإِذَا قَتَلَهُ بَغِيًّا

وَعُدْوَانًا وَظُلْمًا لَمْ يُمَهِّلْهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَعِنْدَ ذَلِكَ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ»؛^۱

«ای زراره! اگر آن زمان را درک کردی این دعا را همیشه بخوان:

خدایا! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من معرفی نکنی،

پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا! رسالت را به من معرفی کن، چرا که اگر

رسالت را به من معرفی نکنی حجت تو را نخواهم شناخت. خدایا! امام

و حجت خودت را به من معرفی کن، چون اگر حجت خود را به من معرفی

نکنی از دین خود گمراه خواهم شد.

سپس فرمود: ای زراره! قبل از ظهور، حتماً جوانی در مدینه کشته

خواهد شد.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳۷ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶ به نقل از کمال الدین و غیبت شیخ طوسی و غیبت نعمانی.

عرض کردم: فدایتان شوم! آیا چنین نیست که لشکر سفیانی او را خواهند کشت؟

فرمود: خیر، بلکه فلانی‌ها او را خواهند کشت؛ خروج می‌کنند و به گونه‌ای وارد مدینه می‌شوند که کسی نمی‌فهمد از کجا داخل شده‌اند. در این حال آن جوان را می‌گیرند و به قتل می‌رسانند. آن‌گاه که او را به ناحق و از روی ظلم و ستم کشتند، دیگر خدا به آنان مهلت نمی‌دهد. پس در این وقت منتظر فرج باشید».

ندبه امام صادق علیه السلام در فراق مهدی علیه السلام

سدیر صیرفی می‌گوید: من و چند تن از اصحاب؛ از جمله: مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن تغلب به محضر امام صادق علیه السلام رسیدیم که آن حضرت را این‌گونه مشاهده کردیم: بر روی زمین نشسته بود، لباسی به نام مسح خیبری داشت که یقه نداشت و آستین‌هایش کوتاه بود، شدیداً گریه می‌کرد، همانند گریه زن فرزندی مرده که جگرش آتش گرفته باشد، آثار غم و اندوه از رخسارش هویدا بود و در حالی که چشمانش پر از اشک بود، می‌فرمود:

«سَيِّدِي! غَيْبُكَ نَفَثَ رُقَادِي وَضَيَّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِي وَأَسْرَتْ مِنِّي رَاحَةَ

فُوَادِي.

سَيِّدِي! غَيْبُكَ أَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ وَفَقَدْتُ الْوَاحِدِ بَعْدَ الْوَاحِدِ يُفْنِي الْجَمْعَ وَالْعَدَدَ فَمَا أَحْسُ بِدَمْعَةٍ تَرْقِي مِنْ عَيْنِي وَأَنْيُنٍ يَفْتُرُ مِنْ صَدْرِي عَنْ دَوَارِجِ الرَّزَايَا وَسَوَالِفِ الْبَلَايَا إِلَّا مِثْلَ لِعَيْنِي عَنْ عَوَائِرِ

أَعْظَمَهَا وَأَفْظَعَهَا وَتَرَاقِي أَشَدَّهَا وَأُنْكَرَهَا وَنَوَائِبَ مَخْلُوطَةٍ بِغَضَبِكَ
وَنَوَازِلَ مَعْجُونَةٍ بِسَخَطِكَ.

ای آقای من! غیبت تو خواب را از من گرفته، رختخواب را بر من تنگ
نموده و راحت و استراحت دلم را اسیر کرده است.

ای مولای من! غیبت تو مصیب من را ابدی کرده و فقدان یکی پس از
دیگری، اجتماع را زایل نموده است. دیگر اشک دیدگانم را که از چشمانم
روان است و آه و ناله‌ای که از سینه‌ام خارج می‌شود را احساس نمی‌کنم جز
آنچه را که در برابر چشمانم مجسم است، به جهت مصایب و بلاهای گذشته،
چون آن گرفتاری‌ها از همه جانگدازتر و سخت‌تر است و نیز به علت
ناملایماتی که با غضب تو آمیخته شده و مصیبت‌هایی که با خشم تو عجین
گردیده است.

قَالَ سَدِيرٌ: فَاسْتَطَارَتْ عُقُولُنَا وَلَهَا وَتَصَدَّعَتْ قُلُوبُنَا جَزَعًا عَنِ ذَلِكَ
الْخَطْبِ الْهَائِلِ وَالْحَادِثِ الْغَائِلِ وَظَنْنَا أَنَّهُ سِمَةٌ لِمَكْرُوهَةٍ قَارِعَةٍ أَوْ حَلَّتْ
بِهِ مِنَ الدَّهْرِ بَائِقَةٌ، فَقُلْنَا: لَا أَبْكَى اللَّهُ يَا ابْنَ خَيْرِ الْوَرَى عَيْنَيْكَ مِنْ أَيِّ
حَادِثَةٍ تَسْتَنْزِفُ دَمْعَتَكَ وَتَسْتَمْطِرُ عَبْرَتَكَ وَأَيَّةُ حَالَةٍ حَتَمَتْ عَلَيْكَ هَذَا
الْمَاتَمَ؟

قال: فزفر الصادق عليه السلام زفرة انتفخ منها جوفه واشتد منها خوفه وقال:
ويكم انني نظرت في كتاب الجفر صبيحة هذا اليوم وهو الكتاب المشتمل
على علم المنايا والبلايا والرزايا وعلم ما كان وما يكون الى يوم القيامة
الذي خص الله تقدس اسمه به محمداً والأئمة من بعده عليه وعليهم

السَّلَامُ وَ تَأَمَّلْتُ فِيهِ مَوْلِدَ قَائِمِنَا وَ غَيْبَتَهُ وَ إِبْطَاءَهُ وَ طُولَ عُمُرِهِ وَ بَلْوَى
 الْمُؤْمِنِينَ بِهِ مِنْ بَعْدِهِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَ تَوَلَّدَ الشُّكُوكَ فِي قُلُوبِهِمْ مِنْ طُولِ
 غَيْبَتِهِ وَازْتِدَادَ أَكْثَرِهِمْ عَنْ دِينِهِمْ وَ خَلَعَهُمْ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ أَعْنَاقِهِمُ الَّتِي
 قَالَ اللَّهُ تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ وَ كُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ يَعْني الْوَلَايَةَ
 فَأَخَذْتَنِي الرَّقَّةُ وَ اسْتَوَلَّتْ عَلَيَّ الْأَحْزَانُ.

سدير می‌گوید: با دیدن این حالت از امام صادق علیه السلام از شدت حیرت،
 عقل از سرمان پرید و به جهت جزع از آن رخداد هولناک، قلب‌هایمان
 چاک چاک شد. و فکر کردیم مصیبتی کوبنده و حادثه ناگواری بر آن
 حضرت وارد شده؛ لذا عرض کردیم: ای فرزند بهترین خلق خدا! خداوند
 شما را گریان نکند! از چه حادثه‌ای است که چشمانتان گریان و اشکتان روان
 است؟ چه علتی موجب شده که این ماتم بر شما وارد شده است؟

امام صادق علیه السلام نفس عمیقی کشید که درونش لرزید و اندوهش افزون
 شد و فرمود: صبح امروز در کتاب جفر نگاه کردم، کتابی که علم تمام
 حوادث آینده از بلاها و مصایب و هر چه هست و تا روز قیامت خواهد
 بود در آن وجود دارد، همان کتابی که خداوند آن را به پیامبر و اهل بیتش
 اختصاص داده است. در آن کتاب به میلاد قائم ما و غیبت او و طول عمر
 و تأخیر در فرج و بلاهای مؤمنان در آن زمان نگریستم که تردید و شک‌ها
 به جهت غیبت در دل مؤمنان حادث می‌شود، بسیاری از دین بر می‌گردند،
 و لباس اسلام را از تن بیرون و گردن خود را از اطاعت آن خارج می‌کنند،
 همان که خداوند فرمود: «کل انسان الزمناه طائره فی عنقه» که منظور از آن

ولایت ماست. به این جهت رقتی مرا گرفت و اندوه بر من چیره شد.
فَقُلْنَا: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! كَرَّمْنَا وَشَرَّفْنَا بِإِشْرَاكِكَ إِيَّانَا فِي بَعْضِ مَا أَنْتَ
تَعْلَمُهُ مِنْ عِلْمٍ. قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَدَارَ فِي الْقَائِمِ مِنَّا ثَلَاثَةَ أَدَارَهَا
فِي ثَلَاثَةٍ مِنَ الرُّسُلِ؛ قَدَّرَ مَوْلِدَهُ تَقْدِيرَ مَوْلِدِ مُوسَى عليه السلام وَقَدَّرَ غَيْبَتَهُ تَقْدِيرَ
غَيْبَةِ عِيسَى عليه السلام وَقَدَّرَ إِبْطَاءَهُ تَقْدِيرَ إِبْطَاءِ نُوحٍ عليه السلام وَجَعَلَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عُمَرَ
الْعَبْدِ الصَّالِحِ أَغْنِي الْخَضِرَ دَلِيلًا عَلَى عُمُرِهِ.

گفتیم: افتخار بدهید و ما را هم در مقداری از آنچه می‌دانید شریک
بفرمایید.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند در قائم ما سه خصلت از سه پیامبر الهی
را جاری می‌سازد: ولادتش را همانند ولادت موسی، غیبت او را همانند
غیبت عیسی و تأخیرش را همانند تأخیر نوح و طولانی بودن عمر عبد
صالح؛ یعنی خضر را دلیل بر طول مدت عمر قائم علیه السلام قرار داده است.

فَقُلْتُ: اكْشِفْ لَنَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَنْ وُجُوهِ هَذِهِ الْمَعَانِي؟

گفتم: برایمان بیشتر توضیح بفرمایید.

آن حضرت نیز به تفصیل جریان موسی و نوح و عیسی را بیان کرد، به این‌که
فرعون چون جریان موسی را فهمیده بود، شروع کرد به بازرسی زنان حامله
و کشتن پسران بنی اسرائیل... سپس امام فرمود:

كَذَلِكَ بَنُو أُمِّيَّةَ وَبَنُو الْعَبَّاسِ لَمَّا وَقَفُوا عَلَى أَنَّ زَوَالَ مُلْكِهِمْ وَالْأَمْرَاءِ

وَالجَبَابِرَةِ مِنْهُمْ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا نَاصِبُونَا الْعَدَاوَةَ وَوَضَعُوا سُيُوفَهُمْ فِي
قَتْلِ آلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَإِبَادَةَ نَسْلِهِ طَمَعًا مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى قَتْلِ

الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَا أَبَى اللَّهِ أَنْ يَكْشِفَ أَمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنَ الظَّلَمَةِ إِلَى أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ...
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

بنی امیه و بنی عباس نیز وقتی فهمیدند که سرنگونی سلطنت حاکمان و ظالمان ایشان به دست قائم ما خواهد بود، به دشمنی با ما اصرار کردند و برای کشتار اهل بیت رسول خدا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و قطع نسل آن جناب شمشیر کشیدند، به امید این که حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ را نیز به قتل برسانند؛ اما غافل از این که خداوند هرگز امر خود را برای کسی از ظالمان ظاهر نخواهد ساخت، تا آن گاه که نور الهی به تمام و کمال خود برسد؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد غیبت عیسی و شبهه در قتل و صلیب ایشان نیز توضیح دادند و سپس فرمودند:

كَذَلِكَ غَيْبَةُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ الْأُمَّةَ تُنْكِرُهَا لِطُولِهَا فَمِنْ قَائِلٍ بِغَيْرِ هُدَى
بِأَنَّهُ لَمْ يُولَدْ وَقَائِلٍ يَقُولُ إِنَّهُ وُلِدَ وَمَاتَ وَقَائِلٍ يَكْفُرُ بِقَوْلِهِ إِنَّ حَادِي
عَشْرًا كَانَ عَقِيمًا وَقَائِلٍ يَمُرُقُ بِقَوْلِهِ إِنَّهُ يَتَعَدَّى إِلَى ثَالِثِ عَشَرَ فَصَاعِدًا
وَقَائِلٍ يَعْصِي اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِقَوْلِهِ إِنَّ رُوحَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْطِقُ فِي هَيْكَلِ غَيْرِهِ.

در مورد قائم ما نیز به جهت طولانی شدن آن، برخی ها انکار خواهند کرد، آنان که هدایت نیافته اند می گویند هنوز متولد نشده یا متولد شده و از دنیا رفته، بعضی هم سخن کفرآمیز می گویند که امام یازدهم عقیم بوده، برخی هم قائل به بیش از سیزده امام می شوند و عده ای هم در معصیت خدا می گویند روح قائم در شخص دیگری حلول کرده و سخن می گوید.

امام صادق علیه السلام در مورد طولانی شدن عمر نوح علیه السلام و تبلیغ وی و درخواست عذاب برای قومش و نیز تأخیر عذاب آنان توضیح داد: تا کافران محض و مؤمنان خالص از یکدیگر مشخص شوند، آن‌گاه در شباهت امام زمان علیه السلام به آن جناب فرمود:

وَ كَذَلِكَ الْقَائِمُ علیه السلام تَمْتَدُّ أَيَّامُ غَيْبَتِهِ لِيُصْرِّحَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ وَيَصْفُوَ
الْإِيمَانَ مِنَ الْكَدْرِ بِازْتِدَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طِينَتُهُ خَبِيثَةً مِنَ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ
يُخْشَى عَلَيْهِمُ النِّفَاقُ إِذَا أَحْسَوْا بِالِاسْتِخْلَافِ وَالْتَمَكِينِ وَالْأَمْنِ الْمُنْتَشِرِ
فِي عَهْدِ الْقَائِمِ علیه السلام.

قائم ما نیز چنین است؛ چرا که ایام غیبت آن حضرت طولانی می‌شود، تا زمانی که حق خالص و ایمان صاف از غیر آن مشخص شود و هر کسی از شیعیان که ناخالص است از آن بیرون رود، آنان که ممکن است اگر خلافت و حکومت و امنیت زمان قائم علیه السلام را ببینند دچار نفاق گردند.»

وَ أَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْخَضِرُ علیه السلام؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا طَوَّلَ عُمُرَهُ
لِنُبُوءَةِ قَدَرِهَا لَهُ وَلَا لِكِتَابٍ يُنَزَّلُهُ عَلَيْهِ وَلَا لِشَرِيعَةٍ يَنْسَخُ بِهَا شَرِيعَةَ مَنْ
كَانَ قَبْلَهَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَلَا لِإِمَامَةٍ يُلْزَمُ عِبَادَهُ الْإِقْتِدَاءَ بِهَا وَلَا لِطَاعَةٍ يَفْرِضُهَا
لَهُ بَلَى إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا كَانَ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ أَنْ يَقْدَرَ مِنْ عُمُرِ
الْقَائِمِ علیه السلام فِي أَيَّامِ غَيْبَتِهِ مَا يَقْدَرُ وَعَلِمَ مَا يَكُونُ مِنْ إِنْكَارِ عِبَادِهِ بِمِقْدَارِ
ذَلِكَ الْعُمُرِ فِي الطُّوْلِ طَوَّلَ عُمَرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ أَوْجَبَ ذَلِكَ
إِلَّا لِعِلَّةِ الْإِسْتِدْلَالِ بِهِ عَلَى عُمُرِ الْقَائِمِ علیه السلام وَلِيَقْطَعَ بِذَلِكَ؛^۱

۱. غیبت طوسی، ص ۱۶۷ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲.

اما در مورد حضرت خضر علیه السلام؛ خداوند متعال عمر او را نه به جهت نبوت و رسالت طولانی کرد و نه به سبب نزول کتاب آسمانی بود، نه به خاطر شریعتی که بخواهد به وسیله آن شریعت انبیا گذشته را نسخ کند، نه به علت امانتی که بخواهد بندگانش را ملزم به اقتدای او کند و نه به جهت اطاعتی که برای او واجب کرده باشد؛ بلکه چون خداوند متعال در علم ازلی و ابدی خود می دانست که قضا و تقدیر بر طولانی شدن عمر امام زمان علیه السلام در ایام غیبت خواهد گذشت و نیز می دانست که به جهت طولانی شدن عمر قائم علیه السلام برخی از بندگان به انکار خواهند افتاد، عمر حضرت خضر علیه السلام را بدون علت طولانی کرد تا بر طولانی شدن عمر قائم علیه السلام استدلال کند و به این وسیله عذر منکران را قطع نماید.

فصل هشتم:

فرج و انتظار

فضیلت انتظار فرج چیست؟

اجر مجاهدان جنگ بدر و احد بیشتر است یا منتظران ظهور امام زمان علیه السلام؟

این سؤالی است که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شده است؛ چنان که در کتاب

غیبت شیخ طوسی آمده، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود:

«سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ.

قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَأُحُدٍ وَحُنَيْنٍ وَنَزَلَ فِيْنَا

الْقُرْآنُ!

فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا [تُحَمَّلُونَ] لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ»؛^۱

«به زودی مردمی خواهند آمد که ثواب کار هر یک از آنان برابر پنجاه

نفر شماست.

اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا! یعنی از ما که در جنگ بدر

و احد و حنین به همراه شما بودیم و قرآن هم در بین ما نازل شده است؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر وظیفه‌ای که به عهده آنان گذاشته‌اند به

۱. غیبت طوسی، ص ۴۵۶ / منتخب الانوار، ص ۲۵ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

عهده شما گذاشته شود و اگر به بلاها و امتحانات آن دچار شوید توانایی و صبر آنان را نخواهید داشت».

پاداش کسی که در حال انتظار بمیرد چیست؟

در کتاب محاسن برقی نقل شده که از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: اجر و ثواب کسی که در حالت انتظار این امر مرده باشد، چیست؟ آن حضرت فرمودند:

«هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ.

ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً، ثُمَّ قَالَ: هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»؛^۱

«او به منزله کسی است که به همراه قائم و در خیمه آن حضرت باشد.

امام اندکی سکوت کرده، سپس فرمودند:

بلکه او همانند کسی است که به همراه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است».

رابطه فرج و انتظار چیست؟

حسن بن جهم می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: در مورد فرج توضیحی

بفرمایید؟

آن حضرت فرمودند: مگر نمی‌دانی که انتظار فرج نیز خودش فرج است؟

عرض کردم: من که چیزی نمی‌دانم، هر چه شما بفرمایید.

امام علیه السلام فرمود: آری انتظار فرج نیز خودش نوعی از فرج است.^۲

۱. محاسن، ج ۱، ص ۱۷۳ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۲. غیبت شیخ طوسی، حدیث ۴۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

انتظار یعنی جهاد

عبدالحمید واسطی به امام باقر علیه السلام عرض کرده است:

خدا به شما خیر دهد، به خدا قسم که ما کارها و بازارمان را به خاطر انتظار این امر تعطیل کردیم، به گونه‌ای که نزدیک است گدا و دست به دامن دیگران شویم.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«يَا عَبْدَ الْحَمِيدِ! أَ تَرَى مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا بَلَى وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا، رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَيْنَا، رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا.

قَالَ قُلْتُ: فَإِنْ مِتُّ قَبْلَ أَنْ أُدْرِكَ الْقَائِمُ؟

فَقَالَ: الْقَائِلُ مِنْكُمْ إِنْ أُدْرِكْتُ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ نَصْرَتُهُ كَالْمُقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ وَالشَّهِيدُ مَعَهُ لَهُ شَهَادَتَانِ»؛^۱

«ای عبدالحمید! آیا فکر می‌کنی کسی که خودش را وقف خدا کرده خداوند برای او فرجی نمی‌رساند؟! آری؛ به خدا قسم که خدا برایش فرج و گشایش عنایت می‌فرماید. خدا رحمت کند کسی را که خودش را وقف ما کند، خدا رحمت کند کسی را که امر ما را احیا نماید.

پرسیدم: اگر قبل از درک و ظهور قائم بمیرم چنی؟

امام فرمود: هر کسی از شما که بگوید: «اگر قائم آل محمد را درک کنم

۱. کافی، ج ۸، ص ۸۰ / محاسن، ج ۱، ص ۱۷۳ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶ / صراط مستقیم، ج ۲، ص ۲۶۲.

او را یاری خواهم کرد» این مانند کسی است که به همراه او جنگ کرده (حتی اگر قبل از ظهور بمیرد) و کسی هم که همراه آن حضرت به شهادت برسد، ثواب دو شهید دارد».

برادران پیامبر چه اوصافی دارند؟

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

در یکی از روزها که عده‌ای از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خدمت ایشان بوده‌اند آن جناب دو بار فرموده‌اند:

«اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي»؛ «خدا یا برادرانم را به من برسان».

اصحاب پیامبر عرض می‌کنند: مگر ما برادران شما نیستیم ای رسول خدا؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«لَا، إِنَّكُمْ أَصْحَابِي، وَإِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، آمَنُوا وَلَمْ يَرَوْنِي، لَقَدْ عَرَّفْنَاهُمُ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ، لِأَحَدُهُمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الغَضَا، أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، يُنَجِّيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ»؛^۱

«خیر، شما اصحاب و یاران من هستید، اما برادران من کسانی‌اند که در آخر الزمان می‌آیند، مرا نمی‌بینند اما به من ایمان می‌آورند. خداوند متعال آنان را با نام خودشان و نام پدرانشان به من معرفی فرموده است قبل از

آنکه از نسل پدرانشان و از رحم مادرانشان بیرون بیایند. هر کدام از آنان نسبت به دین خودش پایدارتر است از کشیدن تیغ‌های خشن و تیز، در شب تاریک، یا مانند کسی است که اخگر درخت غضا را در دستش نگه دارد؛ آنان همانند چراغی در شب تاریک هستند، خداوند ایشان را از فتنه‌های تیره و تاریک نجات خواهد داد».

برترین عبادت کدام است؟

سؤال بعدی از عمار سبابلی است که در مورد مقایسه زمان حضور و دولت امام و زمان تقیه یا غیبت معصوم، از امام صادق علیه السلام پرسیده است. وی می‌گوید به آن جناب عرض کردم: آیا عبادتی که همراه با امامی از شما که در دولت باطل، غایب و مستتر است، برتر است یا عبادت در زمان ظهور و حضور امامی از شما؟

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«يَا عَمَّارُ الصَّدَقَةُ فِي السِّرِّ وَاللَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَكَذَلِكَ عِبَادَتُكُمْ فِي السِّرِّ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَرِّ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَفْضَلُ لِخَوْفِكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَحَالِ الْهُدْنَةِ مِمَّنْ يَعْبُدُ اللَّهَ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ مَعَ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَلَيْسَ الْعِبَادَةُ مَعَ الْخَوْفِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مِثْلَ الْعِبَادَةِ مَعَ الْأَمْنِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ.

اعْلَمُوا أَنَّ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً فَرِيضَةً وَخَدَانًا مُسْتَرًّا بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ

فِي وَقْتِهَا فَأَتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِهَا خَمْسًا وَعِشْرِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً
 وَخُدَائِيَّةً، وَمَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً نَافِلَةً فِي وَقْتِهَا فَأَتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ نَوَافِلَ، وَمَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ حَسَنَةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عِشْرِينَ
 حَسَنَةً وَيُضَاعِفُ اللَّهُ تَعَالَى حَسَنَاتِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ إِذَا أَحْسَنَ أَعْمَالَهُ وَدَانَ
 اللَّهُ بِالتَّقِيَّةِ عَلَى دِينِهِ وَعَلَى إِمَامِهِ وَعَلَى نَفْسِهِ وَأَمْسَكَ مِنْ لِسَانِهِ أَضْعَافًا
 مُضَاعَفَةً كَثِيرَةً إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِيمٌ.

«ای عمار! به خدا قسم صدقه نهانی بهتر از صدقه آشکار است، عبادت
 شما در نهان نیز چنین است، به همراه امامتان که در دولت باطل، غایب است،
 به جهت خوف و ترسی که از دشمنان خود و از دولت باطل دارید، این
 عبادت بهتر است از عبادتی که در حال ظهور حق و حضور امام ظاهر
 و ایجاد دولت حق باشد. پس عبادتی که در حال خوف از دولت باطل انجام
 گیرد مثل عبادت در حالت امنیت در دولت حق نخواهد بود.»

بدانید! هر یک از شما که یک نماز واجب، آن هم به صورت فردی و به
 جهت ترس از دشمن در نهان بخواند و آن را در وقت بخواند و تمام کند،
 خداوند متعال به اندازه ۲۵ نماز واجب برایش بنویسد، و اگر کسی یک نماز
 نافله در وقت بخواند و تمام کند، خداوند متعال ۱۰ نماز نافله برایش
 می نویسد و هر کسی یک حسنه و کار نیک انجام دهد خداوند ۲۰ حسنه به
 او می دهد.

اگر مؤمن کارهایش را به نیکی انجام دهد و در دین خدا تقیه را رعایت

نماید و مراقب امام و نفس خود نیز باشد و زبانش را کنترل کند، خداوند متعال حسنات وی را چند برابر، بلکه بیشتر خواهد کرد؛ زیرا خداوند بسیار کریم و بخشنده است.

قَالَ: فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَدْ رَغِبْتَنِي فِي الْعَمَلِ وَحَثَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَلَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ صِرْنَا نَحْنُ الْيَوْمَ أَفْضَلَ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَنَحْنُ وَهُمْ عَلَى دِينٍ وَاحِدٍ وَهُوَ دِينُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

فَقَالَ: إِنَّكُمْ سَبَقْتُمُوهُمْ إِلَى الدُّخُولِ فِي دِينِ اللَّهِ وَإِلَى الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَ إِلَى كُلِّ فِقْهِ وَخَيْرٍ وَإِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ سِرًّا مِنْ عَدُوِّكُمْ مَعَ الْإِمَامِ الْمُسْتَشِيرِ مُطِيعُونَ لَهُ صَابِرُونَ مَعَهُ مُنْتَظِرُونَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ خَائِفُونَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَعَلَى أَنْفُسِكُمْ مِنَ الْمُلُوكِ تَنْظُرُونَ إِلَى حَقِّ إِمَامِكُمْ وَحَقِّكُمْ فِي أَيْدِي الظُّلْمَةِ قَدْ مَنَعُوكُمْ ذَلِكَ وَاضْطَرُّوكُمْ إِلَى جَذْبِ الدُّنْيَا وَطَلَبِ الْمَعَاشِ مَعَ الصَّبْرِ عَلَى دِينِكُمْ وَعِبَادَتِكُمْ وَطَاعَةِ رَبِّكُمْ وَالْخَوْفِ مِنْ عَدُوِّكُمْ فَبِذَلِكَ ضَاعَفَ اللَّهُ أَعْمَالَكُمْ فَهَنِيئًا لَكُمْ هَنِيئًا.

عرض کردم: فدایتان شوم! مرا به عمل و عبادت ترغیب و به آن تشویق نمودید، لکن دوست دارم بدانم چطور عبادت ما افضل است از عبادت اصحاب امامی که در دولت حق است، در حالی که همه بر دین واحد هستیم و آن هم دین خداوند متعال است؟

فرمود: شما نسبت به آنان زودتر به دین اسلام وارد شدید، شما نماز و روزه و حج را زودتر به جا آورید، شما زودتر به هر نوع علم و فقه

و خیری وارد شدید، شما زودتر به عبادت خداوند مشغول شدید، آن هم عبادت پنهانی به جهت ترس از دشمنان، همراه با امام خود که در حال تقیه است. شما مطیع امام خود هستید، به همراه او صبر می‌کنید و در انتظار برپایی دولت حق هستید، بر جان امام خود و بر جان خودتان از حاکمان جور نگران هستید، شما حق خود و حق امام خود را در دست ظالمان می‌بینید که چگونه شما را از آن منع کردند و شما را برای طلب معاش دنیایی به اضطرار و زحمت انداختند. البته شما هم بر دین و عبادت خود و اطاعت پروردگارتان و ترس از دشمنانتان صابر هستید. به همین سبب خداوند نیز پاداش اعمال شما را مضاعف می‌گرداند، پس گوارای شما باد!

قَالَ: فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَا نَتَمَنَّى إِذَا أَنْ نَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَنَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ وَطَاعَتِكَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَعْمَالِ أَصْحَابِ دَوْلَةِ الْحَقِّ.

فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظْهِرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَقَّ وَالْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَيُحْسِنَ حَالَ عَامَّةِ النَّاسِ وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُؤَلِّفَ بَيْنَ الْقُلُوبِ الْمُخْتَلِفَةِ وَلَا يُعْصِيَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَيُقَامَ جُدُودُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَيُرَدَّ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظْهِرُوهُ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ؟

أَمَّا وَاللَّهِ يَا عَمَّارُ! لَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مَيِّتٌ عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ كَثِيرٍ مِمَّنْ شَهِدَ بَدْرًا وَأُحُدًا فَأَبْشِرُوا! ^۱

می‌گوید گفتم: فدایتان شوم! پس بنا بر فرمایش شما، نباید آرزو کنیم که از اصحاب قائم علیه السلام و در زمان ظهور حاکمیت حق باشیم؛ چون اکنون در امامت و اطاعت شما هستیم و اعمال ما برتر از اعمال اصحاب دولت حق است؟

امام فرمود: سبحان الله! عجب! آیا دوست ندارید که خداوند متعال، حق و عدل را در تمام شهرها ظاهر گرداند و حال تمام مردم نیکو گردد و وحدت کلمه را ایجاد نماید و بین قلب‌های متفرق، الفت و محبت برقرار کند، و کسی در روی زمین گناه نکند و حدود الهی اقامه شود و حق به صاحب آن برگردد و آنان نیز آن را اظهار نموده؛ به گونه‌ای که هیچ چیزی از حق به جهت ترس از کسی مخفی نماند؟

آگاه باش، ای عمار! به خدا قسم! هیچ یک از شما در این حالی که دارد نمی‌میرد مگر این که نزد خداوند متعال بهتر است از بسیاری از کسانی که در جنگ بدر و أحد حاضر بودند، پس مژده باد بر شما!»

باید منتظر باشید!

حال که بنا بر مصالحی قرار است امام زمان علیه السلام در پس پرده غیبت باشند، مسلمانان وظیفه دارند که در انتظار ظهور و فرج آن حضرت باشند؛ یعنی هر لحظه منتظر باشند تا او بیاید و جهان را اصلاح نماید؛ البته این انتظار نیز از بزرگ‌ترین عبادات شمرده شده است. ابوبصیر می‌گوید: روزی امام صادق علیه السلام به یاران خود فرمود:

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ»؛

«آیا به شما خبر دهم چیزی را که خداوند متعال هیچ عمل بندگان را جز

به خاطر آن قبول نمی‌کند؟»

گفتم: بفرمایید.

فرمود: «شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالْإِقْرَارُ بِمَا

أَمَرَ اللَّهُ وَالْوَلَايَةَ لَنَا وَالْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي أُمَّةَ [الْأُمَّةَ] خَاصَّةً

وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ وَالْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالطَّمَأْنِينَةَ وَالْإِنْتِظَارَ لِلْقَائِمِ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ.

ثُمَّ قَالَ: مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَتَنَبَّهْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ

وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ

مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَذْرَكَهُ فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ»؛^۱

«شهادت به یگانگی خداوند و این که محمد ﷺ بنده و رسول خداست

و اقرار به آنچه که خداوند امر فرموده، و به ولایت ما و بیزاری از دشمنان

ما خاندان، و تسلیم آنان بودن، و ورع و دوری از گناه و تلاش در راه خدا

و اطمینان قلب و انتظار فرج امام زمان عجل الله فرجه.

سپس فرمود: برای ما دولتی است که هرگاه خداوند بخواهد آن را

خواهد آورد.

آن‌گاه فرمود: هر کسی دوست دارد از اصحاب قائم باشد باید به انتظار

قائم باشد و باید به ورع و محاسن اخلاق پردازد؛ در حالی که منتظر است.

پس اگر قبل از ظهور بمیرد و آن‌گاه قائم ما قیام نماید، برایش به اندازه اجر کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده باشد. پس تلاش و کوشش کنید و در انتظار باشید، گوارایتان باد، ای گروه و امت مرحومه!»

فرج چه موقع است؟

عبدالاعلی فرزند حصین ثقلینی از قول پدرش نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام را در حج زیارت کردم، و به آن جناب عرض کردم:
سنّ من زیاد شده و پیر شده‌ام، نمی‌دانم آیا بار دیگر افتخار ملاقات شما نصیب من می‌شود یا نه، مطلبی به من بفرمایید و این‌که فرج چه موقع خواهد شد؟
امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الشَّرِيدَ الطَّرِيدَ الْفَرِيدَ الْوَحِيدَ الْفَرْدَ مِنْ أَهْلِهِ الْمَوْتُورَ بِوَالِدِهِ
الْمُكْنَى بِعَمِّهِ هُوَ صَاحِبُ الرَّايَاتِ وَاسْمُهُ اسْمُ نَبِيِّ.
فَقُلْتُ: أَعِدْ عَلَيَّ. فَدَعَا بِكِتَابٍ أَدِيمٍ أَوْ صَحِيفَةٍ فَكَتَبَ فِيهَا:»^۱
«آن تنهای رانده شده از اهل و وطن خود که انتقام پدرش نیز گرفته
نشده و او که کنیه عمویش را دارد، او صاحب پرچم‌هاست و همان که نامش
به اسم پیامبر است.

گفتم: بار دیگر بفرماید.

پس فرمود تا دفتر و قلمی آوردم و در آن نوشت.»

فرج سریع و نزدیک است

ابوجارود می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: فدایتان شوم! در مورد صاحب الامر به من خبری بفرماید.

امام فرمود:

«يُمَسِّي مِنَ أَخْوَفِ النَّاسِ وَيُصْبِحُ مِنْ آمَنِ النَّاسِ يُوحَى إِلَيْهِ هَذَا الْأَمْرُ لَيْلَهُ وَنَهَارَهُ.»

قال: قُلْتُ: يُوحَى إِلَيْهِ يَا بَا جَعْفَرٍ؟

قال: يَا بَا جَارُودٍ إِنَّهُ لَيْسَ وَحْيِ نُبُوءَةٍ وَلَكِنَّهُ يُوحَى إِلَيْهِ كَوَحْيِهِ إِلَى مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَإِلَى أُمِّ مُوسَى وَإِلَى النَّخْلِ يَا بَا الْجَارُودِ إِنَّ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ لَأَكْرَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَأُمِّ مُوسَى وَالنَّخْلِ؛^۱

«شب می کند در حالی که از همه بیشتر (از احوال مردم) می ترسد؛ ولی صبح می کند در حالی که از همه ایمن تر است، این مطلب در شب و روز به او وحی می شود.»

گفتم: آیا به ایشان هم وحی می شود؟

فرمود: این وحی نبوت نیست؛ بلکه از آن نوع وحی ای است که به مریم دختر عمران (مادر عیسی) و مادر موسی می شد؛ حتی به زنبور عسل هم وحی می شود. ای ابا جارود! یقیناً قائم آل محمد علیهم السلام نزد خداوند متعال گرامی تر است از دختر عمران و مادر موسی و زنبور عسل!«.

فصل نهم:

علائم و نشانه‌های ظهور

نشانه‌های پنجگانه ظهور چیست؟

در مورد این که ظهور چه موقع خواهد بود و چه نشانه‌هایی دارد نیز از مواردی است که از همان ابتدا مورد توجه و سؤال اصحاب واقع شده است. این سؤال را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام پرسیده است، وی می‌گوید: به آن حضرت عرض کردم: فدایتان شوم! ظهور قائم چه موقع خواهد بود؟

آن جناب فرموده‌اند:

«يَا بَا مُحَمَّدٍ! إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا نُوقَّتُ وَقَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ.
يَا بَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ خَمْسَ عِلَامَاتٍ: أَوْلُهُنَّ النَّدَاءُ فِي شَهْرِ
رَمَضَانَ وَخُرُوجُ الشُّفْيَانِيِّ وَخُرُوجُ الْخُرَّاسَانِيِّ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَخَسْفُ
بِالْبَيْدَاءِ.»

ثُمَّ قَالَ: يَا بَا مُحَمَّدٍ! إِنَّهُ لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ ذَلِكَ الطَّاعُونَ: الطَّاعُونَ
الْأَبْيَضُ وَالطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّ شَيْءٍ الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ وَأَيُّ شَيْءٍ الطَّاعُونَ
الْأَحْمَرُ؟

قَالَ: الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ الْمَوْتُ الْجَادِفُ وَالطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَلَا
يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يُنَادَى بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ السَّمَاءِ فِي لَيْلَةٍ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ

فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةَ جُمُعَةٍ.

قُلْتُ: بِمَ يُنَادَى؟

قَالَ: بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ؛ أَلَا إِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوهُ فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا سَمِعَ الصَّيْحَةَ فَتَوَقَّظُ النَّائِمَ وَيَخْرُجُ إِلَى صَحْنِ دَارِهِ وَتَخْرُجُ الْعَذْرَاءُ مِنْ خَدْرِهَا وَيَخْرُجُ الْقَائِمُ مِمَّا يَسْمَعُ وَ هِيَ صَيْحَةُ جِبْرِئِيلَ عليه السلام؛^۱

«ای ابامحمد! ما خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وقت تعیین نمی‌کنیم، و آن حضرت

نیز فرموده است: وقت گذاران دروغ گو هستند.

ای ابامحمد! قبل از ظهور قائم پنج علامت و نشانه خواهد بود، اولین

آنان ندا در ماه رمضان است، بعد خروج سفیانی، سپس خروج خراسانی

دیگری قتل نفس زکیه، و آنگاه فرو رفتن در سرزمین بیداء.

امام صادق علیه السلام سپس فرمود: ای ابامحمد! قبل از ظهور دو طاعون حتمی

است: یکی طاعون سفید و دیگری طاعون قرمز.

گفتم: فدایتان شوم! طاعون سفید چیست و طاعون قرمز کدام است؟

فرمود: طاعون سفید، مرگ‌های سریع و ناگهانی است و طاعون قرمز،

مرگ با شمشیر است. قائم ظهور نمی‌کند مگر این‌که به اسم آن حضرت از

آسمان ندا داده شود، در شب ۲۳ ماه رمضان، و در شب جمعه.

عرض کردم: به چه چیزی ندا می‌دهند؟

فرمود: به اسم خودش و به اسم پدرش؛ این‌گونه: آگاه باشید ای اهل دنیا!

همانا فلانی پسر فلانی، قائم آل محمد است، حرف او را گوش کنید و اطاعت نمایید. پس هیچ جاننداری نیست که خداوند آن را خلق کرده باشد؛ مگر این که آن صدا و ندا را خواهد شنید.

پس آنان که خواب باشند بیدار می‌شوند و به حیاط خانه می‌آیند، حتی دختران دوشیزه نیز از پشت پرده بیرون می‌آیند. به سبب همین صداست که قائم نیز ظهور خواهد کرد. و این صدای جبرئیل است.»

نشانه‌های قبل از ظهور چیست؟

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«إِنَّ لِقِيَامِ الْقَائِمِ عِلَامَاتٍ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ»؛

«برای قیام قائم علیه السلام علامات و نشانه‌هایی است که خداوند آنها را برای

مؤمنان قرار داده است.»

عرض کردم: فدایتان شوم! آن علامت‌ها و نشانه‌ها چیست؟

فرمود:

«قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِعَنِي الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام

بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمَرَاتِ وَبَشْرِ

الصَّابِرِينَ قَالَ نَبَلُوهُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ مِنْ مَلُوكِ بَنِي فُلَانٍ فِي آخِرِ

سُلْطَانِهِمْ وَالْجُوعِ بِغَلَاءِ أَسْعَارِهِمْ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ قَالَ كَسَادُ الشَّجَارَاتِ

وَقِلَّةُ الْفَضْلِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَنْفُسِ قَالَ مَوْتُ ذَرِيعٍ وَنَقْصٍ مِنَ الشَّمَرَاتِ قِلَّةُ

رَيْعٍ مَا يُزْرَعُ وَبَشْرِ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ.

ثُمَّ قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! هَذَا تَأْوِيلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: ^۱ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ: ^۲

«این که خداوند می‌فرماید: لنبلونکم یعنی شما را امتحان می‌کنیم منظور مؤمنان هستند که قبل از قیام امام زمان علیه السلام به ترس و گرسنگی و کمبود اموال و اولاد و میوه‌ها امتحان می‌گردند، و فرمود: یعنی شما را به ترس از فلان پادشاهان در آخر حکومتشان و با گرسنگی به جهت گرانی و کمبود اموال به سبب کسادی تجارت و سودکم، امتحان می‌کنیم، و به نقص در جان‌ها که به علت مرگ‌های ناگهانی پیش می‌آید و با کمبود میوه‌ها که به سبب کمی زراعت و عدم برکت رخ می‌دهد، امتحان می‌کنیم.

در این هنگام آنان را که بر این مصایب صبر می‌کنند به تعجیل در فرج مژده بده.

سپس به من فرمود: ای محمد! این تأویل این آیه است که خداوند می‌فرماید: و تأویل آن را نمی‌دانند؛ مگر خداوند و آنان که راسخ در علم هستند.»

نشانه‌های حتمی ظهور

ثمالی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که امام باقر علیه السلام می‌فرمود: خروج سفیانی از امور حتمی است. امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. سوره آل عمران، آیه ۷.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۹ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۲.

«نَعَمْ وَاخْتِلَافٌ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَخُرُوجُ الْقَائِمِ عليه السلام مِنَ الْمَحْتُومِ»؛

«آری، هم آن از امور حتمی است و هم اختلاف بنی عباس و هم قتل نفس زکیه و نیز ظهور قائم علیه السلام از امور حتمی است.»

عرض کردم: پس ندا چگونه خواهد بود؟

فرمود: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ، ثُمَّ يُنَادِي إِبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ فِي آخِرِ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي السُّفْيَانِيِّ وَشِيعَتِهِ؛ فَيَرْتَابُ عِنْدَ ذَلِكَ الْمُبْطِلُونَ»؛^۱

«منادی در اول روز از آسمان ندا می‌دهد: آگاه باشید که حق با «علی» و شیعیان اوست. شیطان نیز در آخر روز ندا می‌دهد: بدانید که حق با سفیانی و یاران اوست. در این هنگام باطل‌گرایان به شک و تردید می‌افتند.»

نشانه‌های بی سابقه و بی نظیر

در مورد نشانه‌هایی که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام واقع می‌شود، بدر بن خلیل ازدی می‌گوید: دو نمونه آن را امام صادق علیه السلام چنین بیان می‌فرماید:

«آيَاتَانِ تَكُونَانِ قَبْلَ الْقَائِمِ لَمْ يَكُونَا [تَكُونَا] مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ عليه السلام إِلَى الْأَرْضِ: تَنْكَسِفُ الشَّمْسُ فِي النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْقَمَرُ فِي آخِرِهِ. فَقَالَ الرَّجُلُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! تَنْكَسِفُ الشَّمْسُ فِي آخِرِ الشَّهْرِ وَالْقَمَرُ فِي النُّصْفِ؟»

۱. غیبت طوسی، ص ۴۵۴ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶ / کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنِّي لَأَعْلَمُ بِمَا تَقُولُ وَلَكِنَّهُمَا آيَتَانِ لَمْ يَكُونَا [تَكُونَا] مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ عليه السلام؛^۱

«دو آیت و نشانه مهم قبل از ظهور قائم خواهد بود که از ابتدای فرود آدم به زمین چنین نشانه‌هایی رخ نداده است: یکی این که در نیمه ماه رمضان کسوف رخ می‌دهد و دیگر این که در آخر آن ماه نیز خسوف می‌شود. سؤال کردند: ای فرزند رسول خدا! معمولاً کسوف خورشید در آخر ماه است و خسوف ماه در وسط ماه است.»

امام عليه السلام فرمود: می‌دانم چه می‌گویی، ولی این‌ها دو آیت و نشانه‌ای است که از ابتدای فرود آدم از آسمان به زمین، تا کنون اتفاق نیفتاده است.»

نشانه‌هایی دیگر

نشانه‌های قبل از ظهور از مواردی است که ذهن همه را مشغول کرده است لذا حسن بن جهم می‌گوید: مردی خدمت امام ابوالحسن عليه السلام رسید و در مورد فرج سؤال کرد. امام فرمود: کم می‌خواهی یا زیاد؟ عرض کرد: به اجمال بفرمایید.

امام فرمود: «إِذَا تَحَرَّكَتْ رَايَاتُ قَيْسٍ بِمِصْرَ وَرَايَاتُ كِنْدَةَ بِخُرَّاسَانَ؛ أَوْ ذَكَرَ غَيْرَ كِنْدَةَ»؛^۲

«آن‌گاه که پرچم‌های قیس در مصر به حرکت درآیند و پرچم‌های کنده

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳ / غیبت طوسی، ص ۴۴۴.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۴ / ارشاد، ج ۲، ص ۳۷۶ / غیبت طوسی، ص ۴۴۸.

نیز در خراسان افراشته شود». راوی گوید: شاید هم غیر کننده گفت.

نشانه‌ها و پیش‌گویی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: در حجة الوداع که آخرین حج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، من هم حاضر بودم، وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله اعمال حج را به پایان برد، جهت وداع نزد کعبه آمد و حلقه درب کعبه را گرفت و با صدای بلند فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ!»؛ ای مردم!

همه اهل مسجد و بازار با صدای آن حضرت در مسجد اجتماع کردند.

آن‌گاه فرمود:

«اسْمَعُوا إِنِّي قَائِلٌ مَا هُوَ بَعْدِي كَائِنٌ فَلْيُبَلِّغْ شَاهِدُكُمْ غَائِبِكُمْ»؛

«گوش کنید که امروز خواهم گفت در آینده چه اتفاق خواهد افتاد،

پس حاضرین به غائبین برسانند.»

بعد پیامبر صلی الله علیه و آله گریه کرد به گونه‌ای که همه مردم از گریه آن حضرت به گریه

افتادند، وقتی از گریه ساکت شد، فرمود:

«اعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنْ مَثَلَكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ كَمَثَلِ وَرَقٍ لَا شَوْكَ فِيهِ

إِلَى أَرْبَعِينَ وَمِائَةٍ سَنَةٍ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ وَوَرَقٌ إِلَى مِائَتِي سَنَةٍ

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ لَا وَرَقَ فِيهِ حَتَّى لَا يُرَى فِيهِ إِلَّا سُلْطَانٌ جَائِرٌ

أَوْ غَنِيٌّ بَخِيلٌ أَوْ عَالِمٌ مُرَاغِبٌ فِي الْمَالِ أَوْ فَقِيرٌ كَذَّابٌ أَوْ شَيْخٌ فَاجِرٌ أَوْ

صَبِيٌّ وَقَحٌ أَوْ امْرَأَةٌ رَعْنَاءٌ»؛^۱

«ای مردم! خدا شما را رحمت کند، بدانید! مثل شما در این روز و زمان تا ۱۴۰ سال بعد از این، مثل برگی باشد که خار ندارد (مشکل آن چنانی ندارید)، پس از آن تا ۲۰۰ سال هم برگ است و هم خار می‌باشد (گاه خوشی و راحتی است و گاه سختی و مشقت)، سپس خار است و بدون برگ (همه‌اش زحمت و مشقت است و زمان استراحت نیست)؛ به گونه‌ای که دیده نمی‌شود در آن، مگر حاکم ظالم یا ثروتمند بخیل یا عالمی که تشنه ثروت است و یا گدای دروغگوست یا پیر مرد گناهکار، یا بچه بی‌ادب و زن بی‌خرد»

آیا پیش‌بینی‌ها واقع شده است؟

از علی بن یقطین نقل شده که به امام کاظم علیه السلام عرض کرد:

چطور است که هرچه از پیش‌بینی‌ها و فتنه‌ها در مورد شما گفته شده روی

نداده؛ اما هر آنچه در مورد دشمنان شما گفته شده صحیح در آمده است؟

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الَّذِي خَرَجَ فِي أَعْدَائِنَا كَانَ مِنَ الْحَقِّ فَكَانَ كَمَا قِيلَ وَأَنْتُمْ عُلَّيْتُمْ

بِالْأَمَانِيِّ فَخَرَجَ إِلَيْكُمْ كَمَا خَرَجَ»؛^۱

«آنچه را هم که در مورد دشمنان ما گفته شده نیز از جانب حق بوده

است لذا همان طور که گفته شده به وقوع پیوسته است. در مورد شما نیز به

جهت انتظار و آرزو و امید گفته شده و این نیز همان‌گونه که گفته شده به

وقوع پیوسته است و شما هم در حال انتظار و آرزو می‌باشید».

پیش‌گویی و خبر امام حسین علیه السلام چه بود؟

عبدالله بن شریک در یک حدیث طولانی نقل کرده که روزی امام حسین علیه السلام به گروهی از بنی امیه عبور می‌کرد که در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله گرد هم جمع شده بودند، حضرت در آن جمع فرمود:

«أَمَّا وَاللَّهِ لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ مِنِّي رَجُلًا يَقْتُلُ مِنْكُمْ أَلْفًا
وَمَعَ الْأَلْفِ أَلْفًا وَمَعَ الْأَلْفِ أَلْفًا»؛

«آگاه باشید! به خدا قسم که هر آینه دنیا تمام نخواهد شد تا این که خداوند از نسل من مردی را برانگیزد که از شما هزار نفر را بکشد و پس از آن نیز هزار هزار نفر دیگر».

عرض کردم: فدایتان شوم! اینان فرزندان فلان و فلان هستند و تعدادشان به این همه نمی‌رسد.

امام حسین علیه السلام فرمود:

«وَيَحْكُ إِنِّي فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَكُونُ لِلرَّجُلِ مِنْ صُلْبِهِ كَذَا وَكَذَا رَجُلًا
وَإِنَّ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»؛^۱

«خدا خیرت دهد! در آن زمان از هر مردی مردان بسیاری بیرون خواهند آمد و بزرگ آنان هم از خودشان خواهد بود».

ظلم و فساد همه جا را فرا می‌گیرد

در مورد ظلم و فساد که در آخرالزمان و قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴ / غیبت طوسی، ص ۱۹۰.

روی می‌دهد احادیث فراوانی آمده است.

در حدیثی امام صادق و امام باقر علیهما السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که آن حضرت فرمودند:

كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَ نِسَاؤُكُمْ وَفَسَقَ شُبَّانُكُمْ وَلَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

فَقِيلَ لَهُ: وَيَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ صلی الله علیه و آله: نَعَمْ وَشَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَيَكُونُ ذَلِكَ؟

قَالَ صلی الله علیه و آله: نَعَمْ وَشَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَالْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؛^۱

چگونه خواهید بود آن‌گاه که زنان شما فاسد و جوانانتان فاسق گردند، شما هم امر به معروف و نهی از منکر نکنید.

به آن حضرت گفته شد: یعنی این چنین خواهد شد، ای رسول خدا؟
فرمود: آری و بدتر از این، چگونه خواهید بود آن‌گاه که امر به بدی کنید و از خوبی نهی کنید؟

گفته شد: ای رسول خدا یعنی چنین خواهد شد؟
پیامبر فرمود: آری و بدتر از این، آن‌گاه که معروف را بد بدانید و منکر را خوب بیندارید.

برخی دیگر از نشانه‌ها

سؤال اول

این بار محمد بن صامت است که از امام صادق علیه السلام در مورد علامت‌ها و نشانه‌های قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام سؤال می‌کند و آن جناب می‌فرماید:

«هَلَاكُ الْعَبَّاسِيِّ وَخُرُوجُ الشُّفْيَانِيِّ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ وَ الصَّوْتُ مِنَ السَّمَاءِ.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخَافُ أَنْ يَطُولَ هَذَا الْأَمْرُ؟

فَقَالَ: لَا، إِنَّمَا هُوَ كِنِظَامِ الْخَرَزِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا»^۱

«هلاکت عباسی، خروج سفیانی، کشته شدن نفس زکیه، فرو رفتن زمین در بیداء و صدایی از آسمان.

عرض کردم: فدایتان شوم! می‌ترسم این امر خیلی طولانی شود.

فرمود: خیر، برنامه آن همانند دانه‌ها و مهره‌های تسبیح پی در پی خواهد آمد».

سؤال دوم

یعقوب بن سراج می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و پرسیدم: فرج

شیعیان شما چه موقع خواهد رسید؟

امام فرمود:

«إِذَا اِخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهَى سُلْطَانُهُمْ وَ طَمَعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵ / غیبت نعمانی، ص ۲۶۲.

يَطْمَعُ وَخَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعْيُنَهَا [جمع العنان] وَرَفَعَ كُلُّ ذِي صِيصِيَةٍ صِيصِيَتَهُ
 وَظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ وَتَحَرَّكَ الْحَسَنِيُّ خَرَجَ صَاحِبٌ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ
 الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بِتُرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.
 قُلْتُ: وَمَا تُرَاثُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؟

فَقَالَ: سَيْفُهُ وَدِرْعُهُ وَعِمَامَتُهُ وَبُرْدُهُ وَقَضِيْبُهُ وَفَرَسُهُ وَالْأُمَّتُةُ وَسَرِجُهُ؛
 «آن‌گاه که فرزندان عباس با یک‌دیگر اختلاف کنند و حکومت آنان از
 هم بپاشد و کسانی در آن طمع می‌کنند که تا آن موقع چنین جرأتی نداشتند،
 پس از آن هر کسی برای خودش پرچمی بلند می‌کند، سفیانی از یک طرف
 و یمانی از طرفی دیگر خروج می‌کنند، حسنی به حرکت درآید، آن‌گاه
 صاحب الامر از مدینه به طرف مکه می‌آید و به همراهش تراث رسول
 خدا ﷺ می‌باشد.»

عرض کردم: تراث رسول الله چیست؟

فرمود: شمشیر، زره، عمامه، عبا، چوب‌دستی، اسب، زین اسب.»

سؤال سوم

در حدیثی امام صادق علیه السلام زمان خروج سفیانی را ماه رجب اعلام می‌کنند
 چنان‌که خلاد صائغ از آن حضرت روایت کرده که فرمودند:

«السُّفْيَانِيُّ لَا بُدَّ مِنْهُ وَلَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي رَجَبٍ.»

چاره‌ای از خروج سفیانی نیست، و خروج او هم نخواهد بود مگر در ماه
 رجب. شخصی عرض کرد:

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِذَا خَرَجَ فَمَا حَالُنَا؟ قَالَ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَالْيَتْنَا»^۱

وقتی سفیانی خروج می‌کند، ما چه کنیم و حال ما چگونه است؟
امام علیه السلام فرمود: وقتی چنان شد، شما به طرف ما بیایید. (یعنی در آن زمان،
امام ظهور خواهد کرد).

سؤال چهارم

راوی این حدیث امام صادق علیه السلام است از قول امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند:
«لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُظَرَّفُ فِيهِ الْفَاجِرُ وَيُقَرَّبُ فِيهِ الْمَاجِنُ
وَيُضَعَّفُ فِيهِ الْمُتَّصِفُ».

قَالَ: فَقِيلَ لَهُ: مَتَى ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟
فَقَالَ: إِذَا اتَّخَذَتِ الْأَمَانَةُ مَغْنَمًا وَالزَّكَاةُ مَغْرَمًا وَالْعِبَادَةُ اسْتِطَالَةً وَالصَّلَاةُ
مَنًّا.

قَالَ: فَقِيلَ لَهُ: مَتَى ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟
فَقَالَ: إِذَا تَسَلَّطَنَ النِّسَاءُ وَسَلَّطَنَ الْأِمَاءُ وَأَمَرَ الصَّبِيَّانُ»^۲
«زمانی بر مردم خواهد آمد که فاجران را باهوش و زرنگ می‌شمرند
و بی‌عاران مقرب می‌شوند و افراد با انصاف ضعیف می‌گردند.

گفته شد: این چه زمانی است، ای امیرمؤمنان؟
فرمود: آن‌گاه که امانت را غنیمت و پرداخت زکات را خسارت
می‌پندارند و عبادت را عملی بی‌هوده و صلّه رحم را منت می‌دانند.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹ / غیبت نعمانی.

۲. اعلام الدین، ص ۲۲۲ / بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۵ به نقل از کافی.

گفته شد: این چه موقعی است، ای امیر مؤمنان؟

فرمود: آن‌گاه که زنان و کنیزان مسلط گردند و کودکان فرمانروا

شوند».

سؤال پنجم

خبر ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام مسأله‌ای است که از همان ابتدای صدر

اسلام با اعلام پیامبر صلی الله علیه و آله بین اصحاب، معروف و مشهور بود؛ لذا حضرت سلمان

فارسی رضی الله عنه می‌گوید: خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمدم و عرض کردم:

قائم از فرزندان شما چه موقع خواهد آمد؟

آن حضرت نفس عمیقی کشیدند و فرمودند:

«لَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَكُونَ أُمُورُ الصَّبِيَّانِ وَيَضِيعَ حُقُوقُ الرَّحْمَنِ

وَيَتَغَنَّى بِالْقُرْآنِ فَإِذَا قُتِلَتْ مُلُوكُ بَنِي الْعَبَّاسِ أُولِي الْعَمَى وَالِإِلْتِبَاسِ

أَصْحَابِ الرَّمِي عَنِ الْأَقْوَاسِ بِوُجُوهِ كَالْتَّرَاسِ وَخَرِبَتِ الْبَصْرَةُ هُنَاكَ يَقُومُ

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام»؛^۱

«قائم ظهور نخواهد کرد تا این که کودکان فرمانروا شوند، حقوق الهی

ضایع گردد و با قرآن آواز بخوانند. پس هنگامی که حاکمان بنی عباس کشته

شوند، آنان که کور و کر و صاحبان گمراهی اند و هنگامی که بصره خراب

شود، آن‌گاه قائمی که از فرزندان حسین علیه السلام است، قیام خواهد کرد».

سؤال ششم

حذلم بن بشیر می‌گوید: به امام سجاد علیه السلام عرض کردم:

۱. دلائل الامامه، ص ۲۵۳ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

آقا! جریان خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را برایم توصیف بفرما و این که نشانه‌ها و علامت‌های آن چیست؟

حضرت فرمود:

يَكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجُ رَجُلٍ يُقَالُ لَهُ عَوْفُ السُّلَمِيِّ بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ
وَ يَكُونُ مَأْوَاهُ تَكْرِيتَ وَقَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقَ ثُمَّ يَكُونُ خُرُوجُ شُعَيْبِ بْنِ
صَالِحٍ مِنْ سَمَرْقَنْدَ ثُمَّ يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ الْمَلْعُونُ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ وَهُوَ
مِنْ وُلْدِ عُتْبَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ فَإِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ اخْتَفَى الْمَهْدِيُّ ثُمَّ يَخْرُجُ
بَعْدَ ذَلِكَ؛^۱

«قبل از ظهور آن حضرت، مردی که به عوف سلمی معروف است در سرزمین جزیره خروج می‌کند، وی که منزلش در تکریت است در مسجد دمشق کشته می‌شود، پس از آن خروج شعیب بن صالح از سمرقند خواهد بود، سپس سفیانی ملعون که از اولاد عتبه بن ابو سفیان است از وادی یابس خروج می‌کند؛ آن‌گاه که امر سفیانی ظاهر گردد، مهدی علیه السلام پنهان می‌شود و پس از آن قیام خواهد نمود.»

خلاصه برخی از نشانه‌ها

برخی از علایم و نشانه‌های عمومی که قبل و هنگامه ظهور امام زمان علیه السلام واقع خواهد شد و در روایات و کتب مختلف آمده که البته برخی حتمی و بعضی مشروط است به این شرح می‌باشد:

۱. غیبت شیخ طوسی، حدیث ۴۲۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳.

خروج سفیانی، صیحه آسمانی، ندای جبرئیل از آسمان، ندای شیطان از زمین، قتل حسنی، اختلاف بنی عباس در امور دنیایی، کسوف در وسط ماه رمضان، خسوف در آخر ماه رمضان، خسوف در بیداء، خسوف در مغرب، خسوف در مشرق، رکود خورشید، قتل نفس زکیه در پشت کوفه به همراه هفتاد نفر از صالحان، سر بردن یکی از هاشمیان بین رکن و مقام، خرابی قسمتی از مسجد کوفه، پرچم‌های سیاه از سمت خراسان، خروج یمانی، ظهور مغربی در مصر و تصرف شام، ورود ترک‌ها به جزیره، ورود روم به رمله، مرگ و میر عمومی: یکی مرگ سرخ و یکی مرگ سفید، از بین رفتن دو سوم مردم، طلوع ستاره‌ای همانند ماه در مشرق، سرخی‌ای که در آسمان پدید می‌آید و منتشر می‌شود، آتشی طولانی که از مشرق ظاهر می‌گردد و حدود سه تا هفت روز در جو می‌ماند، تملک بلاد توسط اعراب و خروج از سلطنت عجم، کشتن پادشاه مصر توسط مردم، خرابی شام، ورود پرچم‌های قیس و عرب به مصر، ورود پرچم‌های کنده به خراسان، خروج ۶۰ مدعی نبوت، خروج ۱۲ مدعی امامت، طوفان سیاه، زلزله شدید، ترس اهل عراق و بغداد، ظهور ملخ‌های فراوان، اختلاف عجم‌ها، شورش بندگان، مسخ عده‌ای از اهل بدعت، ...^۱

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۵۳؛ غیبت شیخ طوسی؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹؛ ارشاد شیخ مفید.

فصل دهم:

زمان ظهور

زمان ظهور چه موقع است؟

عبدالرحمن بن کثیر می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مهزم اسدی وارد شد و عرض کرد: فدایتان شوم! بفرمایید این امری که در انتظار آن می باشید چه موقع خواهد بود؟ چون خیلی طولانی شده است.
امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَا مِهْزَمُ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ وَهَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَنَجَا الْمُسْلِمُونَ وَإِنَّا
يَصِيرُونَ»^۱

«ای مهزم! آنان که تعیین وقت می کنند دروغ می گویند، آنان که عجله می کنند نیز هلاک خواهند شد، اما آنان که مسلمان واقعی باشند و تسلیم باشند نجات می یابند و به سوی ما خواهند آمد.»

جمعیت جهان در زمان ظهور؟

محمد بن مسلم و ابوبصیر که از بهترین اصحاب و یاران امام صادق علیه السلام می باشند نقل می کنند که امام صادق علیه السلام فرمود:
«لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ»
«این امر محقق نمی شود مگر زمانی که دو سوم مردم از بین بروند.»

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۴ / غیبت طوسی.

عرض کردیم: وقتی دو سوم مردم بروند، پس چه کسی باقی می ماند؟
امام فرمود:

«أَمَّا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي؟»^۱

«آیا شما دوست ندارید که جزو آن یک سوم باقی مانده باشید؟»

زمان ظهور بعد از غربال شدن مردم است؟

جابر جعفی می گوید از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: چه موقع فرج شما محقق می شود؟ آن جناب فرمود:

«هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا، ثُمَّ تُغْرِبُوا، ثُمَّ تُغْرِبُوا؛
يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ الْكَدِرُ وَيَبْقَى الصَّفْوُ»^۲

«هیئات! به این زودی نخواهد بود، فرج ما نخواهد شد مگر این که
غربال شوید و امتحان گردید، باز هم غربال و غربال شوید تا ناخالص ها جدا
شوند، و خالص ها باقی بمانند».

باید آنان که به زبان ادعای اسلام و ایمان می کنند، امتحان گردند و کسانی که
مرد عمل می باشند شناخته شوند، آن گاه ظهور حاصل خواهد شد.

چرا وقت ظهور معلوم نیست؟

از مفضل بن عمر نقل شده که می گوید: از آقایم امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳ / غیبت طوسی، ص ۳۳۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳.

برای زمان ظهور امام مهدی منتظر وقت مشخصی هست که مردم بدانند؟

امام صادق علیه السلام فرمودند:

حَاشَ لِلَّهِ أَنْ يُوقَّتَ ظُهُورُهُ بِوَقْتٍ يَعْلَمُهُ شِيعَتُنَا.

هرگز چنین نیست که خداوند متعال زمان ظهور آن حضرت را در وقتی

قرار دهد که شیعیان ما هم بدانند.

عرض کردم: چرا این گونه است؟

آن حضرت فرمود:

لِأَنَّهُ هُوَ السَّاعَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّئُهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. وَهُوَ السَّاعَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا وَقَالَ: عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَلَمْ يَقُلْ إِنَّهَا عِنْدَ أَحَدٍ وَقَالَ: فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا الْآيَةَ وَقَالَ: اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ وَقَالَ: مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا، يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ.

چون زمان ظهور همانند «الساعة» است که خداوند متعال در آن

فرموده: درباره ساعت از تو سؤال می‌کنند، کی فرامی‌رسد؟! بگو: «علمش

فقط نزد پروردگار من است؛ و هیچ‌کس جز او (نمی‌تواند) وقت آن را

آشکار سازد؛ (اما قیام قیامت، حتی) در آسمان‌ها و زمین، سنگین (و بسیار

پراهمیت) است.»

و نیز همان ساعتی است که خداوند متعال فرموده است: و از تو درباره ساعت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود؟!

خداوند متعال فرموده: علم آن نزد خودش می باشد و نفرمود که نزد کسی دیگر می باشد و همچنین فرموده است: قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت! و باز فرموده: و چه می دانی شاید ساعت نزدیک باشد!

کسانی که به ساعت ایمان ندارند درباره آن شتاب می کنند؛ ولی آنها که ایمان آورده اند پیوسته از آن هراسانند، و می دانند آن حق است؛ آگاه باشید کسانی که در ساعت تردید می کنند، در گمراهی عمیقی هستند.

عرض کردم: مراد از یمازون چیست؟

آن حضرت فرمودند: يَقُولُونَ مَتَىٰ وَوَلَدًا؟ وَمَنْ رَأَىٰ؟ وَأَيْنَ يَكُونُ؟ وَمَتَىٰ يَظْهَرُ؟ وَكُلُّ ذَلِكَ اسْتِعْجَالًا لِأَمْرِ اللَّهِ وَشَكًّا فِي قَضَائِهِ وَدُخُولًا فِي قُدْرَتِهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا الدُّنْيَا وَإِنَّ لِلْكَافِرِينَ لَشَرًّا مَّآبٍ^۱.

می گویند چه وقتی متولد شده؟ چه کسی او را دیده؟ الان کجا هست؟ چه موقع ظهور می کند؟... همه این سؤالها برای این است که در کار خدا عجله می کنند و در قضا و تقدیر الهی شک دارند و می خواهند در کار خدا دخالت کنند؛ آنان همانان هستند که در دنیا زیانکاری کردند و بدترین عاقبت کار برای کافران است.»

فصل یازدهم:

بعد از ظهور

یاران امام زمان علیه السلام چند نفرند؟

این که یاران خاص امام زمان علیه السلام چند نفرند، مفضل بن عمرو می گوید امام

صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا أُذِنَ لِلْإِمَامِ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ الْعِبْرَانِيَّ فَأُتِيَتْ لَهُ صَحَابَتُهُ الثَّلَاثُمِائَةَ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ قَزَعٌ كَقَزَعِ الْخَرِيفِ وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ مِنْهُمْ مَنْ يُفْقَدُ عَنْ فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُصْبِحُ بِمَكَّةَ وَمِنْهُمْ مَنْ يَرَى يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا يُعْرِفُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَحَلِيَّتِهِ وَنَسَبِهِ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَيُّهُمْ أَعْظَمُ إِيمَانًا؟

قَالَ: الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا وَهُمْ الْمَفْقُودُونَ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»^۱

«آن گاه که به امام اجازه ظهور داده شود، خداوند متعال به نام عبرانی او

از آسمان ندا دهد، سپس تمام ۳۱۳ نفر اصحاب ایشان همانند ابرهای پاییزی به گردوی جمع می شوند. آنان اصحاب بیرقها هستند که برخی از ایشان در حالی که شب را در بستر خود خوابیدند مفقود می شوند؛ اما صبح در مکه هستند، بعضی از آنان در روز بر ابرها سوار می شوند، هر کدام از آنان به نام

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۲ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸.

خود و اسم پدرش و با کیفیت و صفت نسبش شناخته می شود.

گفتم: فدایتان شوم! ایمان کدام یک از آنان بیشتر است؟

فرمود: آنان که در روز بر ابرها سوار می شوند که ایشان همان مفقودان هستند. و این آیه شریفه در مورد آنان نازل شده است که فرمود: ... هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز،) حاضر می کند.

منزل و مأوای مهدی علیه السلام بعد از ظهور کجاست؟

پیرامون این که امام زمان علیه السلام بعد از ظهور در کجا اقامت خواهند داشت و آیا این که در آن زمان خانواده و زن و فرزند هم دارند یا نه، احادیث مختلفی آمده است.

در حدیثی از ابوبصیر آمده است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

ای ابامحمد! گویا می بینم قائم را که با اهل و عیال خود در مسجد سهله نزول فرموده است.

ابوبصیر می گوید: آنجا منزل ایشان است؟

امام فرمود:

«نَعَمْ هُوَ مَنْزِلُ إِدْرِيسَ عليه السلام وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ صَلَّى فِيهِ وَالْمُقِيمُ فِيهِ كَالْمُقِيمِ فِي فُسْطَاطِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِلَّا وَقَلْبُهُ يَحِنُّ إِلَيْهِ وَمَا مِنْ يَوْمٍ وَلَا لَيْلَةٍ إِلَّا وَالْمَلَائِكَةُ يَأْوُونَ إِلَى هَذَا الْمَسْجِدِ يَعْبُدُونَ اللَّهَ فِيهِ.

يَا بَا مُحَمَّدٍ! أَمَا إِنِّي لَوْ كُنْتُ بِالتُّقْرِبِ مِنْكُمْ مَا صَلَّيْتُ صَلَاةً إِلَّا فِيهِ ثُمَّ
إِذَا قَامَ قَائِمُنَا انْتَقَمَ اللَّهُ لِرَسُولِهِ وَلَنَا أَجْمَعِينَ»؛^۱

«آری آن منزل ادریس پیامبر است، هیچ پیامبری مبعوث نشده مگر این‌که در آنجا نماز خوانده است، هر‌که در آن اقامه کند مثل این است که در خیمه پیامبر خدا اقامه کرده باشد. هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر این‌که قلب او عاشق آنجاست و هیچ روز و شبی نیست مگر این‌که فرشتگان الهی به آن مسجد می‌آیند و خدا را در آن عبادت می‌کنند.

ای ابو محمد! بدان و آگاه باش که اگر من نزدیک آن مسجد بودم، تمام نمازهایم را در آن می‌خواندم. پس آن‌گاه که قائم ما قیام نماید، خداوند برای پیامبرش و همه ما انتقام خواهد گرفت».

اقدامات حضرت مهدی علیه السلام چه خواهد بود؟

اما این‌که وقتی امام زمان علیه السلام ظهور و قیام فرمودند چه کارها و اقداماتی انجام خواهند داد، خود از موارد مهم این موضوع می‌باشد، آن حضرت به مصلح جهان و منجی عالم بشریت معروف است، پس هر کار خلاف و فاسدی که باشد را اصلاح خواهند فرمود، لذا ابوبصیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی فرمودند:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ وَلَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَهُ شَرَفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَجَعَلَهَا جَمَاءً وَوَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَكَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ عَنِ الطَّرِيقِ وَأَبْطَلَ الْكُنْفَ وَالْمِيَازِيبَ إِلَى

الطُّرُقَاتِ وَلَا يَتْرُكُ بِدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا وَيَفْتَحُ قُسْطَنْطِينَةً
وَالصَّيْنَ وَجِبَالَ الدَّيْلِمِ فَيَمَكْتُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ مِقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرُ
سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللهُ مَا يَشَاءُ.

«آن‌گاه که قائم ظهور و قیام فرماید به کوفه می‌آید و در آنجا چهار
مسجد است که خراب خواهد کرد. و هیچ مسجد کنگره‌داری روی زمین
نیست مگر این که کنگره‌های آن را خراب می‌کند و آن را بدون کنگره باقی
می‌گذارد. بزرگ راه‌ها را وسیع می‌کند، پنجره‌های مشرف بر خیابان را
می‌بندد، فاضلاب و ناودان‌ها که بر راه‌ها می‌ریزند را جمع می‌کند، بدعتی
نمی‌ماند؛ مگر این که آن را از بین می‌برد، تمام سنت‌های اسلامی را زنده
و برپا می‌کند. قسطنطنیه و چین و کوه‌های دیلم را فتح می‌نماید، پس هفت
سال در این حکومت و خلافت خواهد بود که هر سال آن برابر ده سال از
سال‌های شماست، سپس هرچه را که خدا بخواهد همان می‌کند.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَكَيْفَ تَطُولُ السَّنُونَ؟

قَالَ: يَا مَرْءُ اللهِ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَقِلَّةِ الْحَرَكََةِ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ
وَالسَّنُونَ.

گفتم: قربانت شوم! چطور سال‌ها این قدر طولانی می‌شود؟

فرمود: خداوند ستارگان را به درنگ فرمان می‌دهد و به آرامی حرکت
خواهند کرد، پس روزها طولانی می‌شود، سال‌ها نیز طول می‌کشد.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِذَا تَغَيَّرَ فَسَدَ؟

قَالَ: ذَلِكَ قَوْلُ الزَّانِدِةِ، فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَقَدْ

شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَدَّ الشَّمْسَ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَأَخْبَرَ بِطُولِ
يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّهُ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ»^۱

گفتم: برخی می‌گویند: اگر فلک و ستارگان اندکی تغییر کنند از بین
می‌روند؟

فرمود: این حرف زندیقان و کافران است؛ اما مسلمانان چنین سخنی
ندارند، این در حالی است که خداوند، ماه را برای پیامبرش دو نیم کرد،
و قبل از آن هم خورشید را برای یوشع بن نون به عقب برگرداند، علاوه بر
این خداوند از طولانی بودن روز قیامت خبر داد که یک روز آن همانند
هزار سال از سال‌های شما است.»

سیره و روش صاحب الزمان علیه السلام چگونه است؟

سؤال اول

عبدالله بن عطا می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم:

هنگامی که قائم قیام فرماید، به کدام سیره در بین مردم عمل می‌کند؟

امام فرمود:

«يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً»^۲

«هرچه از باطل که قبل از آن باشد منهدم می‌کند؛ چنان‌که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

چنین کرد و اسلام را از نو برپا می‌کند.»

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹ و ج ۵۵، ص ۹۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴ / غیبت نعمانی، ص ۲۳۰.

سؤال دوم

سؤالی دیگر از عبدالله بن عطاء. این بار نیز به امام باقر علیه السلام عرض می‌کند: در مورد قائم علیه السلام برایم صحبت کنید.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«وَاللَّهِ مَا هُوَ أَنَا وَلَا الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ وَلَا يُعْرَفُ وَلَا دَتُّهُ.
قُلْتُ: بِمَا يَسِيرُ؟»

قَالَ: بِمَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، هَدَرَ مَا قَبْلَهُ وَاسْتَقْبَلَ؛^۱

«به خدا قسم که من او نیستم، و نیز آنی نیستم که شما منتظرید و گردن‌های خود را به سوی او خواهید کشید و تولدش نیز مخفی خواهد ماند.»

عرض کردم: به چه روشی عمل خواهد فرمود؟

فرمود: به همان روشی که پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عمل نمود، یعنی آنچه که از باطل در گذشته بوده از بین خواهد برد و از نو آغاز خواهد کرد.»

سؤال سوم

از امام باقر علیه السلام پرسیده‌اند: وقتی امام زمان علیه السلام قیام کنند به چه روشی عمل می‌فرمایند؟

امام فرموده است:

«بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى يُظْهَرَ الْإِسْلَامَ.
قُلْتُ: وَمَا كَانَتْ سِيرَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟»

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۶۹ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۸.

قَالَ: أَبْطَلَ مَا كَانَتْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَاسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ وَكَذَلِكَ الْقَائِمُ عليه السلام إِذَا قَامَ يُبْطِلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَيَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلَ؛^۱

«به همان روشی که رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار کرد عمل خواهد کرد، تا این که

اسلام واقعی ظاهر خواهد شد.

عرض کردم: سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله چه بود؟

فرمود: هر چه در دوره جاهلیت بود را باطل کرد و مردم را به طرف عدالت آورد. قائم نیز چنین خواهد کرد، هنگامی که قیام کند، هر چه که در زمان ضعف اسلام بوده، از آنچه که مردم عمل می‌کردند را باطل خواهد کرد و مردم را به طرف عدالت خواهد آورد».

روش قضاوت امام زمان علیه السلام چگونه است؟

حسن بن طریف می‌گوید: به امام حسن عسکری علیه السلام نامه‌ای نوشتم و از آن حضرت در مورد مهدی علیه السلام سؤال کردم که وقتی ایشان قیام بفرمایند به چه قانونی بین مردم قضاوت خواهند کرد؟ امام در جواب فرمودند:

سَأَلْتُ عَنِ الْإِمَامِ فَإِذَا قَامَ يَقْضِي بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ عليه السلام لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ.^۲

۱. تهذیب شیخ طوسی، ج ۶، ص ۱۵۴ / وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۷۷ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۵۰۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰ و ج ۵۰، ص ۲۶۴.

در مورد امام پرسیدی که چگونه قضاوت خواهد کرد، هنگامی که ایشان قیام کند به علم خودش بین مردم قضاوت خواهد فرمود؛ مانند قضاوت داوود علیه السلام که نیازی به شاهد و دلیل دیگری ندارد.

آیا زندگی بعد از ظهور همه‌اش آسایش و رفاه است؟

برخی فکر می‌کنند وقتی امام زمان علیه السلام ظهور نماید، از همان ابتدا آسایش و راحتی و رفاه آماده است و هیچ دردسری ندارد؛ در حالی که برای مؤمنان و منتظران واقعی، تازه اول کار است، تازه اول رنج و زحمت و تبلیغ و جهاد و مبارزه است.

لذا مفضل می‌گوید: هنگام طواف در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که فرمود:

چیه، ای مفضل؟ چنانا راحت و مهموم هستی؟

مفضل می‌گوید: فدایتان شوم! بنی عباس را می‌بینم که با این شکوه

و عظمت و پادشاهی هستند، اگر حکومت دست شما بود، ما هم در آسایش بودیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَا مُفَضَّلُ! أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سِيَّاسَةَ اللَّيْلِ وَسِيَّاحَةَ النَّهَارِ
وَأَكْلُ الْجَشِبِ وَتُبْسُ الْخَشِينِ شِبْهَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَّا فَالْتَّارُ، فَزُويَ ذَلِكَ
عَنَّا فَصِرْنَا نَأْكُلُ وَنَشْرَبُ وَهَلْ رَأَيْتَ ظُلَامَةً جَعَلَهَا اللَّهُ نِعْمَةً مِثْلَ هَذَا»؛^۱

«ای مفضل! آگاه باش اگر چنان شود شب و روز باید کار کرد، در شب

باید نگهبان و مراقب مردم بود، در روز باید به کار و تلاش پرداخت، غذای

سخت مانند نان خشک و نان جو باید خورد، لباس خشن باید پوشید؛ شبیه امیرالمؤمنین علیه السلام که اگر غیر از این عمل کنیم عاقبت ما آتش خواهد بود. اما اکنون این امور از ما برداشته شده؛ غذای خوب می‌خوریم، آب گوارا می‌نوشیم، آیا چنین ظلم و مظلومیتی دیده‌ای که خداوند این گونه برای ما نعمت قرار داده باشد!».

سختی‌های بعد از ظهور چیست؟

عمرو بن شمر و می‌گوید: در منزل امام صادق علیه السلام خدمت آن حضرت بودم؛ در حالی که منزل آن جناب مملو از جمعیت بود و مردم نیز برای سؤال به ایشان مراجعه کرده بودند، آنان از هر چیزی می‌پرسیدند و امام نیز پاسخ می‌داند، من که در گوشه‌ای از خانه بودم، گریه‌ام گرفت، امام فرمود: چه چیز تورا به گریه انداخته، ای عمرو؟

عرض کردم: فدایتان شوم! چگونه گریه نکنم در حالی که در بین این امت شخصی به بزرگواری شما نیست؛ ولی درب‌های فرج به روی شما بسته شده و پرده انکار بر شما کشیده شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَا تَبْكُ يَا عَمْرُو! نَأْكُلُ أَكْثَرَ الطَّيِّبِ وَنَلْبَسُ اللَّيِّنَ وَلَوْ كَانَ الَّذِي تَقُولُ لَمْ يَكُنْ إِلَّا أَكْلُ الْجَشِيبِ وَلُبْسُ الْخَشِينِ مِثْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَإِلَّا فَمُعَالَجَةُ الْأَغْلَالِ فِي النَّارِ!»^۱

«گریه نکن ای عمرو! الآن غذاهای بسیار خوب می خوریم، لباس های گرم و نرم می پوشیم؛ اما اگر آنچه تو می گویی اتفاق بیفتد، غذایی نخواهد بود مگر غذای خشک و سخت، و لباسی نباید پوشید جز لباس خشن، همانند امیرالمؤمنین علیه السلام و الا آن را با آتش معالجه خواهند کرد».

والحمد لله رب العالمين

و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین